

۹
سه گزارش از:

کارخانه ذوب آهن آریامهر

شرکت سهامی زراعی آریامهر

گوشه ار از کارنامه ۶۰ ساله شرکتها
غازنگر نقت در مسجد سلیمان

مجاهدین خلق ایران



جلد ۱ : ■ کارخانه ذوب آهن آریامهر

■ شرکت سهامی زراعی آریامهر

خرداد ۵۳

جلد ۲ : ■ گوشه ای از کارنامه ۶۰ ساله شرکتهای خارتگر
نفت در مسجد سلیمان

شهریور ۵۳

مجاهدین خلق ایران

نوشته های حاضر از آثار تحقیقی " سازمان مجاهدین خلق ایران " میباشد .
گفدراسیون جهانی برای کار کسیونهای فرهنگی و اطلاع توده های دانشجویی
خارج از کشور از این گونه تحقیقات به تاکید این دو جلد دست می زند .
امید داریم چاپ این دو اثر در شناخت ایرانیان خارج از کشور از کوشش های
خستگی ناپذیر انقلابیون درون کشور در همه زمینه ها موثر واقع شود .

هیئت مدیران موقت گفدراسیون جهانی

پائیز ۵۲

بنام خدا و نام خلق قهرمان ایران

رژیم ضد خلقی ایران با دنباله روی از سیاست امپریالیسم جهانی و با اتکا به دو عامل سرکوب و تبلیغات گمراه کننده شدیدترین فشارهای دیکتاتوری را بر تنوده های خلق ما وارد میآورد. مبارزه فعال و بیگناهی این دو عامل اصلی قدرت دشمن و وظیفه هر روز زنده صادق و مبین پرست انقلابی است. افشاکری چهره مغرور نمودار دشمن دشمن همان اندازه دارای اهمیت است که بگناید قهرمان انقلابی و در برابر خشونت خدا انقلابی وی.

برنامه های تبلیغاتی سراسر فریبکارانه رژیم پهلوی و اگرچه ضحصر موارد معدودی نبوده و نیستند ولی از میان آنها می توان برنامه " رشد صنعتی " و اصلاحات ارضی " در ایران در طول دهساله اخیر همواره در صدر تبلیغات دشمن قرار داشته و با ارائه طرحها و نمونه هایی در این زمینه سعی کرده چهره ضد خلقی خود را بپوشاند.

کارخانه ذوب آهن آریامهر و شرکت سهامی زرایی آریامهر و نمونه برجسته در زمینه های " رشد صنعتی " و اصلاحات ارضی " انقلاب سفید آریامهر است. نوشته حاضر شامل دو گزارش از دو طرح نمونه فوق الذکر است. این نوشته گرچه بدلیل حاکمیت شرایط پلیسی و اختناق تأخیر در انتشار است اما میتواند در بالا بردن دید هموطنان عزیز نسبت به فریبکاریهای رژیم مؤثر باشد.

سازمان مجاهدین خلق ایران

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی اردیبهشت ماه ۵۳

تاریخ تحقیق زمستان سال ۱۳۵۲

مقدمه

تجاوز از سی سال رژیم به تبلیغات فریب آمیزی درباره اهمیت احداث نوب آهن در ایران پرداخت. بر اثر این تبلیغات ایجاد کارخانه نوب آهن که تنها برای توده های مردم بلکه برای بسیاری از روشنفکران به صورت یک «آرزوی ملی» درآمد. همه تصور میکردند که برای رهائی از ورطه عقب ماندگی کونی، و گرایش بسوی صنعتی، شدن تنها راه علاج تاسیس کارخانه نوب آهن است. هنوز افکار عمومی بر این تصور است که با بهره برداری از کارخانه نوب آهن، عقب افتادگیهای صنعتی حل میشود و نیازهای داخلی از سوزن خیاطی گرفته تا ماشین سواری در داخل ایران و به قیمت ارزان ساخته خواهد شد.

پس از گذشت ماهها از آغاز بهره برداری کارخانه نوب آهن آریامهر، سازمان مجاهدین خلق بر آن شد که گزارشی از چگونگی تاسیس نحوه ساختمان کارخانه و شرایط بهره برداری آن تهیه کند و آنرا در معرض افکار عمومی قرار دهد. تا معلوم شود که آیا این پروژه بر سر سود او یا اصطلاح انقلابی رژیم، مانوجه به هزینه هنگفتی که برای آن شده، تا چه اندازه با نیازها و آرزوهای ملی مردم ما منطبق است. آیا این صنعت مادر تولید صنایع نوین دیگری را که بر اساس آرزوهای ملی مردم باشند تولید میدهد یا اینکه هنوز فرزندی متولد نشده گسترش سرطان نفوذ بهنگانگان و اختلاسهای مزدوران

آرشيو استاد سازمان پيکار در راه آزادي حقيقه کارگر

داخلی آنها، مادر و پستانه مرگ میگذاند .
 گزارش زیرگوشی است تا این ارزیابی را بدست دهد . اما باید از آن کرد
 که گزارش کامل و جامع نیست چه در شرایط سخت پلیسی حاکم تهیه شده
 است .

از لحاظ اهمیتی که افشای حقایق کارخانه زوب آهن آریامهر همچون دیگر
 تاسیسات آریامهری برای مردم مادر از همه خواهران و برادران که دسترس
 عینی دارند میخواهیم که با تحقیقات خود به تکمیل و اصلاح این گزارش که
 میتواند مقدمه ای برای کار آنها باشد بپردازند .

سابقه تاریخی

بدنبال سیاست نزدیکی رضاشاه به حکومت هیتلری آلمان اولین قدم برای
 تاسیس کارخانه زوب آهن برداشته شد و کمانی کورپ آلمان عهده دار
 پیاده کردن این طرح گردید . ناحیه کرج برای احداث کارخانه به علت
 نزدیکی به معادن البرز و استفاده از رودخانه کرج برای تامین آب مورد
 نیاز انتخاب گردید . مقداری از آهن آلات و تجهیزات مربوط به کارخانه به
 محل تاسیس کارخانه حمل گردید . اما ادامه حمل وسائل مورد نیاز و کار
 ساختمان کارخانه، از طرف نیروهای متفقین (امریکا، انگلستان، شوروی)
 که ایران را با آنها از جنگ جهانی دوم اشغال کرده و آلمان در حال جنگ بود
 متوقف گردید .

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ده تاسیس کارخانه زوب آهن برای غرب

انگلادیس در تعلیمات و هم قرار گرفت. بودجه های کلانی برای مطالعه در اطراف تاسیس کارخانه و تعیین مناسب ترین محل و میزان ظرفیت کارخانه در اختیار کارشناسان و شرکتهای مشاور خارجی قرار گرفت تا آنجا که بگفته میشود مسئولین و هم بودجه ای که در طول آن مدت صرف مطالعه تاسیس کارخانه شد از هزینه اهدات یک کارخانه نوب آهن تجاوز کرد.

سرانجام در سال ۱۳۴۴ در زمان حکومت حسنعلی منصور نخست وزیر انقلاب سفید و رهبر در دسته نوظهور ایران نوین، قرارداد تاسیس کارخانه پارسا امضاء شد با مطالعاتی که آنها در این زمینه بعمل آوردند محل تاسیس کارخانه در ۴ کیلومتری اصفهان و در کارپردخانه زاینده رود انتخاب شد. در این هنگام عوامل زودرتاسیس کارخانه نقش اساسی را بازی کردند:

اتخاذ دگرگین سیاست مسالمت آمیز و سبیل شوروی

پیشرفت تکنیک سلاح های مدرن اتنی، همیدان آمدن موشکهای قاره پهنا و توسعه زیر دریائی های اتنی شوروی، تعادل تسلیحاتی را بین دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی بوجود آورد، و هم زمان با آن از اهمیت پایگاههای نظامی دو این قدرت در کشورهای بیگانه کاست. اینکه هر دو قدرت باین حقیقت پی برده بودند که آغاز جنگ از هر سو موجب نابودی هر دو طرف و اضمحلال آنها خواهد شد. بخصوص اتحاد جماهیر شوروی که از لحاظ تسلیحات غیر اتنی با آمریکا اختلاف زیادی داشت، سیاست توسعه طلبی آمریکا را با مقابله اتنی تهدید میکرد. رشد تکنیک سلاحهای اتنی و دگرگین سیاست مسالمت آمیز و روشنفردی بی روی کرد و سرانجام اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده در اوائل دهه

۱۹۶۰ درباره مناطق نفوذ جهانی بایکدیگر توافق کردند. تئوریست‌های اتحاد جماهیر شوروی استدلال میکردند که امپریالیسم جهانی را باید در عرصه رقابت‌های اقتصادی مبارزه با قدرتهای سوسیالیستی فراخواند و زمینه فراهم ساختن انقلاب اجتماعی کشورهای توسعه نیافته را با ایجاد صنایع و در نتیجه گسترش طبقه پرولتاریا فراهم نمود. تحت این پوشش انسانی، دکترین هترتس^۱ سلامت آمیز جنگهای سرد شوروی با آمریکا و اقشارش خاتمه داد.

امکان جنگ محدود انسانی برای آمریکا از میان رفته بود. درگیری نیروهای امریکایی با پیشرفته ترین سلاحهای غیر انسانی خود در ویتنام، امریکا - نه مردم ویتنام - را برانود آورد. با آغاز زمانه‌داری کندی ضوابط برخورداری از این تجربیات، حکومت کندی دست با اقدامات وسیعی زد تا برای حفظ کشورهای زیر سلطه، طرحهای وسیع "سیمای طلایی" دادن به برنامه های آمریکائی "نهمه" و اجرا شود هدف از طرح جدید این بود که اولاً منابع انسانی و اقتصادی آمریکا همچون در ویتنام، در گرداب ناپودی نیفتد و ثانیاً حتی الامکان قبل از بروز انقلابات طلوی با اجرای طرحهای ضد انگیزه ای از آنها جلوگیری و در عین حال با گسترش یک قشر مزدور بنحیث نیروهای بومی برای سرکوبی انقلابات مسلحی بپردازد. در اجرای این طرح، امریکا در ایران با مشکلات زیادی روبرو بود. چه کشور ما در سال ۱۹۶۰ بر اثر استشارت پدیده‌یگانگان و اختلاسهای افسانه ای مزدوران فاسد آنها بپوشش کسب کرده بود. فساد مزدوران داخلی مرحله ای رسیده بود که سنای امریکا میکوشید با انتقاد از آنها در مردم ایران واکنش عمومی جهان وجهه سیاسی پیدا کند و خاطره تحمل این رژیم فاسد را از یاد مردم ایران ببرد. از طرف دیگر فساد رژیم بطور اجتناب ناپذیری به

ضعفان منجر شده و نهفت طی ایران دوباره پاکرته و همزمان با اجرای
 طرحهای "سهامی ملی" در آن "پاچ قدرت خود رسیده بود و میرفت تا
 مخاطراتی جدی برای ادامه نفوذ بیگانه و مزدوران داخلی آنها ایجاد
 کند در این هنگام سرکوبی نهفت طی و سپردن کشور بهمان مزدوران فاسد
 اما این بار با اتصال کنترل بیشتر امری ناگزیر بنظر میرسد. برای اینکار سکوت
 و لغزش حسابیه شمالی ایران لازم بود آنها هم خوشبختانه برای غرب قبال
 فراهم شده بود چه تقارن زمانی اتخاذ سیاست سلامت آمیز اتحاد جماهیر
 شوروی با رفع بحران سیاسی ایران از طریق سرکوبی مجدد نهفت طی و
 مناسی با آمریکا داد و تنبر کی روابط و جنگ تبلیغاتی که بین ایران و
 شوروی از دهه ۵۰ همچنان ادامه داشت، سرعت جایش را به حسن روابط
 و تمجید از سیاست های مدیریت طرفین داد و بلافاصله قراردادهایی بین
 دو کشور امضا رسید شوروی يك اعتبار ۳۶ میلیون دلاری برای ساختن
 سد رودخانه میزی ارس با ایران داد و ایران در قبال امتیازات کلان و سی
 حسابی که به کمپانیهای نفتی بزرگ آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی عطا
 کسرسوم و نیزه خرده کمپانیهای نفتی آمریکائی، ژاپنی و ایتالیائی در اراضی
 فلات قاره، ناحیه زاگرس و سایر مناطق جنوبی که احتمال وجود ذخایر نفتی در
 آن مناطق میرفت و اکتادار میکرد، قرارداد گاز را بهان شوروی در قبال ساختن دو
 آهن امضا کرد. شاه در صحابه هایش از هدفهای تجدید روابط با شوروی پرده
 برداشت. از جمله یکی از سفرای يك کشور آسیائی گفت: "روسها قرنیه است
 که میخواهند راهی به خلیج فارس پیدا کنند اما اکنون که ما بطریق - بوسیله
 جاده هامراه آهن و لوله های نفت - باهمبارت دیگر بوسیله تجارت و

ضایع دوجانبه و آرزوهای آنها را برآورده ایم آنها نیز آرزوهای تخریب خود دست برداشته اند" (۱)

با این ترتیب اتحاد جماهیر شوروی عهده دار ساختن کارخانه نوب آهن آرمهرشد.

۲ - نیاز رژیم به معامله با شوروی برای داعیه سیاست مستقل ملی

تاسیس کارخانه نوب آهن چون دیگر اعتبارات اقتصادی و مہتر از همه فروش سلاحهای نظامی از طرف شوروی، بهترین برگه بود که رژیم برای پوشاندن موقتی ماهیت واقعی اقدامات با اصطلاح انقلابی خود به کار برد. معاملات جدید با شوروی بهترین جایگاه را در تبلیغات رژیم اشغال کرد. جملاتی از قبیل "ایران اکنون با استفاده از قدرت خود بر اساس سیاست مستقل ملی قادر است با هر کشوری صرف نظر از تعلق بهریک از بلوکهای شرق و غرب دست بهرگونه معامله ای که ضایع ملی اش اقتضا کند بزند"، صفحات مطبوعات و برنامه فرستنده های رادیویی کشور را پر کرده بود. نیاز رژیم به نزدیکی با شوروی و ملت کوششهای تبلیغاتی اش که فراهم شدن این فرصت را از پرتو انقلاب شاه و مردم و اصول انقلاب سفید میخواند آنگاه بخوبی آشکار میشود که رسوائی و شکست طرحهای امریکائی همسانی را در کشورهای دیگر مورد ملاحظه قرار دهیم.

اجرای طرح کامپوت (۲) در شبلی که بطور کلی شامل مطالعات حضوری

(۱) گاردین - لوموند دیپلماتیک ۱۱ مارس ۱۹۷۲

متخصصین مشاورین وزارت دفاع و سایر با همکاری متخصصین محلی در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور برای ارائه طرح اجرایی "سپای ملی دادن به برنامه ها" (که در کشورمان انقلاب سفیدش خواندند) بود با مخالفت شدید مردم شیلی روبرو شد (۱).

افشاگرهای مردم شیلی از هدفهای این طرح که برای تضمین و تعمیق تسلط امریکادرگتبه شتون زندگی مردم اجرامیشد منجر به شکست آن در شیلی شد. فشار افکار عمومی مردم شیلی پارلمان آن کشور را واداشت تا طرح را بعنوان دخالت مستقیم امریکادرامورد اخلی شیلی محکوم کند.

بدنبال آن متخصصین امریکائی طرح کاملوت از شیلی رانده شدند و موج افشاگریهابه دیگر کشورهای امریکای لاتین سرازیر شد. اعتراضات برخی از دانشگاههای امریکواستادان بانفوذ آنها که آنها را در کشورهاییکه مشغول تحقیق درباره طرح بودند مامورین سیاودر خدمت آن خوانده بودند و نیز ترس پزیدنت جانسون از اینکه به حیثیت امریکابیش از این لطمه وارد شود منجر شد که رئیس جمهور بلافاصله رسماً بهوزارت دفاع دستور دهد که اجرای طرح را بگلی در تمام کشورهای تعطیل کند ووزارت دفاع دیگر مستقیماً از انجام چنین طرحهایی که امریکاراضیهم بهداخله درامورد اخلی کشورهاییکه خود راری نماند

۱ - شیلی یکی از ۹ کشوری بود که طرح میباید طبق اسناد وزارت دفاع در آنها انجام مییافت. بقیه کشورهای عبارت بودند از: بولیوی، اکوادور، پاراگوئه، پرو و ونزئلا، ایران و تایلند. برای اطلاع بیشتر از هدفهای طرح به صفحات ۱۱۶-۱۲ کتاب زیر مراجعه کنید:

Michael T. Klare, War without end, American planning for the next Vietnam (1972)

در این هنگام طرح اجایل (۱) که به جنبه علی^۱ * سهامی ملی دادن
 برنامه های امریکائی "پرداخته بود در چهار کشور جهان که موقعیت خاصی
 از لحاظ امریکا داشتند یعنی ویتنام، کره، تایلند و ایران در حال پیاده شدن
 بود (۲) ضرورت پنهان کردن طرح در ایران امری بسیار حیاتی برای
 امریکا و دوران داخلی آن بود. باید به شعار انقلاب شاه و مردم و انقلاب
 سفید که بقول شاه برنامه ای ضد مردمی است جان داده میشد.
 ماطی^۲ که میتوانست بدون شک بآن جان بدست پیوستن اتحاد جماهیر شوروی^۳
 این بزرگترین قدرت کشورهای سوسیالیستی جهان، در برنامه های انقلاب
 سفید بود. این آرزوی واضمین طرح تحقق یافت و با همکاری شوروی
 در این زمینه دستگاه تبلیغاتی کوشید ماهیت اصلی برنامه ها را وابستگی
 و از نظر انتظار داخلی و خارجی پیچیده سازد و واقعیت آنرا بطور موقت پنهان
 کند و اجرای برنامه ها را از شکست خوری بازدارد. از این رو تاسیس کارخانه
 ذوب آهن از طرف شوروی، از لحاظ سیاسی امری بسیاری ضروری بود و
 همانطور که معامله عدم ملین دلار و سلاحهای نظامی و گسترش روابط
 سیاسی و اقتصادی با سایر کشورهای سوسیالیستی بلوک شرق، چه اینها
 همه نه تنها هیچگونه آسیبی به اجرای طرح نمیرساند بلکه به چهره پنهان
 زیر طرح، لباس سیاست مستقل ملی ایرانی نیز پوشانند.

(۱) Project Agile برای اخلاص پیشتر صفحات ۳۱۱ - ۳۱۲ کتاب ذکر

شده، مراجعه کنید.

(۲) ص ۲۱۸ همان کتاب

دولت شوروی برای تأسیس کارخانه ذوب آهن با ظرفیت تولیدی ۶۰۰.۰۰۰ تن در سال مبلغی اعتبار را اختیار دولت ایران گذاشت. دولت ایران از محل این اعتبار و از طریق بانک دولتی شوروی اقدام به خرید کتبه و وسائل و تجهیزات لازم برای احداث کارخانه ذوب آهن نمود. این وسائل و تجهیزات شامل کتبه ماشین آلات مختلف جهت استخراج معادن آهن و ذغال سنگ و همچنین مصالح ساختمانی از قبیل آهن، چوب، آجرهای نسوز و مواد لازم دیگری که تهیه آن در ایران مقدور نبود، میگردید. بهوزرات انجام کارهای ساختمانی کارخانه ذوب آهن و تأسیسات وابسته بآن، دولت ایران موظف شد به ساختن لوله سراسری حمل گاز از ناحیه آناجاری تا همزیان و شوروی به بردارند. طول این لوله تقریباً ۱۰۰۰ کیلومتر ظرفیت آن ۱ میلیارد متر مکعب در سال است. مخارج احداث لوله بالغ بر ۷۲ میلیون دلار میگردید که دولت ایران آنرا از طریق وام ۲۰ ساله از کمرسیوم بانکهای اروپائی با بهره ۵٪ میلیون دلار تا استهلاك قرض تأمین کرد. طبق قرارداد احداث کارخانه ذوب آهن، اعتبار و آگاهی شوروی میباید از طریق حدود گاز یا اتحاد شوروی مستهلك شود. مطابق قرارداد اتحاد شوروی با یت هر يك میلیون سی. تی. بی. (واحد ارزش حرارتی گاز) گاز ایران ۱۵/۶ سنت بایران میدهد از (۱)

(۱) همین مقدار گاز شوروی بقیمت ۴۲ سنت به چکسلواکی و آلمان میفروشد. قابل توجه اینکه الجزایر همین مقدار گاز خود را به ۶۲ سنت و لیبی به ۴۲ سنت بقیه در صفحه بعد

از لحاظ اجرائی دولت ایران قبول کرد که ساختمان کارگاههای راک
برای ایجاد و ساختمان کارخانه ضروری است و بنام پایگاه صنعتی نامیده
میشود خود بعهده بگیرد. علاوه بر آن انجام کلیه امور زیر بعهده ایران
واگه ارگردید و دولت ایران موظف شد هزینه آنها را بپردازد.

— استخدام کادرفنی و نیروی انسانی لازم و پرداخت حقوق و دستمزد آنها
فراهم ساختن تسهیلات لازم از قبیل مسکن و وسیله ایاب و ذهاب برای کار
کنان
— پرداخت حقوق کلیه کارشناسان روسی و تامین وسائل زندگی آنها
لعم از مسکن و وسیله ایاب و ذهاب.

— تامین کلیه مصالح ساختمانی و مصرفی و ابزار کار نظیر سیمان، آجر، گچ،
مواد سوختی و روشنایی.

— تامین هزینه ساخت چهار هزار تن از ۸۰ هزار تن گس اسکت و تجهیزات
فزی کارخانه که تهیه و ساخت آنها در داخل ایران میسر بود.

ظرفیت و مشخصات فنی کارخانه

همانطوریکه گفته شد از آنجا که ایجاد این کارخانه در درجه اول دارای هدف
سیاسی و تبلیغاتی بود، جنبه اقتصادی و بازرگانی طی آن بفراموشی سپرد
شد. لذا ظرفیت اولیه کارخانه در حد کوچکترین اندازه ممکن یک کارخانه

ذوب آهن پائیک کوره بلند با گنجایش ۱۰۶۰ متر مکعب و تولید سالانه ۶۰۰,۰۰۰
تن چدن تعیین گردید. در حالیکه در همان زمان صرف داخلی سالانه

بقیه از صفحه قبل) میفرشند یعنی ۳ تا ۵ برابر قیمت گاز ایران. مقدار گازی که شوروی
در سال ۱۳۵۰ از ایران خارج کرده است ۶۰۰ میلیون فوت مکعب میباشد و تا سال

۱۳۵۶ به ۱۰۵۰ میلیون فوت مکعب خواهد رسید یک محاسبه ساده روشن میکند که میکند
شوروی از طریق خرید و فروش گاز ایران سالانه بالغ بر ۶۰ میلیون دلار سود خالص دریافت

آهن آلات کتنبها بصورت آهن آلات ساختمانی و پروفیل های آهنی (تیر آهن سناودانی ، ورق آهن کنبشی و میلگرد و...) حدود ۶۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ تن بود . یعنی ظرفیت کارخانه معادل نصف احتیاجات داخلی در هنگام ساختن آن در نظر گرفته شده بود ، تا به بازار فروش آهن آلات کشورهای غریب در کسور لطمه وارد نشود و کسوری نیاز از تولیدات آهنی آنها نگردد .

کارخانجات ذوب آهن را اصولاً از لحاظ رعایت بازدهی اقتصادی سرمایه و نیز حفظ استقلال وی نیازی اقتصادی این رشته صنعت از کشورهای دیگر با توجه با امکانات ملی و معدنی ، حتی المقدور با ظرفیت و اندازه هر چه بزرگتر میسازند . ظرفیت معمولی کارخانجات ذوب آهن در کشورهای صنعتی از سه میلیون تن تا بیشتر از ده میلیون تن در سال است . چون در تاسیس کارخانه ذوب آهن ایران جنبه اقتصادی مورد نظر نبوده ، با اینکه کشور از امکانات مالی و معدنی فراوانی برخوردار است معذالک ظرفیت اولیه کارخانه حتی نسبت به کارخانجات ساخته شده در کشورهای عقب مانده دیگر که دارای امکانات معدنی و مالی کمتری نیز هستند در سطح پائین تری گرفته شده است . جدول زیر بعنوان نمونه میتواند مبین این حقیقت باشد .

مقایسه ظرفیت تولید کارخانه آریا سهر با چند کارخانه از کشورهای توسعه نیافته

نام کشور	نام کارخانه	ظرفیت در سال	نسبت بهره‌ری با کارخانه آریا سهر
هندوستان (۱)	بهیلائی	۳ میلیون تن	۵ برابر
"	بوخادو	۲ / ۵ میلیون تن	۱۲ / ۱۶ - ۲۰ برابر
صرب	حلوان	۱ / ۵ میلیون تن	۵ / ۲ برابر
ترکیه		۱ / ۵ میلیون تن	۵ / ۲ برابر
الجزایر		۷۵۰ هزار تن	بیشتر از ۱۰ برابر

(۱) هندوستان دارای دو کارخانه ذوب آهن دیگری است که (بقیه در صفحه بعد)

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد ظرفیت تولید فعلی کارخانه ذوب آهن ایران از تمام کشورهای نامبرده در بالا کمتروحتی کمتر از نصف ظرفیت کارخانه ذوب آهن ترکیه است. اما از این جهت جای نگرانی نیست زیرا باموازات کارخانه ذوب آهن آریامهر. کارخانه نورد اسواز تاسیس یافت تا جبران مافات کند. این کارخانه با سرمایه گزاری سرمایه داران امریکائی، آلمانی و ایرانی تاسیس شد. مواد اولیه این کارخانه، شمشهای آهنی، از آلمان و امریکا وارد میشود و کارخانه آنرا به آهن آلات ساختمانی (تیر آهن و میلگرد و...) برای رفع احتیاجات عمده داخلی تبدیل میکند. ظرفیت این کارخانه نزدیک به دو برابر ظرفیت کارخانه ذوب آهن آریامهر است. (۱)

باید یادآوری کرد که توسعه کارخانه در طرح کارشناسان روسی نامیزان ۴ میلیون تن در سال پیش بینی گردید. ونوع ماشین آلات بر اساس متدهای پیشرفته ای از جانب طراحان روسی تعیین گردید و بیشتر مکانیزمها بدون و از نوع اتوماتیک و خود کار انتخاب شده است. و مخاطر جنبه های تبلیغاتی در وضعیت ظاهری کارگاهها و دستگاهها بدون رعایت صرفه جویی های اقتصادی تجمل و زیباسازی زیادی مورد توجه قرار گرفته است.

در طرح اولیه کارخانه به علت کوچکی ظرفیت کارخانه، کارگاه نورد ورق در نظر گرفته نشده است و حال آنکه صرف آهن ورق ۴۵٪ صرف داخلی

(بقیه پاروئی از صفحه قبل) بوسیله انگلیس و آلمان ساخته شده و تولید فولاد آنها رو به حفرته حدود ۸ میلیون تن در سال است.

۱- انعقاد قرارداد تاسیس کارخانه نورد ورق در نزدیکی کارخانه ذوب آهن آریامهر با سرمایه داران انگلیسی در بهمن ماه ۲۵ نشان می‌دهد که از همان ابتدای تاسیس کارخانه ذوب آهن سهم منافع دولت انگلیس هم در بازار صرف ایران منظور شده است و طراحان روسی سلطان تعیین میزان ظرفیت کارخانه آزادی نداشته اند. ظرفیت این کارخانه انگلیسی یک میلیون تن در سال است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آهن آلات کشور تشکیل میدهد .

موقعیت محلی کارخانه

محل کارخانه ذوب آهن دره ۴ کیلومتری جاده اصفهان به شهرکرد در

جنوب غربی اصفهان و در کنار زاینده رود بجهت زیرتعمین گردید :

۱ - قرار داشتن منابع سنگ آهن باقی در جنوب و معادن نغال سنگ

البرز در شمال (معادن زیرآب شاهی و شاهرود)

۲ - وجود منابع معدنی سنگ آهک و سیلیس در ناحیه پیریکران اصفهان

۳ - استفاده از زاینده رود برای تامین آب مورد نیاز کارخانه و امکان ازین راه

حجم آب رودخانه زاینده رود از طریق انحراف سرچشمه آب رودخانه کارون

از ناحیه کوه رنگ چهارمحال بختیاری ، در مراحلی که کارخانه بر اثر

افزایش ظرفیت تولید آب بیشتری احتیاج دارد .

۴ - نزدیکی کارخانه به شهر اصفهان تسهیلات زیادی را برای استخدام

و تامین نیروی انسانی و کادرفنی لازم جهت ساختمان کارخانه فراهم میکند

و سکونت آنها در شهر امکان میدهد .

۵ - مرکزیت جغرافیائی اصفهان امکانات مساعدی برای توزیع محصولات

آن بنقاط مختلف کشور فراهم میکند در حالیکه فاصله زیاد اصفهان از بنادر

کشور علت عدم صدور محصولات کارخانه بخارج اشکالی ایجاد نمینمود .

۶ - ساختمان کارخانه در سال ۱۳۴۶ آغاز شد و بر اساس پروژه پیش بینی

شده میبایست در ظرف مدت چهار سال پایان رسد و در اوایل سال ۵۰

شروع به بهره برداری گردد . اما معلمی که خواهیم گفت ساختمان کارخان

دو سال تأخیر شد و در اسفند سال ۵۱ رسماً افتتاح گردید .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تشکلات شرکت ملی ذوب آهن

سازمان شرکت ملی ذوب آهن از واحدهای زیر که بنا بر احتیاجات کارخانه در نواحی مختلف بوجود آمده است تشکیل شده است :

— اداره مرکزی در تهران

— کارخانه ذوب آهن دره (کلوشری جاده اصلیمان شهرکرد .

— واحد تهیه مواد غیر فلزی در مریکمان (حدود ۳۰ کلوشری کارخانه) که

با استخراج و تهیه مواد اولیه غیر فلزی مورد نیاز کارخانه نظیر آهک و سیلیس مورد لزوم

— واحد کرمان مسئول استخراج و تهیه زغال سنگ از معادن پایه اناسیاب نزد

و هجند کرمان میباشد .

— واحد بافق مسئول استخراج و تهیه سنگ آهن از معادن بافق .

سنگ آهن که در این ناحیه با عیار مناسب در حدود ۶۰٪ وجود دارد استخراج

و وسیله سنگ شکنها و آسیابهایی که در نزدیکی معادن ساخته شده باندازه ها

مورد نیاز کارخانه خرید میشود و از طریق راه آهن بعمل کارخانه حمل میگردد .

سواحل طرح زغال سنگ البریز و شاعرود : این واحد که مرکز اداری آن در شاهرود است

مسئول تهیه زغال سنگ از ناحیه البریز و معادن زغال سنگ زیر آب و شاعرود میباشد .

— واحد ناحیه جلفا (مرز ایران و شوروی) : اداره کوچکی در جلفا برای تحویل

تجهیزات مختلف ذوب آهن که از شوروی وارد میشود و رسیدگی با امور مربوط

بآن تشکیل یافته است .

— واحد انبارداری : در ناحیه کرج در محل سابق کارخانه ذوب آهنی که

از طرف آلمان در دست ساختمان بود انباری جهت نگهداری تجهیزات واصله

از شوروی بوجود آمده است . هم اکنون در این محل محصولات و آهن آلات ساخته

تیم کارخانه انبار میگرد.

برای اداره گنیه این واحدها و عطیات مربوط به ذوب آهن یک شرکت دولتی تحت عنوان شرکت ملی ذوب آهن ایران تشکیل گردیده است. دکتر امیر طلی شیانی، فرزند ماز و روحیب اله خان شیانی یکی از همسران نوزادیک رضاشاه در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بعنوان مدیر عامل این شرکت منصوب شده است. برای شروع عطیات ساختمانی کارخانه. عده ای از کاپندان با سابقه و آزمایش داده وزارت اقتصاد و تعدادی از سازمانها ی دولتی دیگر برای اداره واحدهای مختلف تعیین و بکارگماشته شدند. اداره عطیات ساختمانی خود کارخانه، که بعنوان واحد ساختمانی کارخانه آریا صهر نامیده میشد بیک مهندس بهبودی واگذار گردید. این شخص که خود یکی از مهندسان سابقه وزارت اقتصاد بود، با توافقی بانند اداری خود و افراد دیگری که به علت وابستگیهای مختلف با توصیه شده بودند اداره کارهای ساختمانی ذوب آهن را بعهده گرفت.

در طول انجام عطیات ساختمانی مقاماتی، نظیر کار ساختمانی خانه های موقت جهت کارشناسان روسی و ایرانی و کارهای ساختمانی ادارات و کارگاههای ککلی، در میان رؤسای قسمتها که هر کدام بطرفی پشتشان به جانی گرم بود به علت بانند بازی ها و دسته بندیهای مختلف، اختلاف شروع شد این اختلافات بطور روزمره بکارشکی و جدال میکشید، بطوریکه عده ای از مهندسان و مسئولین با سواد و با تجربه که بقصد خدمت و خوش بینانه به کار مشغول شده بودند از همان ابتدا با روبروشدن با این بیانیات موجود صحنه را خالی کردند.

شکل عمده ای که در این مرحله از کار وجود آمد عدم همکاری و هماهنگی میان رژیم بهودی کارخانه روسای قسمتهای پائین تر از یکطرف و با کارشناسان ارشد روسی از طرف دیگر بود. اختلافی با کارشناسان روسی از این ناشی شد که سر کارشناس روسی که فردی بود باتجربیات وسیع و سرپرستی ساختن چندین کارخانه ذوب آهن در شوروی و کشورهای دیگر نیز مانند ونزی (زمان سواتوف) را قبلاً بهمهده داشت از رژیم و سایر مسئولین ایرانی که هیچگونه اطلاع و تجربه ای از ساختمان کارخانه ذوب آهن نداشتند انتظار داشت از نظرات او بهره گیری نمایند. اما چون روسها از نظر سیاسی قدرت و پشتوانه محکمی در رژیم ایران نداشتند تا از دستورات آنها نظیر دستورات مشاورین پاروسای امریکائی و انگلیسی در تاسیسات نفتی و سایر کارخانجات بدون چون و چرا اطاعت شود، لذا به نظرات آنها در مورد نحوه انجام کار توجه جدی نمینشد. عدم همکاری بجائی کشید که بناچار سرانجام مشکلات در سطح مسئولین کسوری مطرح شد. در نتیجه آقای سرپرست

عمده ای دیگر از مسئولین نزدیک با ایشان تغییر سمت دادند (۱) و آقای عبدالحمید شیانی، برادر آقای دکتر امیرعلی شیانی مدیرعامل شرکت ملی ذوب آهن بجای نامبرده منصوب شدند. ایشان دارای هیچگونه تخصص و اطلاع فنی نیستند (۲) اما بهیچ وجه دوست ندارند کسی ایشان را بدون عنوان مهندس بخواند. این آقای مهندس اگرچه فاقد هرگونه اطلاعات در امور فنی و امر دست

۱- آقای سرپرست سابق هم اکنون بعنوان مشاور عالی مدیرعامل شرکت ملی ذوب آهن در مرکز انجام وظیفه مینمایند. و در واقع سرخ اصلی بهودی میان سهامداری هستند که در ذوب آهن مشغول کارند.

۲- نمونه های زیادی از این اطلاعی سرپرست کارخانه از امر فنی در بین کارگران بعنوان تسخیر نظر میشود. ما برای اینکه از صلاحیت فنی او تصویری داده باشیم تنها (بقیه در صفحه بعد)

هستند اما يك حدرك زبان انگلیسی از کشور انگلستان دارند . اتفاقاً همین خدمت صلاحیت فنی ایشان در اموری و مدیریت مشگرايه پسر حل کرد و برای اجرای نظریات کارشناسان روسی تسهیلات زیادی فراهم شد و تقریباً دست کارشناسان روسی در کلمه اموری باز گذاشته شد و کارها بوسیله سرکارشناس روسی و پاکت مهندسين ارشد روسی اداره و نظارت میگردد . اما برای کنترل روسها و درك نظریات آنها یک نفر مهندس ایرانی که تحصیلات خود را در آمریکا به پایان رسانیده بود به سمت دستیار و معاون آقای « مهندس شینیا » در اموری تعیین گردید . با انتخاب این شخص در اس اموری کوشش بعمل آمده تا به مهندسين و کارمندان تحصیل کرده در آمریکا میدان بیشتری داده شود . این امر همچنان تحقق می یابد و افرادی که واجد چنین شرایطی هستند برای اداره قسمتهای مختلف کارخانه استخدام می گردند .

معاونت مالی و اداری کارخانه به یکی از مالکین ناحیه خراسان که از مضمونان و جزو باند اسداله علم و امیر علی شینایی است سپرده شد . این شخص علاوه بر عهده دار بودن ب مقام معاونت امور اداری ، ریاست آموزشگاه نوب آهن را عهده دارد . اما عملاً در انجام کارهای اداری ، محلی از اعتراف ندارد و هیچ گونه کسار مثبتی انجام نمی دهد . وی که اساساً مالک زمین های کشاورزی است بیشتر وقت و نازش را صرف خرید و فروش

بقیه باورقی از صفحه قبل) يك مورد عینی آنرا ذکر میکنیم . یکبار ایشان از یکی از کارگاههای ساختمانی دیدن میکردند . کارگران مشغول قیرگونی کردن می های ساختمان برای عایق کاری بودند . آقای رئیس از سرپرست آنها می پرسند : چرا اینجار از کسبایه میزنید ، مگر رنگ دیگری ندارید ؟ سرپرست کارگران که بنای ساده و معمولی بوده جواب میدهد : قربان این رنگ نیست فیراست . برای اینکه می ساختمان بعد هانم نکند روی آن يك لایه ای قیرگونی میکنیم و قیر می کشیم .

زمین در اصفهان، خراسان و خصوصاً شمال میکند. در ناحیه کرج و شمال دارای باغ های پرورش گ و نهال است و هر سال در موسم جشن درختکاری^{ری} تعداد زیادی از نهال ها که از نوب آهن فروخته میشود تا با ایجاد فضای سبز کمک کند. وقتی که سال بعد بسیاری از این نهال ها بر اثر عدم مراقبتی خشک دوباره این معامله، بنا به تقاضای مسئول فضای سبز کارخانه که یکی از عوامل و اعضا باند اوست، تکرار میشود. همچنین مقدار زیادی از گلهای گلخانه های ایشان که باقیمت گزافی فروخته شد زینت بخش جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در واحدهای نوب آهن گردید. از برکات دیگر ایشان ایجاد باشگاه سوارکاران در جوار کارخانه نوب آهن است، چه نمیتوانند از ورزش مورد علاقه شان یعنی اسب سواری در همان اوقات کسی هم که در نوب آهن میگردانند غافل باشند. با تمام این احوال حرفی ظاهری ایشان رقی بین ده تا دوازده هزار تومان در ماه است.

یکی دیگر از شخصیت های موثر کارخانه نوب آهن، رئیس کارگزینی آن است که با معاون اداری کارخانه با اصطلاح هم گام هستند. ایشان قبلاً در تشکیلات کارگزینی راه آهن دولتی ایران کار کرده و امتحان خوش گذشتی و ضد انسانی بودن خود را داده است. اکنون او یکی از موثرترین چهره های ضد کارگری تشکیلات نوب آهن است. در مواردی که بعضی از مسئولین و سرپرستان قسمتهای پائین تر ملاحظاتی و یا از روی اجبار و ضرورتی برای عده ای پاکارگران قسمتی از کارخانه اضافه دستمزدهای اضافی کار را با پاداش تقاضا می نمودند، ایشان با پشت گرمی معاون امور اداری با بکار بردن انواع حیل و همتا و قالی بازی های مخصوص بخودش با این تقاضا

تعداد آنها را سکت سنگ انت تا شامل مردمان شود. این شخص
 تالک تعداد زیادی ماشین آلات راهسازی نظیر بلدوزر، گریدر و خاکه است.
 بیشتر این ماشین آلات در ناحیه خوزستان مشغول بکار هستند و تعدادی
 از آنها را هم در اصفهان به زوب آهن اجاره داده است. این دستگاهها
 که در دوره ساختمان کارخانه در شبانه روز هیچگاه بیش از ۱۲ ساعت کار
 نمیکنند همیشه بدون استتاه برای کلبه آنها ۲۴ ساعت کار منظور میشود و
 اجاره آنها بر مبنای ۲۴ ساعت کار از طرف زوب آهن بایشان پرداخت میگردد.
 حقوق ایشان، با وجود آنکه اغلب بعنوان مأموریت اداری نظیر استخدام
 پرسنل لازم و غیره بدینال سرکس- ماشینهای راهسازی خود و سایر ذویندها
 شخصی است، رتی در حدود ۱۲ هزار تومان است. البته حق ایمن
 مأموریت ها معلوم نیست؟

از ارکان اداری دیگر زوب آهن یکی سرپرست گروه ایمنی فنی و مشاور عالی
 سرپرست واحد دیگری رئیس انتظامات زوب آهن است. درباره
 این دو نفر در قسمت های مربوط بایمنی کارگران و قسمت انتظامات زوب آهن
 سخن خواهیم گفت.

کارشناسان روس

آنچه در مورد کارشناسان روس در نظراول جلب توجه میکرد، بخصوص در
 دوره ساختمان کارخانه، زیادی تعداد آنها بود تراکم این کارشناسان را
 میتوان معلول عوامل زیر دانست.

۱ - نوم افراد تحصیل کرده و مخصوص مهندس در شوروی. بطوریکه از گفته ها
 روسها بر میآید، تعداد مهندسان در شوروی از میزان احتیاجات صنایع آن کشور

افزایش یافته است. اگر این گفته درست باشد همینطور گفت که شوروی با فرستادن تعداد زیادی مهندس و تکنیسین پیران اولاً آنها را با کار گمانته تا آنها از آنجا کار در یک دوره کامل مراحل ساختمانی کارخانه نوب آهن برای یک مهندس یا تکنیسین دوره آموزشی پر تجربه لیست مهندسين و تکنيسين های جوان شوروی میتوانند در این میدان عمل کار آزموده شوند. ثالثاً دولت شوروی نگرانی از حقوق تهیه مسکن و دیگر تسهیلات لازم برای آنها داشت چه طبق قرارداد اینها همه بعهده دولت ایران بود.

۲ - محکم کاری و محافظه کاری روسها: علت دیگر اعزام کارشناس همه تعداد زیاد را از طرف شوروی میتوان معلوم جنبه محکم کاری و مهارت دیگر محافظه کاری روسها دانست. چه با کنترل کار دسته ای از مهندسين و تکنيسينها بوسیله دسته دیگر امکان اشتباه و خطای فنی آنها از بین میرفت و پرستیز و حیثیت خارجی آنها که بآن اهمیت میدهند محفوظ میماند.

در اواخر دوره ساختمانی و اوایل دوره بهره برداری با ورود تعدادی کارشناسان دیگر در امور بهره برداری و آزمایش قسمتهای ساخته شده، تعداد کارشناسان بعد از آنکه خود رسید. این تعداد تنها در خود کارخانه نوب آهن از هزار نفر تجاوز میکرد.

بیشترین کارشناسان مخصوصاً تکنیسین ها و مهندسين جزء داوطلبانه به ایران آمده بودند در حالیکه سرکارشناسان و مهندسين متخصص وارشد بطریق انتخابی و بصورت ماموریت از طرف دولت شوروی اعزام شده بودند. طبق قرارداد های فی مابین دولت ایران موظف بود برای کارشناسان روسی مسکن با لوازم زندگی (مبلجان منزل) تهیه کند. لذا با ورود کارشناسان

بسیاری از این افراد در یکی از هتل‌های اصفهان که برای این منظور اجاره شده بود سکونت دارند و برای پتیه از طرف اداره روابط عمومی نوب این مکان‌های شخصی در شهر اصفهان اجاره شد. میزان اجاره بهای این مکان‌ها به گونه‌ای است که مسئولین روابط عمومی با مالکین محلی می‌توانند به روابط عمومی از طریق اجاره بهای معمول در اصفهان بود و متعاقب آن از یک طرف سطح اجاره بهای در اصفهان بالاتر و از طرف دیگر مسئولین در دسترس با مالکین محلی از طریق این اجاره بهای‌های کلان از مالکان و رانندگان سنگین بومی‌ترند.

بعد از اتمام کارها با ساختن آرایه شهر هتل چندین طبقه کارآنها که کارشناسان اصفهان منازل آرایه شهر هتل شدند هدف این بود که آنها را در منطقه صنعتی سکونت دهند تا تماس با سایر کارکنان ایرانی نداشته باشند از لحاظ ایاب و ذهاب آنها را از همان ابتدا با تعیین سرویس مخصوصی از ایرانیه‌ها جدا کردند علاوه بر کنترل‌هایی که در محل کار نسبت به تماس ایرانیه‌ها روسپاهل می‌آید بعد از ساعات کار چنانچه افراد ایرانی نداشته در اصفهان با آرایه شهر با آنها رفت و آمد می‌کردند چند روز بعد که از طرف سازمان امنیت بازخواست با مورد اخطار قرار می‌گرفتند.

از جهت مسافرت روسپاهل چگونه آزادی نداشته و مسافرت آنها به شهرهای اطراف محصور از نظر روابط عمومی و از طریق سرویس دسته جمعی و گروهی صورت می‌گرفت و از آنجا که بسیاری از آنها مخصوصاً در دوره ساختمان کارخانه که تراکم کار خیلی زیاد بود حتی روزهای جمعه و تعطیلات مهم کار می‌کردند، خود به خود فرصت و امکان مسافرت‌های دسته جمعی برای آنها کمتر وجود داشت. به علت محدودیتی که در کنترل آزادی بیشتر آنها وجود آمده بود و به علت اینکه

خانهایشان که همه دارای تخصص بوده و در شوروی کار میکردند در ایران خانه نشین شده بودند، این نوع شرایط کار برای آنها در ایران خسته کننده و طاقت فرسا بود و اغلب بعد از خاتمه قراردادشان تمایلی به تمدید آن نداشتند. مدت قرارداد آنها نسبت به ارزش و نوع کار هر کس متفاوت بود و اغلب ۱ تا ۲ سال بود. این مدت برای عده ای از متخصصین فنی و فیزیکی در پایان قرارداد دوباره بعلمت احتیاج تمدید میشد.

میزان حقوق کارشناسان روسی

تنها ۶۰٪ از کل حقوقی که بین دولت ایران و دولت شوروی توافق شده بود که بکارشناسان پرداخت شود بخود آنها پرداخت میشد و ۴۰٪ بقیه را دولت شوروی باز خارجی دریافت میداشت و باز ۹۰٪ آن به میزان ۶۰٪ حقوقی که کارشناسان در شوروی دریافت میداشتند بحساب آنها در آنجا و ارزی می‌انداخت میشد. میزان دریافتی کمونی آنها که بر مبنای ۶۰٪ حقوق اصلی آنهاست ماهی ۱۷۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان متغیر است، همین معنی که کمترین حقوق یعنی ۱۷۰۰ تومان با افرادی پرداخت میشود که کارهای اداری و دفتری نظیر ماشین نویسی یا مترجمی دارند و حد اکثر مبلغ فوق، پروسای آنها یعنی به سرکارشناسی که یا مشاورین روسی تعلق میگرفت. معمولاً بین آنهاست که کارمندان و تخصص یکسانی داشتند حقوق یکسان پرداخت میشد (۱).

۱ - مقایسه میزان حقوق کارشناسان متخصص روسی با حقوقی که یک تکنسین

آمریکایی، انگلیسی و آلمانی در هر موسسه دولتی یا خصوصی ایرانی میکنند که حداقل بین ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان است نشاندهنده و چگونگی روابط استثمارگرانه و ظالمانه این دولت با ایران است و همچنین شدت وابستگی سیاسی و اقتصادی نظام ایران را بدولت استعماری مذکور نشان میدهد.

احوال مشترک کلبه کارشناسان روسی کارکردن شدیدی در این خصوصیت نسبت به پیشرفت کار و حسن انجام کار است و در دوره ساختمان کارخانه این خصوصیت بقدری بازن بود که تمام روزها در آفتاب و گرمای شدید تابستان بیابان کارخانه در حالیکه عموماً همین گرماعادت نداشتند، با جوشش و حرار ماندند یک کارگر ایرانی کار میکرد و بسیاری از روزهای جمعه و تعطیل را برای پیش برد کار تعطیل نمیکردند. انگیزه این کارکردن سخت برخلاف تصور و ظنلی، نرس از بازخواست مقامات بالاترشان نبود بلکه چنین برمیآید که اصولاً تحت نظام شوروی و تربیت و شرایط کار در آنجا مسئله کارکردن به صورت جزئی از وجود و سرشت آنها درآمده بود و آنها را کاملاً بیگ ماشین خود کار برای تولید تبدیل کرده بود بطوریکه بسیاری از آنها مسئله کم کاری غالب کارگران و تکسین های ایرانی را که بعلت عدم ایمان بر زمین خاکه ایران و شرایط مطلوب از تمیض و دزدی و فساد گردانندگان کارخانه تجلی کرده بودند نمیتوانستند درک کنند و از این جهت از کارگران و تکسین های ایرانی ناراحت و دلخور بودند. ناگفته نماند که 'ظلیلی از آنها تحت تاثیر محیط قرار گرفته و بعد از مدتی ایرانیزه شده بودند و آنهاست که روز اول اهل جای نوشیدن و نشستن داخل دفتر و اطاق سرد نبودند و تمام اوقات روزها در آفتاب داغ کار میکردند بعد از مدتی کم کم از جای خوردن و استراحت بدشان نیامد. شاید هم همین طرز رفتار بعد از درک محیط و شرایط بی ایمانی حاکم بر افراد بوجود میآید.

از نظر رفتار و برخورد اجتماعی، کارشناسان روسی عموماً دارای خصلت تواضع و صمیمیت نسبت به کلبه ایرانیها از کارگره مهندس یا تکسین بودند. مثلاً هر کدام از آنها نام از کارشناس یا تکسین هنگامیکه باطای، دفترها کارگاهی که

هده ای مشغول کار هستند و ارد میشوند پلا استتار در بر خویش بکارند .
 سلام نموده و بگفته افراد از کارگرساده گرفته تا مهندس دست میدهند .
 همو ماکیه تجربیات یا اطلاعات خود را در مسائل فنی بدون ریا و تکبر و فرود
 اختیار مهندسین و تکسین های ایرانی میگدارند . اگر موارد نارزوانگشت
 شماری از عده معدودی از آنها اندک غرور یا تکبری مشاهده میشود در مقام
 مقایسه با رفتار آقا نشانه و تحقیر کننده یک کارشناس غریب امریکائی ، انگلیسی
 یا آلمانی . . واقعا ناچیز و صرف نظر کردن است و میتوان گفت در جریان کار
 تأمین میزان امری طبیعی است . بهمین دلیل در ظرف این چند پس
 سال تا کون برخورد یا کورتی بین ایرانیها و روسها بوجود نیامده است و در
 مواردی هم که مسائل جزئی بوجود آمده ولو اینکه عملاً از ناحیه فرد ایرانی
 ایجاد شده باز همیشه روسها در معذرت خواهی پیش قدم بوده اند . بطور
 کلی عامل ولت برخورد های جزئی بیشتر در دوره ساختن است ، آنهم بعلمت قصور
 . یا کم کاری مسئولین ایرانی قسمتها یا سایر افراد بوده است . در آن دوره روسها
 در مقابل عدم لیاقت یا ضعف مدیریت روسای قسمتها و تنبلی و کم کاری کارگرا^ن ،
 تکسین ها و مهندسین ایرانی شدیداً احساسیت داشته و ناراحت میشدند و
 چون علت وریشه این مسائل را نمیتوانستند درک کنند ویرستی و خارجی خود را
 در کدی انجام کار ویر کردن بهره برداری از کارخانه در خطر میدیدند حرص می
 خوردند و عصبانی میشدند و چون عملاً چاره کار را در مطلع ساختن مسئولین
 بالاتر و در بعضی موارد مطلع ساختن رئیس کارخانه میدیدند ، این طرز رفتار که
 خود یک نوع شکایت و خبرچینی یا باصطلاح معروف چغلی افراد در مقابل روسای
 بالاتر بود بعلمت ماهیت زشتی که از نظر ایرانیها داشت باعث ایجاد انزجار و
 تنفر در میان کارکنان و همکاران ایرانی نسبت به عده ای از آنها میگردد . البته

هم اکنون در قسمتهای مختلفه بهره برداری بعلت آشنائی روسها به شرایط تبعیض واجحاف درباره تکسین ها و کارگران کارخانه و نارضایتی عمومی آنها از این بابت کثرت اول کار دوره های ساختمانی انتظار کار شد بد از کارگران و تکسین های ایرانی را دارند. ضمن سهولت کار در دوره بهره برداری نسبت به دوره ساختمانی و شناخت متقابل طرفین از روحیات یکدیگر عامل دیگری بر تفاهم و صمیمیت کونی بین کارکنان ایرانی و کارشناسان روسی است.

مسئولین و کارشناسان ایرانی

حدود مسئولیتها و اختیارات مسئولین ایرانی و کارشناسان روسی چه در دوره ساختمان کارخانه و چه در دوره بهره برداری کارخانه بر این اساس مشخص و تفکیک شده است که مسئولین ایرانی در کلیه امور مالی و اداری استقلال و اختیارات تام داشته تا مسئولیت خود را نسبت به فراهم کردن احتیاجات و نیازهای دوره ساختمانی ایفا نمایند و کارشناسان روسی هیچگونه دخالتی در امور اداری و مالی نداشته باشند. درباره امور فنی کارشناسان روسی در حکم مشاور فنی مشمول حسن اجرای کار و کیفیت فنی کار میباشند و مسئولین و مهندسی و تکسین های ایرانی دارای مسئولیت اجرایی میباشند و موظف هستند توصیه های فنی کارشناسان روسی را درباره نحوه اجرای کار و انجام مشغلات فنی به مورد اجرا گذارند و شرایط استفاده صحیح و نگهداری از دستگاههای مختلفه را رعایت نمایند.

کلیه موارد فوق بر این اساس تنظیم شده است که روسها در اداره امور دارای قدرت زیادی نباشند و حدود اختیارات و میزان دخالت آنها بکمترین میزان تقلیل یابد. اما با توجه به بزرگی و تازگی کار مسئولین و کارشناسان ایرانی

در صورتی می توانستند از عهدہ این کار بزرگ و تازه برآیند و مانع اختیارات وسیع روسها شوند که از زمان مدیون لایق و مهندسین و تکنسین های مجرب و شایسته انتخاب میشدند. اما چون عامل اجرا ساختمان کارخانه روسها فاسد و ضد طبی کفونی بود، ملاک لیاقت و شایستگی و تجربه جایز را به عنوان معیار بی شخصیتی و سرسپردگی و خیانت داد و آنچه مورد نظر قرار نگرفت صلاحیت فنی و شایستگی مدیریت بود. افرادی که از همان ابتدا به عنوان مدیون طرز اول انتخاب شدند تنها صلاحیتشان علاوه بر آزمایشهای خیانتی که داده بودند، وابستگی به هزار فاسیل بود. طبیعی بود که سایر مدیون و کارمندان ردیف دوم و سوم از زمان افراد پارتی در استخدام میشدند. از زمان افرادی که سرنخهای کار را از ادارات مرکزی و از اطافهای کلردار و تهیه در باغبانین دهن هرکن بدست داشتند. با پیشرفت کار و شروع مراحل اجرایی در معادن در افتاده کوره های بافی و کرمان از یک طرف و میابان محل ساختمان کارخانه از طرف دیگر الزاماً احتیاج به مهندسین و تکنسینهایی بود که در گرمای تابستان و گرد باد های این مناطق همراه با گرد و خاک های کارهای خاکبرداری و خاک ریزی و ساختمانی قادر بکار باشند و در مقابله کارشناسان روسی از سواد و شعور فنی لازم برخوردار باشند و چون چنین افرادی در میان طبقات وابسته و پارتی در خیلی نادر است لذا در زمین ناچار شد تعدادی کادر فنی را صرف نظر از داشتن پارتی بر حسب لیاقت استخدام نماید. تا به نسبت آنها ندانم کاریها و راحت طلبی های پارتی داران را جبران نماید. همین افراد ایرانی علم از کارگرو تکنسین و مهندس در ضمن کار تائید و تحسین کارشناسان روسی را نسبت به پوش و صلاحیت و پشتکار خود برانگیختند. اما برعکس آنچه که

موجب تعمیق و تاخیر کاروناراحتی و نگرانی روسها بود وجود مدیران و مسئولینی بود که بخاطر داشتن پارتی و عدم تخصص فنی یا قدرت مدیریت لازم کارهای حساس و بزرگی بآنها واگذار شده بود و در جریان کارحتی از درك کار و توصیه ها فنی مشاورین روسی عاجز بودند. همین عامل سهم مهمی در طولانی شدن دوره ساختمانی کارخانه داشت. بعد از اتمام دوره ساختمانی و ساختن کارخانه که گرد و خاک های ساختمانی و ساعات طولانی کار در کارگاهها و دفاتر چوبی و موقت به پایان رسید و جاده ها آسفالت شد و ادارات و دفاتر جدید با سیستم های تهیه مطبوع و مبلان های راحت و دکوراسیون آماده و تزئین شد کمی افرادی را که فاقد پارتی یا وابستگی بودند و در جریان کلر ساختمانی، چندین سال خاک و خون دل خورده بودند در رستنها و مقامات دوره بهره برداری کارخانه ابدآببازی گرفته نشدند و کمی مقامات سرپرستی میان نورچشمی هائی که از کسورهای امریکا و اروپا و اداره مرکزی نوب آهن در تهران برای ریاست های مختلف بانتظار نشسته بودند تقسیم شد. عده معدودی از خوش خیالهائی را که در دوره ساختمانی برای پیشبرد کار سمت های درجه دوم و سوم پیدا کرده بودند و سازه اندیشانه بطمع اشغال مقامهای دوره بهره برداری کارخانه شدیداً کار میکردند و از کرده کارگران مثل برده ها کار میکشیدند، بعلمت نداشتن پشتوانه هزارفامیلی و وابستگی و به پاداش خوش خدمتی و تعلق بامو قها یا بورسهای تحصیلی برای اروپا و آمریکا جهت حفظ ظاهر و فریب سایرین کنار گذاشته شدند. سایر تکمیلین ها و مهندسیان را در سمت های پائین و تحت ریاست همان نورچشمی ها و چاپلوسان در راههای بهره برداری جا دادند. از نظر تعداد کارکنانی اداری از همان ابتدا

در استخدام پرسنل دست بالا گرفته شد بطوریکه در اواخر دوره ساختمانی در واحد ساختمانی کارخانه وناحیه پیریکران ظاعرانزدیک به بیست هزار نفر مشغول بکار بودند اما در واقع در موسم این افراد سیاهی لشکر و غیر فعال بود. در اواخر دوره ساختمانی و مقارن بهره برداری کارخانه در تمام واحدهای تابعه ذوب آهن آمار حقوق بگیران به ۳۰ هزار نفر میرسد. در مورد استخدام افراد دانشگاه دیده مخصوصاً مهندسین، پیش از کارهای دیگر دست و دل بازی بخرج داده میشد. بطوریکه در تمام دوره ساختمان کارخانه حتی تا با امروزه که بین از یکسال از بهره برداری کارخانه میگذرد همچنان با استخدام مهندس ادامه میدهند و عمیسه آگهی استخدامهای ذوب آهن زینت بخش روزنامه شاست.

عوامل زیر را میتوان انگیزه استخدام این تعداد عظیم پرسنل نفتی و اداری خصوصاً افراد دانشگاه دیده و مهندس در شرکت ملی ذوب آهن دانست.

۱- اختصاص عمده بودجه عمرانی برنامه چهارم (حاصل از تولید نفت) برای ساختمان ذوب آهن بخاطر جنبه تبلیغاتی آن. باید یاد آوری کرد که اعتبارات استخدامی سایر وزارتخانه ها بنفع اعتبارات کلان استخدامی شرکت ملی ذوب آهن نیز محدود گردید.

۲- کوشش در جذب حداکثر فارغ التحصیلان دانشگاهی در کارخانه ذوب آهن و واحدهای تابعه بدنبال اجرای سیاست رشوه و حتی السکوت از طریق ایجاد کارکاذب و حقوقهای کلان به قشر دانشگاه دیده کشور.

۳- نظرات ناپدید آموخته ها نسبت با استخدام کادر رونیروی انسانی کافی و خصوصاً استخدام مهندسین و کادرفنی دانشگاه دیده. این طرز فکر روسها از این جهت آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ناشی میشود که برای پرستش و حیثیت خارجی خود در ایران و سایر کشورها
 سرعت ساختمان کارخانه و اتمام آن در اس موعده پیش بینی شده و بستگی
 فوق العاده داشتند و تصور میکردند با افراد زیاد تر آنچه که مورد نظر آنهاست
 عیبی میشود غافل از اینکه آنچه در پیشرفت کار تاثیر قطعی دارد، مدیریت
 صحیح و کاردانی، ایمان، پاک و دلسوزی مسئولین و سرپرستان امور بود که
 کار در نظر گرفته شده کمتر از آن بهره مند بود. برای تعداد زیادی از این
 انبوه کار پرسنل، بدون اینکه کار معینی در نظر گرفته شده باشد (چه
 استخدام آنها بدون در نظر گرفتن نیاز شرکت صورت گرفته بود). حقوقهای
 کلانی در نظر گرفته شده بود. تازه با وجود آنکه اکثریت قریب باتفاق کارکنان
 خصوصاً مهندسان و مسئولین و سرپرستان جزء در حالیکه در ساعات اداری و
 رسمی کارچندان مثبتی انجام نمیدادند و در پایان ساعت اداری محل کار
 را ترک میکردند ماهیانه علاوه بر ۳ ساعت اضافه کار ثابت و همگانی تا ۶۰
 ساعت اضافه کار غیر ثابت پرداخت میشد. با در نظر گرفتن اینکه تعداد مهندسان
 در حدود ۶۰۰ نفر و تعداد کل کارمندان حدود ۲۰۰۰ نفر در نوسان بود تا
 حدودی میتوان تصور نمود که چه هزینه گزینگی برگزیده دهقانان، کارگران
 و سایر قشرهای مردم محروم اجتماع ما تحمیل گردید. گویانکه دوره بهره
 برداری بعثت اتمام مرحله اول ساختمانی و قطع شدن اعتبار اضافه کسار
 کارگران و تکسین ها و عده زیادی از کارمندان حذف و با محدود و کاهش یافت،
 اما کارمندان، مهندسان و مسئولین مورد توجه همچنان از این گونه اضافه
 کارهای باد آورده برخوردارند. تازه آنچه که گفته شد در سطح کارمندان
 معمولی بود در سطوح بالاتر اداری بهمان نسبت که پست و مقام افراد بالاتر

مهرود میزان مزایا و سو^۱ استفاده هانیز شدید افزایش مییابد بطوریکه برای مسئولین و سرپرستان کارگاهها پاراش ها و اضافه کارهای ماهانه مخفی و غیرعلنی و عهدی های محرمانه سالانه و حق ماموریت ها و گوناگون وجود دارد .

علاوه بر موارد فوق برای مسئولین و سرپرستان قسمتها که اهل سو^۱ استفاده و چاپیدن هستند راهها و امکانات زیادی برای سو^۱ استفاده فراهم شده است که از آنجمله ماموریت های مکرر و طولانی در زیر پوشش و بهانه انجام کار و وظیفه اداری و دراصل برای رسیدگی و انجام امور شخصی یا تفریح بتهران و سایر شهرهای ایران و حتی این اواخر خارج از کشور میاشند بطور قاطع میتوان ادعا نمود که تمامی این ماموریتها ساختگی و با عدت آنها چندین برابر زمان انجام کار لازم است . برای نمونه مشاهده شده است که عده ای از روسای^ی قسمتها بعنوان انجام ماموریت اداری، مرخصی و یا حتی ماه عمل رفته اند . یکی از روسای فنی که بشکار و علاقه خیلی زیادی دارد تحت عنوان ماموریت اداری و با استفاده از ماشین و بنزین نوب آهن بکرات در نواحی مختلف خصوصاً به کوههای البرز بعنوان ماموریت به زیر آب شاهی و منطقه شاهرود بشکار میروند و مبالغ هنگفتی نازشست بعنوان حق ماموریت دریافت میکند . (۱)

در این اواخر عده ای تحت عناوین خرید یا مطالعه در اطراف خرید فلان دستگاه یا آشنائی به پیشرفت صنایع نوب آهن برای گردش و تفریح به کشورهای اروپائی یا امریکا و شوروی بصورت ماموریت رفته اند و دست آخر علاوه بر حقوق، مبالغ هنگفتی هزینه سفر و فوق العاده ماموریت دریافت کرده اند .

آخرین و تازه ترین مورد سو^۱ استفاده با سیاست پاداش خوش خدمتی و دان

پایه اول از صفحه قبل:

این شخص که دارای عنوان دکترای مهندسی معماری است کارخانه را راه انداخته پس از مراجعت از خارج ابتدا در دانشگاه صنعتی استفاد^ا گردید و آنقدر پیوسته بود که به فاصله کوتاهی از کار در مهندسی معماری سرپرست رئیس کتابخانه دانشگاه مزبور تعیین گردید.

از هنگامیکه وی دانشگاه صنعتی را ترک و در زوب آهن مشغول کار شده به خاطر کارهای خاتمانه و اضتی اش در خدمت ساواک درآمد و به علت فعالیتهای شدیدی که در جشن ۲۵۰۰ ساله از طرف زوب آهن برای تزئین خیابانهای اصفهان و اقدامات مربوط با ایجاد تاسیسات بر تانه نورودای میدان دروازه شیراز بعمل آورد از طرف ساواک پد^ریسا يك گت مفتخر گردید.

ساواکی بودن وی آنچنان آشکار شده که خودش برای بستن دهان دیگران و بعنوان حالت دفاعی با اطرافیان خود گفته است " اینک برای من در آورده اند که من ساواکی هستم بخاطر اینستکه من بهائی هستم" باین ترتیب به تب رضایت داده تا بمرگ تن ندعد. این فرد در جریان کاری مهندسی و کارمندان خود ظاهر خیلی خوش برخورد و دوستانه ای به خود میگردد اما با کارگران شدید اخشن و رفتارش توهین آمیز است و برای احراز مقام معاونت قنی بهره برداری کارخانه فعالیت زیادی میکند.

بورسهای تحصیلی به نورچشمی هاوروسای جزه وگلاست . این بورسها بعنوان دیدن دوره مدیریت یا کسب معلومات تخصصی با افراد برای رفتن بکشورهای اروپائی یا امریکاداده میشود . اخیرا به تعداد این بورسهاکه با شرایط و مزایای پولی خیلی هنگفتی است، افزوده شده است. بطوریکه اینها مجموعه رشوه هائی است که کارگردانان امور برای جذب وارهای قشر تحصیلکرده و دانشگاهی اختصاص داده اند و از این طریق موفق شده اند تعدادی کادر دست پرورده، مطیع و وفادار بخود بر علیه پرسنل پائین دست نظیر کارگران و تکسین ها بوجود آورند .

برای اینکه در اجرای این سیاست رشوه و تبخیز دست گردانندگان کارخانه باز نماند بعد از چندین سال که از تشکیل شرکت طی نوب آهن میگردد از تدوین ضوابط و مقررات معینی برای تعیین حقوق افراد طفره رفته اند . ادامه این روش اختلاف طبقاتی را از نظر حقوق و مزایا و سایر امکانات بین کارگران و تکسین ها از یک طرف و مسئولین قسمتها و کارگاهها و مهندسين و کارمندان عالیرتبه اداری از طرف دیگر روز بروز شدید تر مینماید . برای نمونه در حالیکه کارگران راه اعم از فنی و غیر فنی مرتبا به بهانه نداشتن کار یا بودجه گروه گروه بیرون میکنند ، بحقوق روساء مهندسين و کارمندان فنی و اداری تحت عنوان طبقه بندی مشاغل و تعیین و ترمیم حقوق کارمندان بر اساس ضابطه جدید ، بقدر ارزیابی میافزایند . علاوه بر تبعیضاتی که بین کارگران و کارمندان وجود دارد در بین کارمندان فنی و اداری که دارای شرا مشابه کار و مدرک تحصیلی هستند ، از نظر حقوق واضافه کار یا پاداش و سایر مزایا نیز تفاوت هائی وجود دارد و ریشه این تبعیضات از وابستگی باولیا

امروزه نظر سرپرست در مورد شخصیت و رفتار کارمندان و کارگران زیر دست آب
 میخورد. مثلا اگر فرد حاضر به احترام تلقی آسبز و چاپلوسی سرپرست و
 انجام کینه خواسته های نامشروع او باشد در این صورت هم از نظر حقوق و
 مزایا هم از نظر شغل و مقام و وضعیت و شرایط بهتری نسبت به سایر همکارانش
 پیدا خواهد کرد، و مزایای جدید نظیر اضافه حقوق، اضافه کار، حق
 مسکن، حق مأموریت، بورس تحصیلی، پاداش، وام، تشویقهای گسی
 و امثال اینها شامل اینگونه افراد میشود. اینها هستند که استحقاق آن را
 پیدا میکنند و در صدر لیست مربوطه قرار میگیرند. به همین جهت روز بروز کار
 حق و اداری نوب آهن در گنیه واحدهای تابعه بعلمت حاکمیت این
 سیاست اداری از افراد با شخصیت و صدیق و صالح و باسواد تصفیه میشود
 و کم سوادترین، سود جوترین و رندترین افراد در سلسله مراتب اداری ترفیع
 می یابند. و این همان چیزی است که گردانندگان و مقامات اضتی نوب
 آهن در جهت اجرای آن کوشش فراوان دارند. برای نمونه کینه مسئولین
 و کارکنان کارگاهها و قسمتهای مختلف بهره برداری کارخانه را از میان افرادی
 که در دوره ساختمانی کارخانه امتحان خود را از هر جهت داده بودند
 انتخاب نمودند و با اینکه مثلا کوشش دارند بجای مهندسين تحصیل کرده
 ایرانی حتی الامکان از مهندسين و افرادی که از بی از دانشگاههای اروپا
 خصوصا امریکائی فارغ التحصیل شده اند و در آنجا از نظر سیاسی امتحان خود
 را داده اند و وارد و رنج نموده طت کثرت رنماش بوده اند برای تصدی و سر
 پرستی کارگاهها و قسمتها استفاده نمایند. استفاده دیگر این کار اینست که
 افراد مزبور چون غالباً تحت تاثیر فرهنگ و تکمیک کسوری هستند که تحصیلات

خود را در آنجا بیابان رسانیده : لذا از نظر سیاسی و تکنیکی در مقابل ناشر و نفوذ روسها خود بخود مقاوم و عایق هستند از آنجا که نسبت به تحصیل کردن های دانشگاهی آمریکائی در تمام دستگاہها و موسسات دولتی و خصوصی، خصوصاً در نوب آه‌ن به علت وجود روسها تکیه و تمایل حتی تقدم زیادتری وجود دارد تا کون کوششهای زیادی برای دعوت و استخدام فارغ التحصیلان ایرانی مقیم آمریکا و اشتغال آنها در نوب آه‌ن بعمل آمده است و یکباره ایستی از نوب آه‌ن برای استخدام آنها با آمریکا مسافرت نمود و با تعیین حقوقهای کلان و وعده و وعیدهای دیگر پرداخت مبلغ پنجهزار تومان به شرط هواپیمائی بودجه نوب آه‌ن عده ای از آنها را استخدام نمودند .

هم اکنون بورسهای تحصیلی که بعد از ای از مسئولین قستهاد داده میشود عمدتاً برای تحصیل مدیریت در آمریکا است، یکی از نمونه های بازو آمریکائی کردن مدیریت و مدیران سازمان اداری نوب آه‌ن وجود فردی بنام موسی نسل باچندین شغل و منصب علمی و غیر علمی است . این فرد که فارغ التحصیل آمریکا در رشته الکترونیک میباشد همان کسی است که کتاب انقلاب سفید را برای اولین بار با رنگی ترجمه نموده و در زمان دانشجویی سردستگی عده قلیل دانشجویان جیره خواری سفارت و طرفه اوزیم را برای استقبال از مقامات ملکی در آمریکا و مبارزه علیه دانشجویان علمی و ضد رژیم بمبده داشته است . مشاغل علمی این فرد عبارتند از رئیس شبکه مخابراتی نوب آه‌ن . مشاوره پرمالی شرکت . نماینده پارلمانی نوب آه‌ن و مشاغل و وظائف غیر علمی او آمریکائیزه کردن نوب آه‌ن بوسیله گماردن همدستان و یاران زمان دانشجویی اش در آمریکا و کلا خدمت به منافع و اجرای سیاست

نقشه‌های آمریکادریکی از واحدهای بزرگ صنعتی کسوراست . نمونه دیگر آمریکائیزه کردن نوب آهن همانطوریکه درابتدا اشاره شد وجود یک مهندس دیگرفارغ التحصیل آمریکادریست مقاومت فنی کارخانه میباشد وایشان نیزبه نوبه خود بگیمه دوستان تحصیل کرده آمریکائی خود مشاغل مهمی درداخل کارخانه واگذار نموده است .

بعلت وجود همین فساد اداری ، محیط پراز تبعیض و فقدان مدیریت صحیح در امور کارخانه است که بسیاری از مهندسين و کارمندان اداری باتجربه و ورزیده که زمینه مساعدی برای کاروکوشش خود نمیبینند و قادر بمشاهده و تحمل این نابسامانیها درکارخانه نیستند بعد از مدتی کارعلی رغم حقوق و مزایای نسبتا بالایی نوب آهن ، اینجارا ترک مینمایند . بهمین دلیل از یک در مرتبا مهندسين تازه استخدام وارد میکنند و از درد دیگر مرتبا مهندسين ، استعفا داده و خارج میشوند . این موضوع نه تنها برای مهندسين بلکه برای سایر کارکنان های فنی و متخصص نظیر تکنسین ها ، کارگران و استادکاران فنی و ورزیده نیز صادق است ، چه این دسته از کارکنان نوب آهن برخلاف مهندسين و کارمندان عالی رتبه اداری از لحاظ حقوق و مزایا مورد ظلم و اجحاف نیز قرار دارند و از آنجا که به پشتوانه تخصص فنی دارای شخصیت و عزت نفس بیشتری میباشد بسیاری از آنها بعد از مدت کوتاهی بواسطه تبعیضات و رفتار ظالمانه مسئولین همسواد ویی شخصیت استعفا میدهند . همین امر موجب شده است که کادرفنی کونی نوب آهن چه در قسمت ساختمانی و چه در قسمت بهره برداری کارخانه علی رغم پیچیدگی و اهمیت کار از داشتن یک کادر

متخصص و ورزیده محروم باشد .

با وجود آنکه طبق قرارداد تاجیس کارخانه با شورویها ششماز هزار نفر مهندس و تکنسین جوان برای طی دوره های تخصصی ششماهه و پانزده ساله بکشور شوروی و هندوستان اعزام شده اند اما اکنون اکثر این افراد تخصص به علت فساد اداری و همدردی اوضاع بعد از پایان تعهد دو ساله با پانزده خود از ذوب آهن استعفاداده اند. شدت این نارضایتی ها بعدی است که حتی عده ای قبل از پایان دوره تعهد خود بواسطه گوناگون از ادامه آن خودداری نموده و از ذوب آهن بیرون رفته اند.

شدت استعفای کارمندان تخصصی، مشاورین و رهبران از مسئولین ایرانی نگران و ناراحت نموده است و بارها مشاورین روسی به مسئولین ایرانی گوشزد و اخطار کرده اند که اگر این موضوع همچنان ادامه یابد و چاره اساسی برای آن پیدا نشود هیچوقت کارخانه دارای یک کارمند تخصصی اداره کننده ایرانی نخواهد شد و این موجب میشود که شما همچنان به وجود ما برای اداره کارخانه نیاز داشته باشید. لذا به نفع خود شماست که برای این مسئله چاره ای بیاندیشید. اخطار روسها از این جهت است که هم اکنون در قسمتهای بهره برداری کمی کارگاهها و دستگاهها بوسیله روسها و تحت سرپرستی فنی مستقیم آنها اداره میشود و با کمک و راهنمایی آنها بکارگران و تکنسین های ایرانی عملاً کارها میچرخد و روسای کارگاهها که عده زیادی از آنها صرافان زوری و وابستگیها^ی مختلف به رژیم با اطاعت مطلق و چاپاوسی از روسای بالاتر تعیین شده اند و هیچگونه اطلاع و تجربه و تخصصی در کار خود ندارند در حکم آدمکهای هستند که بفرمان مدیران ناصالح کارخانه برای امور اداری و کنترل زیردستان و زیرگوشی بکارگران و تکنسین ها بهره کسی از آنها حرکت درمایند.

باید یادآوری کرد که از آن تعداد اندکی از پهن‌دسین و تکسین هاشی که در شوروی یا هندوستان دوره دیده و در زوب آهن باقی مانده اند هیچکدام در رشته ای که تخصص دیده اند کار نمیکنند. مثلاً کسیکه در قسمت کوره بلند دوره دیده ممکن است در کارخانه نورد کار کند و کسیکه در رشته فولادسازی دوره دیده در کارخانه کک سازی شکست انگیز تر اینکس که عده ای از این تخصص دیده ها اصلاً به کارهای فنی گماشته نشده اند و علیرغم تمایل شخصی شان آنها را به کارهای اداری گمارده اند. برای طی دوره های تخصصی ۶ ماهه بایکساله برای هر نفر بطور تقریب هزینه متجاوز از ۱۰۰ هزار تومان از طرف زوب آهن، در واقع از جیب مردم فقیر و محروم ما برداشت میشوند یک حساب مختصر نشان میدهیم که علاوه بر وقت و انرژی این جوانان پرامید بچه مبلغ هنگفتی بحالت فساد و جهالت اولیا، امور و عوامل هیات خاکه استعماری بهدر میرود.

وضعیت تکسین ماوریلیمه های فنی در ژوب آهن

اسولا عنوان تکسین به کلیه کسانی اطلاق میشود که علاوه بر سواد و مدرک علمی در حدود دیپلم دارای معلومات و تخصص فنی یا تکنیکی هستند. تکسین کسی است که با طرز کار دستگاههای پیچیده فنی آشنائی پیدا نموده، عملاً و مستقیماً آنها را یکاراند اخنه و کار آنها را کنترل و در صورت لزوم تعمیر مینماید و در بسیاری موارد کار بازرگان فنی را در گروههای کوچک مستقیماً نظارت و هدایت مینماید.

بنابراین در یک کارخانه ای نظیر ژوب آهن که دارای تکنوژوی پیچیده و پیشرفته ای است کار تکسین و دیپلمه های فنی نقش بسیار مهمی ایفا مینماید. اما از آنجا که در بدو تاسیس کارخانه، کمبود فنی و فنی کار در تخصص در صنایع ژوب آهن و فولاد سازی بود لذا در طرح ساختمان کارخانه ژوب آهن تاسیس یک آموزشگاه فنی حرفه ای در اصفهان و یک آموزشگاه متالورژی در کار کارخانه پیش بینی گردید. وظیفه آموزشگاه فنی و حرفه ای ژوب آهن در اصفهان تربیت تکسین و کارگرفنی برای دوره ساختمان کارخانه بود و وظیفه آموزشگاه متالورژی تربیت تکسین و کارگرم تخصص برای دوره بهره برداری و اداره امور فنی کارگاه های مختلف کارخانه. کلیه وسائل و تجهیزات فنی این آموزشگاهها که بر اساس آخرین روشهای تعلیم و تربیت فنی در شوروی پیش بینی و انتخاب شده است طبق قرارداد از طرف دولت شوروی تامین و تحویل گردید. همچنین از نظر دروس آموزش فنی کار در ایران و اساتید آن روسی عملاً شرکت و نظارت داشته و با تفاق عده ای

از مهندسين ایرانی، کارگاههای فنی و کلاسهای درس را اداره و در آموزش افراد شرکت دارند. انتخاب کارآموزان این آموزشگاهها بر اساس کنکور و از میان دبیرمه های ریاضی و طبیعی بعمل میآید و طی این کنکورها که ناشهزار نفر شرکت کننده داشته تعدادی از افراد پارتی دار و یوا بسته، بناحق همراه افراد شایسته مستعد نیز انتخاب میشوند. این گروه کاملاً در ضمن کار بعلت کد زهنی و بی شخصیتی قابل تمیز و تشخیص هستند

آموزشگاه فنی اصفهان

دوره های آموزش در آموزشگاه فنی اصفهان یکساله یا دوساله است با پایان دوره ساختمانی و انتقال آموزشگاه هنالوژی از تهران بمحل کارخانه نوب آهن، آموزشگاه اصفهان از طرف نوب آهن با کلیه وسائل و تجهیزات بصندوق کارآموزی وابسته بسازمان تعلیمات فنی و حرفه ای وزارت آموزش و پرورش واگذار گردید. اکنون به بررسی نتایج و بیانات کارآموزشگاه فنی اصفهان که تحت ریاست عالییه و مستقیم معاون اداری کارخانه نوب آهن در ظرف این مدت اداره میشده است میپردازیم. این آموزشگاه ظرف چهار سال کار خود جمعا ۷۰۰ نفر دبیرمه ریاضی و طبیعی را بسا طی دوره های یکساله یا دوساله تربیت نموده و بازا این کار مبلغ ۷۰ میلیون تومان بعنوان بودجه مجموعاً برای مدت چهار سال مصرف نموده است. یعنی این دوره آموزش فنی برای هریز ۱۰۰ هزار تومان تمام شده است. با مقایسه این رقم با بودجه دانشگاه های مهندسی و محاسبه کل هزینه تربیت یک مهندس در ظرف چهار سال میتوان دریافت که هزینه

تربیت یکساله یادساله يك ديبلمه درآموزشگاه نوب آهن ازعزیزنه
 تربیت چهارساله يك مهندس برانتب زیادتر بوده و تقریباً باندازه مخارج
 تربیت يك پزشك درطول هفت سال است. این نشان میدهد كه درزیبها
 وزارت گریهای اداره کنندگان دستگاه نوب آهن گوی سبقت را از
 دیگر دستگاههای رژیم ر بوده اند. بنابراین نوشته روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶
 دیماه ۵۲ بنقل از اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در مورد بزبان
 موسسات دولتی، بزبان شرکت ملی نوب آهن برای آموزش تنهادر سال
 ۵۱ مبلغ ۳۶۰۰۰۰۰۰ تومان بوده است .

نازه بعد از آنكه این افراد از آموزشگاه فارغ التحصیل و جهت کار وارد نوب
 آهن میشوند مشکلاتشان آغاز میگردد كه اهم این مشكلات زیلا و باختصار
 بیان میشود :

۱ - عدم احتیاج قسمتهایه تكسین : هنگامیکه يك گروه از فارغ التحصیلان
 آموزشگاه برای شروع کار به نوب آهن اعزام میشوند مثل نوب فوتبال همین
 قسمتهای پاس داده میشوند و علت نبودن محد کارزبایدی و بیگاری تكسین
 های دوره های قبلی، سرپرستان قسمتها از پذیرفتن آنها امتناع مینمایند
 علت این امر از اینجانبانش میشود كه به اوزات كار آموزشگاه در مورد انتخاب
 و تربیت تكسین، اولیا، فاسد كارگزینی تعداد زیادی دیپلم طبیعی، ریاضی
 یاد دیپلم حرفه ای و حتی غیر دیپلم را با گرفتن حق حساب با بنوعیه بستگان
 و دارو دسته شیانی و سایر ارکان اداری و رجال نوب آهن و غیر نوب آهن
 در طی دوره ساختمانی ، استخدام نموده اند و حال آنكه هدف از
 تاسیس آموزشگاه در طرح روسها این بود كه كار در تكسین و منحص نوب آهن

از طریق آموزشگاههای فنی نوب آهن یا از طریق کارآموزی در شهرداری و هندوستان تامین گردد .

۲ - تضاد و عدم هماهنگی های آموزشگاه با واقعیت محیط کار در نوب آهن

در طول دوران آموزش از طرف اولیا، امور آموزشگاه بکارآموزان چنین تفهیم یا وعده داده میشود که آنها پس از پایان دوره آموزش تکمیل خواهند شد و با این سمت در کارخانه کار خواهند کرد و حال آنکه در بدو ورود بکارخانه با آنها گفته میشود شما کارکنی هستید و باید مثل یک کارگر تعمیرکار یا راننده با دستگاهها کار کنید این برخورد که خارج از انتظاراتی بود که در طی دوران آموزش بوسیله اولیا، امور در آنها ایجاد شده بود، مشخصیت و غرور آنها را از همان آغاز شروع بکار سرکوب میکرد و در آنها ایجاد ناراضی می نمود .

۳ - کاهش تکمیل های غیر تخصصی .

دستگاه بوروکراتیک فاسد باعث دخالتهای افراد بانفوذ قادر نبود هماهنگی احتیاجات کار فنی کارخانه را با آموزش فنی حفظ نماید . لذا آموزشگاهها با توجه به برنامه روسها بریت شخصین میبرد اختند و دستگاه بوروکراتیک فاسد بدون توجه به صلاحیت فنی افراد کمسنیرا که میباید بکار خاصی بکار استفاده میکرد . در نتیجه چنین سیستمی در بسیاری از مواردیستهای تخصصی افراد تعلیمات دیده بوسیله کمسنیک در آن زمینه تخصصی نداشتند قبلا اشغال شده بود . کارخانه ، بناچار افراد تخصصی دیده را بقبضتها و نازکهایائی تحمیل میکرد که به تخصص آنها نیازی نبود و فرمیباید در کار جدید ، مجددا در عمل بهادگیری میبرد اخت .

اکنون بسادگی میتوان متخصصینی را که مثلاً دوره های ماشین افزار دیده اند در کار دیگری مثلاً قسمت مواد نسوز و آجرچینی کوره هادی و یا کسانیرا که در قسمتهای رانندگی و تعمیر ماشینهای راه سازی تخصص دیده اند در کار کوره بلند یا نیروگاه برق جستجو کردن مشاهده این وضع عملاً نشان میدهد که بودجه ۷۰ میلیونی آموزشگاه و مرکز آزمون در دوران آموزش که از آن بهیچ وجه در عمل استفاده نمیشود بیهوده تلف میشود. از این بدتر اینکه بسیاری از افراد دوره دیده آموزشگاه برخلاف تمایلاتشان بکارهای اداری و غیر فنی نظیر حسابداری، امور پرسنلی، انبارداری و کارهای دفتری گماشته میشوند. همزمان با آن کسان دیگری که در این کارها مشغول بوده اند باتوسل به پارتی بازی و توصیه مسئولین امور کارشان را برای اشغال کارهای فنی و تخصصی ترک میکنند. در شرایط پیچیده و قاراش مپش چنین سیستمی است که استعداد ها کشته میشوند و انرژی وامیسد جوانان تحصیل کرده به یاس و روکوت تبدیل میگردد. بودجه های کلان تلف میشود و احتیاج به مهندسين و تکسین های روسی برای اداره کارخانه همچنان باقی میماند.

این تکسین ها بعلت آنچه بر آنها گذشته از فساد و تبعیضات حاکم در زوب آهن بخوبی آگاه و شدت ناراضی هستند و ناراضی و خشم خود را در مواقع مقتضی بصورت های مختلف نشان میدهند علاوه بر تبعیضاتی که نسبت باین گروه اعمال شده از نظر میزان حقوق و مزایای مالی نیز مورد اجحاف قرار گرفته اند. بهمین علت دسته جمعی و یک پارچه در مورد شرایط غیر عادلانه کار و میزان حقوق خود اعتراض کرده اند. اما هیچگاه وعده و وعید های

رئیس آموزشگاه و معاون اداری دوبآهن نتوانسته است در مقابل خواسته های منطقی و عادلانه آنها تانع کننده باشد. حتی یکبار وقتی که در جواب به خواسته های آنها معاون اداری آنها را تهدید کرد در پاسخش دسته جمعی هوکسیدند. همین هوکسیدن باعث شده که شدت غضب و کینه توی اولیا کارخانه نسبت به فارغ التحصیلان آموزشگاه بطور اخص و کادر تکسین زوب آهن بطور اعم افزوده گردد. حقوق آنها باستثنا عده اندکی که دارای وابستگی هستند، پس از چندین سال کار در زوب آهن هنوز همان میزان حقوقی است که شروع به کار کرده اند. ترمیمهای ناچیز حقوقی تاکنون شامل عده طیلی از آنها شده است. انتخاب آنها برای ترمیم حقوق با روسای کارگاهها و کمپلکس هاست. از اینرو بیشتر افراد برای ترمیم حقوق توصیه میشوند که در کار زوب آهن با خارج از آن دارای آشنا یا پارتنری یا وابستگی بوده و یا اینکه توانسته باشند در ظرف این مدت رضایت روسای خود را که اغلب بتعلق و احترام بیش از کار و زحمات و تخصص توجه دارند فراهم سازند. وجود این شرایط موجب شده که بسیاری از تکسین ها که برای کار و زحمت، اثر و نتیجه ای نمی بینند و از طرفی در مقابل ه سال تبعید خدمت در زوب آهن راه گریزی ندارند راه حل کم کاری و از زیر کار در رفتن را پیش گیرند.

کارکنان ذوب آهن

اولین قشرکاری که با استخدام ذوب آهن درآند، کارگران خرده زمین دارانی بودند که زمینها در مزارع برنج کاری آنها در کنار زاینده رود و در مجاورت کارخانه از طرف ذوب آهن تصرف گردید. این زمینها از نظر آبیاری و دسترسی بآب و درخانه و یازده محصول، زمینهای بسیار مرغوب بودند و اهالی دهات مجاور باکست بروی آنها امر اعاش میکردند. سرانجام بوسیله بلندوزروماشینهای حفاری ذوب آهن برای تامین شن و ماسه کارخانه زیروروشدند و در جواب اعتراض زنانه دزاری اهالی تنه مبالغی در حدود دو هزار تومان که مبلغ ناچیزی از قیمت زمین بود، به برخانواده خرده مالک پرداخت شد. متعاقباً برای خاموش کردن و خواباندن اعتراضات این خرده مالکین جزء، آنها را بعنوان کارگرساده ساختمانی، بطور روزمزد روزی ۶ تومان استخدام کردند. (گفته میشود که در ابتدا هر کارگر را با ۱۱ لاشتر، روزی ۶ تومان میدادند اما بعد از مدتی بدون الایغ بهر کارگر این مبلغ را میبرد اختند) عرضه نیروی کارگری، بعلمت بیکاری کارگران کشاورزی دهات گنجانان که شامل ۳۵۰ پارچه آبادی در مسیر رودخانه زاینده رود و نزدیک بحل ساختمان کارخانه بود، در مراحل اولیه ساختمان کارخانه تا مدت‌ها پیش از احتیاجات شرکت بود. باین دلیل میزان دستمزدها مدت‌ها در همان سطح روزی ۶ تومان ثابت ماند. این کارگران که از دهات مجاور برای کار هجوم آورده بودند هر روز با بچه ای از نان خالی و بیایای پیاده پا پا و چرخه در هوای گرم تابستان و سرمای زمستان فواصل مختلفی را تا چندین کیلومتر با عجله بسوی کارخانه طی میکردند. چه اگر

در ترازو وقوع سرگام می رسیدند ، کارت حضور آنها در آرزوی باطل و برایشان غیبت محسوب می شد . با بالا رفتن میزان احتیاج به نیروی انسانی تصمیم گرفته شد که تعداد زیادی کارگرماده از سایر نقاط ایران استخدام نمایند . این تصمیم بیشتر بخاطر جنبه تبلیغاتی مسئله و نیز سرگرم کردن و کار دادن به انسانهای فقیر و بدبختی بود که خشم آنها بیشتر بر علیه رژیم پرافروخته شده بود . باین جهت تعداد زیادی از بلوچها و خرم آبادیها را از شهرهای زاهدان و خرم آباد مستقر روزی ۸۰ ریال استخدام و دسته جمعی بمحل کارخانه گنج دادند . این هاراد رخواستگاههاییکه بسبک ساختمانهای اردوی کاراسیران جنگی ، در نزدیکی کارخانه و در جوار یادگان نظامی که برای حفاظت نوب آهن تاسیس کرده اند ، مسکن دادند . تعداد این کارگران مهاجر از سه هزار نفر تجاوز می کرد و اغلب روزانه یک وعده غذای رایگان بآنها داده میشود و در هفته یکبار از حمام مجانی که در محل ساخته شده بود استفاده می کردند . این کارگران مهاجر ، خصوصاً بلوچها از شدت فقر غذائی اسکت های متحرکی بودند که توان کله در آنها باقی نمانده بود و این موضوع هنگامیکه بیل میزدند یا بادستهای برهنه تیر آهن حمل می کردند کاملاً مشهود بود و عملاً برایشان فاجعه بیار می آورد . چندین بار تیر آهن یا قطعه آهن بواسطه این ناتوانی ویی حس از دست آنها رها شد و یاد دست آنها را شکست . به همین جهت مسئولینی که وجدانی آگاه و با احساس داشتند برخلاف عده معدودی که تصور می کردند باز ۸ تومان باید بشیره جان این کارگران آواره را کسب از دادن کار سخت و شدید بآنها خود داری می کردند . یک عمر بیکاری ویی غذا

در منطقه ای که هیچ نوع دارن تولیدی کشاورزی و غیر کشاورزی وجود ندارد نیرو
و آگاهی و مهارت ساده ترین کار را در آنها از بین برده بود .

کارگران بلوچ خصلت های اجتماعی جالبی داشتند و اولاً همیشه بصورت
دسته جمعی و گروهی بودند افراد آنها در هر کارگاه یا قشعی ، همیشه
با هم بودند . خواسته هایشان بوسیله يك نماینده که از طرف همگی
صحبت میکرد برای مسئولین مافوق مطرح میشد در حالیکه بقیه پشت
سر نماینده بطور دسته جمعی میایستادند . ثانیاً افرادی خشن و استوار
بودند و اگر احساس میکردند که موضوعی غیر عادلانه و اجحافی در بین است
زیر بار نمیروفتند . و حتی که تعداد کارگران بلوچ در رزوب آهن زیاد بود ،
چندین بار جلوی (مهندس) شهبانی رئیس کارخانه را بصد کتک زدن
گرفتند زیرا او خواسته ها و مشکلات آنها توجه نکرد و به نمایندگانشان وقت
ملاقات نداده بود . ثالثاً به عقاید مذهبی شان تعصب داشته و سخت
پایبند بودند . بطوریکه بیکاری یکی از کارگران خرم آبادی راه به عرضش
و ناسزا داده بود ، چند نفر از بلوچها شبانه سرش را بریده بودند . گاه گاهی
بعزت تعصب ، جهالت مذهبی یا شوخی و تفریح های بی جای کارگران
غیر بلوچ با آنها بخصوص توهین به عقاید و به عروقات و برخورد های ناخوش
آیندی اتفاق میافتاد . علاوه بر عقاید مذهبی نسبت به سنتها و آداب و
رسوم خود سخت پایبند بودند در عین عقب افتادگی اقتصادی و فرهنگی بسیار
مودب و آگاهی اجتماعی آنها نسبتاً بالا بود . هنگامیکه بواسطه دیر برداخته
شدن حقوقها و دستمزد سخت بی پول میشدند بناچار از مسئولین مستقیم
قرض میگرفتند و تمامی آنها پس از دریافت چند روز دستمزدشان اول قرض خود

وامهرداختند. در وقتاروکردارشان انعکاسی از صداقت و یابی و شعور کارگری
توده تحت ستم نمایان بود. در حالیکه چهره سوخته و هیگ استخوانی
آنها نشانی از استعمار و انسانیت در برداشت، بدون شك آگاهی و
صداقتی که در دل داشتند اگر نداشتند میبایست نیروی عظیم برای مبارزه با
رژیم میگشت.

بمهرگان کارگران مهاجر ملج و خرم آبادی طایفه بیکاری درد یار خود
اعطاب بعد از مدت کوتاهی کار کردن در نوب آهن استحقاق میدادند بطوری
که تنها کار در نشتنا بهت کارگران ساده نوب آهن همان کارگران کشاورز
دهات اطراف بودند که آنها هم در هنگام تابستان و برداشت محصول
بخطرات نامین گندم سالانه خانواده خود را کاروانتک میکردند و با نژاد و باره
برای کار مراجعه میکردند.

کارگران ضی نوب آهن نظیر تراشکار، جوشکار، مونتاژکار اسکت قطری و
تجهیزات قالب بند و آرماتور بند و رابند ای کار از نیروی کارگری اصفهان و
دهات اطراف کارخانه نامین گردید. بسیاری از کارگران کارگاهها و
کارخانه های خصوصی برای نجات از استعمار شدیدی توسط کارفرما و صاحبان
کارگاههای خصوصی و یا امید یافتن کار دائم و ثابتی در نوب آهن و نامین
آینده و دفعه نداشتن از بیکاری که همچون خوره ای مداوم روح هر
کارگر ایرانی را میخورد برای استخدام به نوب آهن هجوم آوردند. کثرت
تقاضای کار از طرف کارگران وسیله سوء استفاده ای برای اولیاء امور گردید
تا بوسیله دلالان خود در اصفهان افراد را از طریق رشوه و حق حساب استخدا
نمایند و علاوه بر این مزد کار و نیروی انسانی را بناز لترین نرخ پائین آورند.

لذا کارگران فنی که در اواش کار استخدام شدند دارای پائین ترین سطح دستمزدها گردیدند اما برای يك کارگرفتی که در کارخانه نساجی شهنواز اصفهان در آنتوق روزانه ۶ تومان میگرفت دستمزد پانزده تومان یعنی حداقل دستمزد کارگرفتی در نوب آهن ، برایش کمی گشایش بود .

باین خاطر به وسیله ای برای استخدام شدن متوسل میشدند . البته عده ای کارگروزی کرده که در مغازه ها و کارگاهها خصوصی خیابان شاعیور اصفهان از دستمزد نسبتا کمی برخوردار بودند با اینکه دستمزدی که نوب آهن برای آنها تعیین کرده بود بر مراتب کمتر بود اما باید کار دائم و ثابت دولتی و وامی های ساده لوحانه که میکردی برایشان خانه خواهند ساخت و حتی بچه هایشان را بعد ها در نوب آهن استخدام خواهند کرد کار دولتی نوب آهن را بر کار خصوصی ترجیح داده بودند . البته خود این طرز تفکر ناشی از حداقل آگاهی يك کارگر در مورد مزایا و امتیازات اقتصاد دولتی در يك جامعه سوسیالیستی است .

بعد ها خیلی زود بسیاری از این کارگران فنی ما معرتوجه شدند که علی آباد دهی نیست و شنیدن صدای دغل نوب آهن تنها از دور خوش است . آنها دریافته بودند که درون کارخانه پرازفساد ، تبهیش ، تحقیر و مورد بیبیلی است و لذا چه آنها تیکه از شهرهای دیگر آمده بودند و ما عانه مقادیر گزافی اجازه مسکن می برداختند و چه آنها تیکه که در اصفهان و در کارخانه و خانواده خود بودند فرار را برقرار ترجیح دادند .

یکی دیگر از منابع نیروی کار کوری نوب آهن ، همان طوری که قبلا اشاره شد ، کارگران فنی دهات اطراف نوب آهن مخصوصا دهات چهارمحال

بخشای هند . این کارگران که اغلب از سالها قبل در تلاش معاش و
 بالاسلام از خطرات گوناگون بکویت رفته بودند در ضمن کار در کارهای
 ساختمانی و صنایع نفتی به برکت استعداد های سرشار خود در کارهای
 مصلحتی نظیر جوشکاری ، لوله کشی ، مونتاژ کاری ساختمانهای نفتی
 کاتب بدی و غیره تخصص پیدا کرده بودند . چون بعد از مراجعت به
 ایران به کاروانگان مسافرت مجدد بکویت برایشان دیگر مثل گذشته
 آسان نبود ، با شروع کار ساختمان نوب آهن برای استخدام شدن
 در آن هجوم آوردند . و علت نزدیکی نوب آهن به دهات آنها و بهنگام
 رسیدن طولانی با هر حقوق و دستمزدی حاضر بکار شدند . جالب توجه
 اینکه تعداد یکی از دهات بنام هفنه جان شجاری است . جوشکار ماهر
 ساکن بود . طرز کار و مهارت این قبیل کارگران نفتی که سواد خواندن و
 نوشتن هم نداشتند در ضمن اجرای آموزش ، قدرت یادگیری آنها در
 کارهای جدید موجب تعجب و تحسین تکسین ها و مهندسی روسی شده
 بود بطوریکه بتأیید و اقرار آنها از نظر کیفیت انجام کار و سرعت کار ، طرز کار کارگران
 ایرانی باستانند و در هاونهای نفتی روسها نیز یک و در بعضی موارد در
 نصب دستگاهها و اجرای بعضی از کارهای نفتی رکورد های بالاتری
 بدست میآوردند .

علاوه بر گروههای کارگری فوق چون از نظر تخصص نفتی و آشنائی و سابقه
 کار با ماشین آلات سنگین ، ابزارهای دقیق ، ساختمان و نصب تاسیسات
 شیمیائی و بهداشتی و بسیاری اموری دیگر احتیاج به کارگران متخصص
 بیشتری بود و بسیاری از این قبیل کارگران در مناطق نفتی و صنعتی خوزستان

در انتظار کار با بکارهای کم درآمد مشغول بودند (۱) لذا تحت فشار روسها برای تامین پرسنل و نیروی کار، شخصاً شرکت تصمیم گرفت در مناطق نفت خیز استفاده کارگرفتی بپردازد. این کارگران که با هزاران وجه و وسایل و فریب و گاهی با رشوه در محل استخدام میشدند با اتیوسهایی که از طرف زوب آهن کرایه میشد بکارخانه اعزام میشدند. عده زیادی به واسطه خلف وعده ها و هوردیهایی اوضاع در طرف همان چند روزی در میرفتند و آنهایی را هم که بنحوی راضی میکردند یا خودشان میماندند آگاه ترین قشر کارگری زوب آهن را تشکیل میدادند که به علت شمول درک سیاسی که نسبت با استثمار سرمایه داری و استثمار بیگانه در مناطق منابع ثروت نفتی کشور وجود داشتند همیشه منشاء اعتراضات و اعتصابات کارگری در قسمتهای مختلف زوب آهن بودند.

۴- وجود قشر کارگرفتی بکار در جنوب ایران خصوصاً در مناطق نفت خیز و علت است : ۱- اخراج تعداد زیادی از کارگران فنی شامل در شرکت های عامل نفت از طریق باز خرید آنها (سالی دو ماه حقوق) - وجود شرکت های مقاطعه کاری سرمایه داران خارجی و داخلی - باین معنی که این قبیل شرکت های پیمانکاری برای اجرای یک پروژه نفتی بانظاری برای مدت کوتاهی مثلا یکسال کارگران لازم را استخدام و در پایان پروژه آنها را اخراج میکنند و باین ترتیب گروه کثیری کارگرفتی بکار در انتظار پروژه بعدی در بازار کارها میشوند این هم یکی از ظالمانه ترین مظاهر سیستم استثمار و سرمایه داری نظام حاکم است که بوسیله اثرات ظالمانه و ضد انسانی آن بر زندگی اقتصادی و اجتماعی خصوصاً خانواده های محتاج بپهرس جداگانه است و از همه فاجعه آمیز تر اینستکه نیروی کار کارگر در بازار کار بصورت یک کالای تابع عرضه تقاضا مورد معامله قرار میدهند این بازار کار زمانی کارگر را فرسنگها دور از خانوادها آواره میسازد و زمانی (بقیه در صفحه بعد)

بعد از پایان مرحله ساختمانی کارگرانی را که از جهات مختلف مخصوصاً از جنبه اطاعت ازمانوی وی سرور صدایون آزمایش و تصفیه شده بودند برای قسمتهای بهره برداری جدا نمودند. در این میان طبعاً کارهای راحتتری خطر نگر کارکنان و انگار گردید که از آشنائی با پارتی در داخل یا خارج کارخانه برخوردار بودند و از آنجا که بعد از اتمام کارهای ساختمانی مرحله اول، به علت بی پولی رژیم و مشکلات سیاسی بار رسبها، مرحله دوم که شامل توسعه ظرفیت کارخانه بود، مرحله اجرا در نیامد. لذا ابتدا بتدریج گروه گروه کارگران شلظدر را اخراج نمودند، و حال آنکه اگر توسعه کارخانه ادامه مییافت هم از بیگاری کارگران جلوگیری میشد و عم از آشنائی و تجربه ای که با ساختمان ذوب آهن و طرز کار با ماشینها و وسایط روسی پیدا کرده بودند بلافاصله استفاده میشد و تجارب علمی استادکارها و کارگران فنی در ذوب آهن که بقیمت گزافی حاصل شده بود در اجتماع بصورت هر روز میپورده و رعانیتهای آنها در نمریت.

مطابق سازمان بندی روسها در سه نوبت از کار، کارخانه ذوب آهن جمعاً به ۸ هزار نفر کارگرو تکمیل و مهندس و کارمند اداری احتیاج داشت. نظریاتی که مقارن با بهره برداری از کارخانه و پایان کارهای ساختمانی نزدیک به ۲۰ هزار نفر مشغول کار بودند، لذا با توقف کارهای ساختمانی متجاوزاً از ۱۰ هزار نفر میباید اخراج میشدند و چون اکثر این افراد شامل کارگران ساختمانی و کم درآمد بودند، از روزی که سرور صدای اخراج کارگران اضافی

(بقیه پاروقی از صفحه قبل) ماهها و سالها بصورت يك عنصر عاطف و مظلوم و مقروض در کارخانواده اش خانه نشین میسازد.

تقاضا شد تا کون که اخراج آنها همچنان ادامه دارد این کارگران و خانواده‌شان خواب راحت و آرامش ندارند و بقول خودشان در محیط کار دست و دلشان بکار نمی‌رود و شبها از ترس اینکه مبادا فردا جزئی نیست اخراجی‌ها اعلام شوند قرار دارند. در محیط کار بهر کس می‌رسند سؤال میکنند آیا ضمیر جزئی اخراجی‌ها هستم؟ زنهای بعضی از این کارگران ندر و نیاز میکنند که شوهرشان را اخراج نکنند. یکی میگفت زنم سفره ابوالفضل نذر کرده، دیگری میگفت زنم سجاده پهن کرده و مرتب نمازودعای میکند که اخراجم نکنند. تعداد دیگری از کارگران میگفتند دیگر برخلاف سابق مغازه دارهای اجنبی بکارگرهای نوب آهن نسبه نمیدهند و میگویند همه شماره اخراج میکنند ما برای چی پشما جنس نسبه بدیم؟ کارگرانی که دارای تخصصی فن و مهارت فنی بودند میگفتند لاش یک مدتی بهما مهلت بدهند تا کار دیگری پیدا کنیم. ماکه پس اندازی نداریم مدت بیکاری از کجا بخریم؟ بنابراین توصیه روسپان تصمیم گرفته شد تعدادی از کارگران ساختمانی را تا آغاز مرحله دوم بنحوی سرگرم نگه دارند تا بعد ها برای تامین کارگران فنی مورد نیاز اشکالات گذشته تکرار نشود و علاوه بر این از اوج رشد شناختی و خشم کارگران جلوگیری بعمل آید چه غیرم محیط امنیتی و خفقان ضد کارگری و تهدیدهای گوناگون، عده ای از کارگران با مراجعه به اداره کار و استناد به قوانین کار نسبت با اخراج غیر قانونی خود که بدون مهلت قبلی و بدون پرداخت سوابق کارشان صورت گرفته بطور دسته جمعی اجتماع و اعتراض مینمودند. همراه این اعتراضات دسته جمعی اعلامیه های زیادی در کارگاههای بهره برداری و ساختمانی، سفینا و بطور وسیعی توزیع میگردد.

وطنی آن کارگران و کلیه افراد را برای اعتراض و مقاومت در مقابل این برنامه
 ضد کارگری دعوت به اعتصاب و اعتراض مینمودند. در اصفهان یک بعد از نیمه شب
 دو نفر ضمن پخش و چسباندن اعلامیه عائی در این مورد درسی و سه پل
 اصفهان بوسیله پلیس گشت همراه با شلیک تیر هوایی دستگیر گردیدند
 و خبر آن از قهر رئیس شهربانی وقت (سپهبد صدری) در روزنامه ها
 درج گردید. بدین حال این وقایع و از ترس گسترش اعتراضات، طی کمیسیونها^۱
 که بین استادان اصفهان، رئیس ذوب آهن، روسای ساواک، شهربانی
 و سایر ادارات دولتی، در اصفهان تشکیل گردید تصمیم گرفته شد که اخراج
 کارگران موقتاً توقف و سازمانها و کارخانجات دولتی و موسسات خصوصی را
 ملزم نمایند. احتیاجات پرسنلی و کارگری خود را از کارگرانی که در ذوب آهن
 مازاد بر احتیاج میباشند تامین نمایند و در ابتدای این برنامه تصمیم گرفتند
 در درجه اول تعدادی را در اختیار شهرداری اصفهان بعنوان عطسه
 ساختمانی و ده دیگری را به معاونین و تاسیسات ذوب مس سرچشمه معرفی
 نمایند. اما همه این تصمیمات و اقدامات غیر عقلی که صرفاً برای فریب
 افکار کارگران اخراجی و دلداری و دلگرمی سایر کارگران شاغل، اتخاذ
 گردیده بود مسکوت ماند و برنامه اخراج کارگران بتدریج و در گروههای
 محدود ترجمه و آغاز گردید. در این ماجرا تعداد زیادی از کارگران فنی
 و متخصص ورزیده از ترس اینکه مبادا روزی آنها را غافلگیرانه و غیر مترقبه اخراج
 نمایند قبل از وقت در جستجوی کار برآمدند و استعفا دادند و این خود فریب
 دیگری بود که کادرفنی ذوب آهن را از نظر کارآیی و مهارت فنی ضعیفتر
 نمود.

در مورد کارگران ساده ناقل از تمدید قرارداد به مدت ساله با کسر سیوم نفت همگی ۸۰ ریال می‌گرفتند که با اضافه کاره یعنی ۱۲ ساعت کار در روز (از ساعت ۶ صبح تا ۶ شب برای روزکاران و شش شب تا شش صبح برای نوبت‌شعب) به ده تومان یا کمی بیشتر می‌رسید اما بدنبال قرارداد با کسر سیوم نفت که زیر پوشش تبلیغاتی طی شدن نفت صورت گرفت به عنوان یک فریب تبلیغاتی و در حالیکه همین کارگران ساده را اخراج می‌کردند از طرف رئیس کارخانه اعلام گردید به‌مناسبت پیروزی ایران در امر نفت و مالکیت ایران بر صنایع نفتی حداقل دستمزد در ذوب آهن به ۱۰۰ ریال افزایش می‌یابد. در مورد سایر کارگران فنی اصولاً برای تعیین میزان دستمزد آنها هیچ ضابطه صحیح و اصولی وجود ندارد و تازه ضوابط ناقصی هم که وجود دارد بر طبق آن عمل نمی‌شود. تعیین دستمزد در بدو ورود تابع پارتی یا رشوه و اگر عم بدون رشوه و پارتی و صرفاً بخاطر تخصص فنی و احتیاج کارخانه استخدام شده باشد تابع نظریات نظری و نحوه تشخیص فرد آزمایش‌کننده است. هم اکنون به‌استفاده از ضوابط نادرست، عده‌ای از استادکارها یا فوریست‌ها حتی کارگران فنی جزو بخاطر زبستگی و توصیه‌ها یا با منظور کنترل دیگران و غیرچینی در میان سایرین و تلقی روسا و انجام خواسته‌های غیراداری آنها از دستمزد‌ها کزاف و اضافه کار و پاداش‌های استثنائی برخوردارند. البته کوشش کرده‌اند که برای کارگران بهره‌برداری بخاطر شرایط دشوار یا خطرناک کار سطح دست‌مزد کارگران جزو را بالاتر ببرند و از ندرت تبعیضات و اختلاف دستمزد‌ها بکاهند اما با وجود این که دستمزد و اختلاف و تبعیض بین افراد یکی از عوامل اصلی

نارضایتی کارگران بهره برداری است. ضمناً برای اینکه مقداری از بول کارگران را در بانکها و موسسات سرمایه داری با اجبار نگهداری نمایند دستمزدها آنها را از طریق شعبات متعدد بانک ملی کارخانه به دفترچه حساب پس اندازی که اجباراً برایشان تهیه کرده اند واریز میکنند. ضمناً برای اینکه کارگران با دستمزدهای پایین از یک وعده غذایی گرم در محیط کارخانه استفاده کنند تصمیم گرفتند که در فضاهای مختلف به نسبت کارگران مبلغ ۱ ریال از طرف نوب آهن برای تهیه دیزی پرداخت شود و بقیه قیمت آنرا که بهیچ وجه تا ۱ ریال میشد خود کارگران پرداخت نمایند این تصمیم در عمل و در بعضی از قسمتها وسیله استفاده و دزدی عده ای گردیده است. تازه بیشتر کارگران و استادکارها و سرکارگرانی که از حقوق و قدرت زیادتری برخوردار هستند از آن استفاده میکنند تا کارگرانی که روزی ۸ تومان دستمزد میگیرند و این خود نشان دهنده این حقیقت است که رژیمها و سازمانهای فاسد رژیم قادر به کوچکترین اقدام مفید در جهت بهبود زندگی کارگران نمیباشند.

تهیه مسکن برای کارگران

در ظرف چندین سالی که از آغاز کار ساختمانی و پیش ازیکسانی که از بهره برداری رسمی کارخانه میگذرد کوچکترین اقدامی در جهت مسکن کارگران و کارکنان که بعمل نیامده هیچ تازه باعزیزه این نیاز اساسی و اجتماعی را بدو تن آنها و سایر قشر نارگری و طبقات کم درآمد مردم اصفهان و حومه چندین برابرگران نر کرده است. برای نمونه کرایه ماهیانه یک اتاقی که در اصفهان قبل از تاسیس نوب آهن حدود بیست تومان بود اکنون بین ۱۰۰ تا ۱۵۰

تومان است و این ترتیب ثلث و حتی بیش از ثلث حقوق کارگران ذوب آهن و سایر اجاره نشینان اصفهان را می بلعد. بنابراین کارگران، تازه با این مبلغ زیاد با آنهاییکه بچه زیاد داشته باشند اصلاً خانه نمیدهند از این جهت کارگران غیرمصلی و مهاجر مجبور هستند همچنان رنج دوری از خانواده‌های خود را تحمل نمایند. در بخشهایی نظیر فلاورجان (که نیمه راه اصفهان و ذوب آهن قرار دارد) روزی (نزدیک کارخانه) میزان اجاره اطاقی اگر پیدا شود از اصفهان کمتر نیست و در دهات مجاور کارخانه نظیر چمگردان، میزان اجاره یک اطاق کلی حدود هشتاد تا صد تومان است. کارگران بسیاری از کارکنان بعلت کمبود درآمد ناچارند در دهات اطراف کارخانه بخصوص آنهایی که فاصله دورتری دارند چون ارزانترند سکونت کنند. مسئله ترافیک مشکل جانفرسائی است؛ زیرا برای نقل و انتقال آنها حمل سکونتشان سرویسهای منظمی وجود ندارد و اغلب مجبور هستند بعد از پایان ساعت کار طولانی، روزی یکی دو ساعت بانتظار سرویس بنشینند. حمل و نقل کارگران بدو دهات اطراف عموماً بوسه کامیونهای باری چادری یا بوسیله اتوبوسهای قراضه ای که از طرفی بندوبست با اجاره ذوب آهن درآمده تأمین میگردد. این کامیونها و اتوبوسها مخصوصاً در فصل سرما بعلت تصادفات بی رویی، تاکنون جان کارگران بسیاری را گرفته و خانواده‌های زیادی را بی سرپرست نموده است. از میان حوادث و تصادفات بیشمار در جاده ذوب آهن با اصفهان و جاده‌های ذوب آهن بدو دهات اطراف تصادفات از همه وحشتناک تر بوده است یکی از آنها سقوط کامیون حامل ۵ نفر کارگر از دانه کوه بدو بود که جان همه سرنشینان و ایهلاکت انداخت. تصادفی دوم تکرار همین حادثه پس از یک

فاصله زمانی بوسیله اتوبوس بود که ۴ نفر کارگزار حمل مینورد. هر دو از
 کورنه رخ بین کارخانه و شهر کرد که جاده فوق العاده خطرناک و فاسد
 کترین اصول ایمنی است از ارتفاع بدانه کوه سقوط کردند. سرنشینان، کارگران
 بودند که در هات اطراف نظیر هفته جان و قهوه رخ سکونت داشتند.
 تازه پس از حادثه دوم، اولیا، امور کیسیون کرده و روی کاغذ تصمیماتی برای
 اصلاح جاده مزبور اتخاذ کردند برای تامین زندگی خانواده کارگران مقتول و
 از کیسه خلیفه حاتم بخشی کرده یک روز حقوقی از همه کارمندان و کارگران
 برای پرداخت بیازماندگان آنها کم کردند.

ایمنی فنی برای کارگران

اولین چیزی که توجه شخص تازه واردی را بمحوطه کارخانه ذوب آهن
 جلب میکند تابلوهای بزرگی است که روی آنها شعار "اول ایمنی بعد کار"
 نوشته شده و در نقاط حساسی نصب شده است. این تابلوها که همزمان
 با آغاز بهره برداری در محوطه کارخانه نصب شده مثل تمام کارهای رژیم،
 تظاهر و رنگ و روغنکاری است. شماری است که محتوی آن بدست فراموشی
 سپرده شده و خود آن از ناحیه روسها حاصل شده است. کارشناسان روسی
 بر اساس سیستم ایمنی فنی خود، سلامت و حفظ جان کارگران در کارخانهها
 و کارگاهها اهمیت زیادی قائم هستند. آنها از همان ابتدای کار برای تامین
 ایمنی محیط کار و جلوگیری از خطرات و حوادث مرگباری که جان کارگران را
 بمخاطره می اندازد، بخصوص جان آنهایی را که از نزدیک و مستقیماً با
 چنین خطراتی مواجه هستند، توجه و فشار زیادی بمسئولین ایرانی وارد می

ساختند. اما از آنجا که برای گردانندگان کارخانه بی ارزش ترین چیز جان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کارگران بود عملاً از اجرای سیستم ایمنی فنی روسها با نحا^۱ مختلف طفره رفته و از خرید کافی اصلی ترین وسائل حفاظتی نظیر کمر بند ایمنی، کلاه و دستکش و ماسک و عینک و غیره خودداری کردند و حتی در آموزش و آشنا کردن اصولی کارگران ب مسائل ایمنی و حفاظت فنی اعمال نمودند. ریشه این بی اعتنائی ب مسائل ایمنی و حفاظت جان کارگران در اینجا نهفته است که تشکیلاتی که طبق طرح روسها برای اجرای اصول ایمنی و

بنام " گروه ایمنی و حفاظت " بوجود آمده بوسیله کسی اداره می شود که موی خود را در افکار و احساسات ضد کارگری در وزارت اقتصاد و دیگر سازمانهای دولتی سفید کرده است و وظیفه اصلی این امراض فنی است تا ایمنی فنی. این شخص که عنوان مشاور عالی رئیس کارخانه^۱ دارد در واقع مقام امنیتی نوب آهن است که از سرپرستی گروه ایمنی فنی تنها بعنوان ماسکی برای پوشاندن چهره^۲ مرکب از ضد انسانی و ضد کارگری خود استفاده میکند. این مأمور خائن و مظاهر در حالیکه اغلب کارگران را از ضروری ترین وسائل ایمنی محروم نگه داشته در جلوی اطان خود و در کرد و راه اداره^۳ مرکزی کارخانه نمایشگاهی از بدترین و کاملترین وسائل ایمنی و حفاظتی برای فریب آنها^۴ یک از واقعیت امر بی خبرند ترتیب داده^۵ است. حد اکثر کارگروه ایمنی فنی در ظرف این چند سال این بوده است که دستورالعملهای ایمنی فنی روسها را که بوسیله مترجمین^۶ قسمت دار الترجمه^۷ ترجمه و توسط چاپخانه نوب آهن چاپ و تکثیر شده بنام خود منتشر ساخته است. زحمت دیگری که سرپرست گروه ایمنی فنی بخود میدهد امضا^۸ کردن ترجمه فارسی بختنامه هائی است که از طرف سر

کارشناس روسی اموریانی فنی در نسخه روسی و فارسی تهیه میشود .
 در یک چنین شرایطی گنیه کارگران که با گرد سنگ آهن ، آهن ، ذغال ،
 سنگ ، کک ، گرد سیمان ، سڑکار دارند و در قسمتهای نظیر آگومراسیون ،
 کوره بلند ، کک سازی ، دارخانه بتن ، سیلوی سیمان ، کارخانه اسفالت
 سازی ، قسمت مواد نسوز و یای کوره های ریخته گری کار میکنند قادرند ماسکهای
 ضد گرد بوده و با بستن دستمالی در جلوی دهان خود اکتفا میکنند .^{باین}
 ترتیب شدیداً در معرض خطر بیماریهای ریوی هستند . در حالیکه طبق مقررات
 ایمنی کارخانه ، باید برای جلوگیری از امراض ریوی ، علاوه بر ماسک ضد گرد
 و غیره ، روزانه از یک لیتر شیراز طرف کارخانه باین کارگران داده شود .
 بسیاری از قسمتهای مذکور حتی از دادن یک شیشه شیره ربالی بکارگران
 خودداری میکنند و در بعضی قسمتهای دیگر که این شیشه شیره ربالی
 در اثرباشاری روسپاروستولین ایرانی بکارگران داده میشود بهیچتر کارگران
 از خوردن آن صرفنظر میکنند و آنرا برای بچه خردسال خود نگاه داشته و سه
 منزل میبرند و این خود باعث شده است که آنها هیچ نمیتوانند مسائل و
 مشکلات اقتصادی زندگی کارگران و علاقه شدید آنها را بفرضندان خود درک
 نمایند . استدلال کنند که دادن شیر باین قبیل کارگران بیفایده است .

در طی دوره ساختمانی بعزت بی توجهی مسئولین و سرپرستان کارخانه
 در خرید و تامین وسائل ایمنی و آموزش کارگران حوادث بسیاری از نوع سقوط
 از ارتفاع ، ببری گرفتگی ، انفجار کپسول استیلان ، تصادف مانعین در
 جاده شان داخلی کارخانه ، سقوط ظرف بتن (بونکر بتن) یا تیر آهن
 بر سر کارگران اتفاق افتاد و تلفات زیادی را موجب گردید .

تاسیسات تفریحات سالم نوب آهن

چهارباشگاه مجلل همراه باپلاژ جداگانه در کنار دریاچه مصنوعی زیبایی برای نوب آهن ساخته شده است. این دریاچه در مجاورت مسیر رودخانه زاینده رود واقع شده و بواسطه عطیات شن برداری برای تهیه بتن آرمه کارخانه در طول پنج سال عطیات ساختمانی ایجاد شده است. از این چهارباشگاه یکی با اسم کارگران نام گذاری شده اما در واقع تکسین ها و استادکاران مورد توجه از آن استفاده میکنند. باشگاه دوم مخصوص روسپاست و در ساحل مقابل باشگاه کارگران ساخته شده است. باشگاه سوم، باشگاه کارمندان است که کارمندان عالیرتبه اداری و مهندسی از آن استفاده میکنند. باشگاه چهارم که بفاصله زیادی از سه باشگاه دیگر ساخته شده است اختصاص بر روستای طراز اول دارد و محفل اختصاصی آنها و افراد محرم آنهاست. از این باشگاه بران پذیرائی از مهمانان عالی مقام و تشکین شب نشینی و ساندویچ عیاشی برای آنها استفاده میشود. اخیراً استخر خیلی بزرگی با تجهیزات و وسائل قایقرانی در باشگاه کارمندان عالیرتبه و مهندسی و نیز در باشگاه اختصاصی روستای طراز اول ساخته شده است.

علاوه بر این ها برفراز یک تپه ی مشرف بر زاینده رود و مزارع و درختکاریها کارآر یک " کاباره دانسینگ " با شرح و سبک زیبا و کرافیتی ساخته شده است. این باشگاه ها و کاباره دانسینگ که بناهای آن یکسوی دیگر از ملامعریاسات ریخت و پاش کرده اندگان امروز نوب آهن است و سیله

ایستکه برای ترویج فساد هر چه بیشتر سرگرم کردن کارمندان و کارگران نوب آهن ساخته شده است. پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شبهه امنیتی در ذوب آهن

شبهه امنیتی در ذوب آهن شامل تشکیلات عریض و طولی بنام "قسمت حفاظت و انتظامات" است. این تشکیلات دارای یک جزء علنی بنام انتظامات و جزء نیمه مخفی و نیمه علنی بنام حفاظت میباشد و هر دو جزء تحت ریاست تیمسار بازنشسته ای که گویا برادرش دبیرکل حزب ایران نوین است قرار دارد. افراد علنی قسمت انتظامات بیشتر از میان جوانان روستائی و بر اساس شرایط استخدامی مشابه نیروهای نظامی انتخاب و استخدام شده اند و در مرکز توپخانه اصفهان حدود یک ماه و نیم دوره شیراندازی و فنون جودو و کاراته دیده اند و از این افراد بعد ها با یونیفرم قهوه‌ای رنگ چند نفر در جلودرهر کارگاه یا ساختمان اداری و کلبه درغای خروجی ورودی کارخانه گماشته اند؛ اینها رفت و آمد افراد را از روی کارت شناسائی کنترل میکنند. ساک کارگران را بازرسی میکنند. سرویسهای کارگری و کارمندی را در ورودی و ورودی کارخانه بوسیله کارت شناسائی کنترل میکنند. بازرسی و کنترل ماشینهای شخصی در هنگام ورود بکارخانه می پردازند و از جان مسئولین طراز اول کارخانه حفاظت میکنند. بدنبال شروع عطیای سلحانه در ایران و ارتباط و دستگیری عده ای از کارکنان ذوب آهن (تکمین و مهندس) در ظرفی این مدت بجرم رابطه یا همکاری با چریکها، برداشته فعالیت ها و کنترل های قسمت حفاظت و انتظامات افزوده شد. اکنون تعداد زیادی از مأمورین انتظامی بطور شبانه روزی در اطراف منازل کارمندان ذوب آهن در اطراف منازل موقت واقع در چمرگان و منازل مسکونی آریانه سهره رفت و آمد ساکنین و نازه واردین را مرتباً زیر نظر دارند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در بعضی موارد کارت شناسائی مطالبه میکند. نظر وانتقال وسائلی یا رفت وآمد انومبیلهای شخص ساکنین راز بر نظر میگیرند. مهمانان ساکنین

سازل آریاشهر و چمگردان اغلب تا در منزل مقصدشان از طرف همین مامورین انتظامات تعقیب و تا آخرین لحظه نظاره میشوند. این مسئله خصوصاً برای کارکنان شاهل ذوب آهن که زن و دختر آنها شبانه روز مورد تعقیب چشمها و نگاههای خیره و کجگاو این مامورین قرار دارد فوق العاده آزار دهنده است.

قبل از شروع بهره برداری کارخانه، خصوصاً قبل از آغاز مبارزه مسلحانه در ایران، تعداد این مامورین علنی انتظامات دقیقاً ۵۰۰ نفر بود. اما با شروع دوره بهره برداری و اوج یافتن مبارزه تعداد زیادی به آنها افزوده شد بطوریکه اکنون میتوان گفت بایرمنل اداری حدود ۱۰۰۰ نفرند. حقوق و مزایای این مامورین که از شدت احتیاج و بیگاری به چنین کاری تن داده اند با اضافه کارها در حدود ۷۰۰ تومان در ماه میشود. همه ای از آنها بعد از مدتی از این کار، که بقول خودشان وسایر کارگران مردم آزاری و بی هنری است منجز میشوند و تقاضای انتقال بقسمتهای فنی میکنند یا استعفا میدهند این جریان که در اوایل زیادتر بود در این اواخر روسای مربوطه در مقابل این تقاضاها شدیداً با مخالفت و تهدید عکس العمل نشان میدهند افراد شهری آنها زود تر از زشتی این کار مطلع و منجز میشوند. اخیراً آنها را از خرابکار و خرابکاری ترسانده اند و متقابلاً بآنها اختیار و اجازه هرگونه اعمال قدرت و رفتار نوعین آمیز نسبت بکمیته کارکنان از کار گرفته ناروسائی که ماشین های مارک ذوب آهن

در اختیار دارند، داده اند. تاکنون چندین برخورد خشن و توهین آمیزین سرپرستان کارگاهها و قسمتهای لزوب آهن بامامورین انتظاماً بتوقع پیوسته و کار به بالا ترکشیده است، اما همیشه حق را بامامورین انتظامات داده اند. این امر موجب شده است که علاوه بر کارگران معمولی، روسای طراز دوم و سوم هم نسبت بقسمت انتظامات و حفاظت و شخص تیمسار رئیس آنها، شدیداً خشم و کینه پیدا نمایند. در بعضی موارد این مامورین مغرور برای ابراز قدرت و در قضا برای اجرای دستور برای روسائی که حتی کاروست آنها را میشناسند بازی در میآوردند و علاوه به بهانه ای ماشین آنها را متوقف و خود آنها را پیمانده مینمایند.

مامورین انتظامات، این جوانان روسنائی که مطهریک عمر رنج و بدبختی طبقه محروم خود غمستند، اکنون که با واقعیت های طبقات بالا رو پرورنده و اعضای رادمانسینهای سواری و در راه در کارزن و فرزند ان خود در جوانی می بینند و خود را در لباس مامور با قدرت، فرصت یافته تا ناخود آگاه عقده محرومیت خود را در موجهه با آنها بکشایند. نظراً دیکتاتوری و پلیسی که عقب عمر فرصتی برای اعمال خود نمائی خویش است بانبوهی مامورین با اعمال قدرت بیشتر نشان میدهد که در نظام او انسانها باندازه بشیزی شخصیت و ارزش ندارند. دستگاه انتظامات مامورین را بخصوص با اعمال خشمونت بیشتر در برابر کارگران و کارکنان تشویق میکند و مامورین با اینها شدیدا توهین آمیز و بطور تجاوز کارانه ای رفتار میکنند. تاکنون بکرات با سبب وی سبب، کارگران، حتی تکسین ها و کارمندان رازید منت و لنگ گرفته اند. اخیراً قدرت و اختیارات قسمت انتظامات با زهم

افزوده اند تا جایشکه وظیفه حضور و غیاب کارمندان و کارکنان از کارگرنی
بآنها محول شده است .

قسمت حفاظت وظیفه اس جیع آوری اطلاعات و کارهای پلیسی از
طریق عناصر و عوامل مخفی است و مستقیماً با سازمان امنیت اصفهان
در تماس است . وظیفه اصلی این قسمت ایجاد رعب و وحشت پلیسی در
میان کارگران و کارکنان و ایجاد سوء ظن و شک و تردید عمومی نسبت به
همه چیز و همه کس است . برای وصول به این هدف با دریافت کوچگنر
اطلاعی از اظهار ناراضی این از طرف کارگری او را با ارسال نامه محرمانه
اداری و با اطلاع مستقیم فوری احضار و استیوال و جواب میسر دارند .

اختطاب و استنطاق کارگران از دریافت خبر از گفتگوها و اظهار نگرانی آنها در
باره اخراج کارکنان احتمال کم شدن اضافه کار و نداشتن وسائل
حفاظتی با کمی دستمزد شروع و اخیراً هم وارد جزئی تری حتی از قبل در
یافت گزارش غیبت یا در رفتن یکی دو ساعتی از زیر کارگسترش یافته است .
این دامنه نفوذ تا این حد توقف نکرده بلکه بمسائل روزمره و زندگی
شخصی و خانوادگی کارگران در خارج از محیط کار نیز گسترش یافته است .
این امر موجب شده است که کارگران بران حل و فصل نزاعهای محلی
یابده بستانهای مال دست بدامن قسمت حفاظت و انتظامات بزنند و
مسائل شخصی بین خود را در انجام طرح و حل و فصل نمایند تا مسئولین
امر با اطلاع از ریزه کاریها و وضع اخلاق و رفتار خانوادگی کارگران دانشه
کنترل و نفوذ خود را بیشتر بگردانند . رواج این سیاست موجب
شده است که عده کمی از کارگران برای تسویه حسابها و انتقامهای

شخصی، نقاط ضعف یکدیگر را نیز به قسمت حفاظت گزارش دهند و خود از روی سادگی و جهالت به پیشبرد مقاصد شبکه پلیسی دستگاه کمک نمایند .
 اخیراً تعدادی از مأمورین مخفی را برای طی دوره کشف و خنثی کردن بمب پشهران فرستاده اند .

شبکه امنیتی قسمت حفاظت و کارشناسان امنیتی که بلافاصله با اتفاق حوادث از پشهران خواسته شده اند ، حوادثی را که تاکنون بعملت نقص وسایل فنی اتفاق افتاده است از دریچه خرابکاری و مقاصد سیاسی و چیرگی دیده و مورد بررسی قرار داده اند . از اینجهت کمیته افرادی را که در این قسمتها کار می‌کنند به از جوئی و استنتاجهای شدیدی کشانده اند .
 از اینرو اکثر افرادی که در قضا و کارگاههای حماس، کار و مسئولیتی بهمیده دارند در اثناء رحال اضطراب و تشویش سر می‌برند . علت حوادث کوچک و بزرگی که تاکنون اتفاق افتاده ، از قبیل انفجار و آتش سوزی غنوزیدر ^{ستی} معلوم نیست . اما ظاهراً علت عدم مراقبت ، ندانم کار بهایان قصص دستگاهها بوده است . مهمترین این حوادث عبارت بودند از : - از کار افتادن کوره بلند بواسطه قطع ناگهانی و غیر مترقبه برق . (که اگر در لحظه بارداشتن کوره اتفاق افتاده بود خسارت و آسیب کوره بمیزانی میرسید که دست کم تعمیرگاه اندازی مجدد آن ۶ ماه وقت لازم داشت) .
 - از کار افتادن نیروگاه مرکزی - انفجاریکی از کوره های ریخته گری -
 آتش سوزی یکی از موتورهای برق دیزل خانه و چند حادثه آتش سوزی دیگر .
 قسمت انتظامات که برای صلح کردن کارد انتظامی خود تقاضای اسلحه

نمود، مقامات نظامی با مسلح کردن گارد انتظامی موافقت ننمودند در
 عوض در حد و دیک گروهان نیروی نظامی مسلح برای مراقبت اعزام ^{نشدند} را .
 سربازان مسلح اکنون از درهای اصلی و مراکز حساس کارخانه مراقبت
 میکنند . اکنون تصمیم دارند برای حفاظت از تاسیسات نوب آهن
 و ایستگاه کپرسورخانه خطوط گاز سراسری، یک پادگان بزرگ و مجهز
 در نزدیکی کارخانه ایجاد نمایند .

نحوه انجام و اجرای کارهای ساختمانی

فارتگری پیمانکاران و دزدیهای کلان روساوند ایران کارخانه‌ها؛ مطابق تصمیمات اولیه، ساختمان کارخانه نوب آهن میبایست از طریق امانی، یعنی بدون واگذاری شرکتهای مقاطعه کاری رأسبوسله شرکت ملی نوب آهن ایران و بااستخدام پرسنل فنی و نیروی انسانی لازم و مشاوره و کمک فنی کارشناسان روسی صورت گیرد و این جهت ساختمان قسمتهای اصلی کارخانه یعنی کوره بلند، کک سازی، و آلکومراسیون (۱) بطور امانی آغاز گردید اما به علت عدم صلاحیت اداره کنندگان شرکت و فساد و ضعف تشکیلات اداری آنها، آهنک پیشرفت خیلی کند و طولی بود. بطوریکه حجم کارهای انجام شده در پایان هر سال در حد هشت ماه کارت تعیین و بیض بینی شده قبلی بود. بهیارت دیگر در عرض سال باندازه چهارماه کار تاخیر افتاد این موضوع روسها را که نسبت به پایان ساختمان کارخانه در اس وقت مقرراعصیت میدادند نگران کرده و پیغامات بالاتریعلت تاخیر و کندی کار فشار آوردند. کدس پیشترفت کار و فشار روسها بهانه و وسیله ای شد تا ساختمان کارخانه را به شرکتهای مقاطعه کاری واگذار نمایند و موافقت و رضایت روسها براسی مقاطعه دادن کارها به شرکتهای خصوصی، منظور تسریع کارها جلب نمودند. بدینان آن ساختمان قسمتهای مختلفی کارخانه بین شرکتهای

۱ - آلکومراسیون قسمتی از کارخانه نوب آهن است که وظیفه اش انجام عملیات روی سنگ آهن و ذغال کک و آمیخته ساختن مواد دیگری با آنهاست بطوریکه این مواد را قبل از ورود به کوره بلند نوب آهن آماده نموده و این ترتیب کار کوره بلند را تسهیل و سبب بهره دهی آنها بالا ببرند.

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

صاحب نفوذ تقسیم گردید. از کارهای ساختمانی و نصب ماشین آلات گرفته تا جزئی ترین امور نظیر نقاشی داخلی ساختمانها، عایق پیچی و رنگ آمیزی لوله ها و تاسیسات کارخانه هر یک بطور جداگانه و باقیمتها کلان بیک شرکت مقاطعه کاری واگذار گردید.

این اقدامات در حالی صورت میگرفت که کمیته وسائل انجام کارازکار شناسان فنی روسی و مهندسان فراوان و تکنسین و کارگران فنی ایرانی گرفته تا افزار و وسائل و ماشینهای مختلف روسی جهت اجرای عطیات ساختمانی تماما و باندازه کافی در اختیار مسئولین امر بود. تنها چیزی که وجود نداشت صلاحیت فنی و لیاقت و صداقت آنها بود. واکداری کارها بمقاطع کاران امری بود که از آن استقبال کردند زیرا بدان وسیله صالح هنگفتی بعنوان حق و حساب بجهت برسد و سودهای کلانی عاید صاحبان زمینفرد این شرکتها نمودند. بسیاری نمونه زیرسازی خطوط آهن معادن کرمان بکارخانه و این شرکت گن متعلق به شریف امامی رئیس مجلس سنانو نخست وزیر سابق، آن هم بانرخهای کلان برای خاکبرداری و خاکریزی واگذار نمودند. نصب نیروگاه کارخانه شرکت پاکرو متعلق به لاجوردی سرمایه دار اده شده ساختمان بیست و پنج کیلو متر ااتومان ذوب آهن به اصفهان بمبلغ ۷۵ میلیون تومان بیک شرکت متعلق به خزیمه علم سناتور انتصابی و از سرمایه داران و مالکان معروف ناحیه قائنات و داروسته علم تقدیم گردید و به همین ترتیب شرکتهای مقاطعه کاری دیگری نظیر شرکت تهران جنوب، شرکت سینکاف، ملوی و... از این خوان یغصا

سهی بودند .

نحوه سو استفاده این شرکتها بسیار جالب توجه بود ما در زیر بطور مختصر بشرح آنها میگردانیم :

۱ - استفاده مقاطعه کاران از مهندسين و تکنيکهای روسی - مقاطعه کاران بعلمت وجود کارشناسان فنی روسی ، آنها بمقدار زیاد و تمايل بديريغ آنان برای دادن کمکهای فنی ، از استخدام مهندسين و تکنيکين ورزیده خودداری کردند و عملا برای اجرای کار خود از مهندسين و تکنيکينهای روسی استفاده کردند . در حالیکه اصولا میبایست شرکتهای مقاطعه کاری ، بوسیله مهندسين و تکنيکين های ورزیده خود ، که قطعاً باید بآنها حقوقهای گزافی میدادند کار را اجرا میکردند و کارشناسان روسی در نقش ناظر درصيرت وجود ایرادات فنی ، آنها را گوشزد یا تصحيح میکردند . اما عدم اطلاع روسها بامور بیجان کاری از یکطرف ، دوزوکک مقاطعه کاران و کمک مسئولين امور آنها ، سبب شد که مشخصين روسی که حقوق آنها را دولت سیرد اخت رایگان در خدمت مقاطعه کاران درآیند و مقاطعه کاران که باین ترتیب نیازی با استخدام مهندس و تکنيکين نداشتند سود کلان دیگری به جیب بزنند .

۲ - استفاده از ماشین آلات روسی - مسئله استفاده از مشخصين روسی با استفاده از ماشین آلات عم تعميم یافت . جرتیل عمسا ، بولدوزرها ، ماشینهای جوشکاری و نظایر آن بکار افتادند تا بگردش کار سرعت دهند . برای روسها تنها این مسئله اهمیت داشت . ازیند و بستهای که در زیر برده برای بکار گرفتن ماشین آلات بنفع مقاطعه کاران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بکارگیری چیزی نمی فهمیدند . برای یک مهندس یا تکنسین روسی که خود ماشین راصادخانه در اختیارمقاطع کار میگذشت تنها مسئله کار مطرح بود و برای یک مقاطع کار که با زیرکی از هر دو استفاده میکرد تنها پول . نتیجه این شد که مقاطع کاران بجای خریدن با اجاره کردن ماشین آلات ، از ماشین آلات آماده ای که در دستریشان قرار گرفت استفاده نمایند .

۳ - استفاده از کادرفنی زوب آهن - زوب آهن بعنوان تقویت کادرفنی پیمانکاران تعدادی از مهندسان و تکنسین های فعال و فراوان خود را در اختیار آنها گذاشت ، بدون اینکه پیمانکاران درازای آن چیزی بپردازند . به همین نحو ، برق ، آب و وسیله نظیه و بسیاری چیزهای دیگر نظیر آتشکاری ، باسازش و بند و بست با بالاتر ها و گاهی با پائین ترها بطور رایگان در اختیار پیمانکاران قرار گرفت . بطور خلاصه اغلب پرسنل فنی دستگامی که قبلا کار ساختمانی را انجام میداد ، با اضافه ماشین آلاتی که طبیعتا در بار باروس ها در اختیار شرکت زوب آهن قرار گرفته بود ، با اضافه متخصصین روسی که هزینه آنها نیز از بودجه ملی پرداخت میکردید ، باز زمینه سازی عائیکه برای مقاطع دادن از طرف دستگام فراهم آمد ، با پرداخت مجالس سرسام آوری در اختیار پیمانکاران و باندها دیگر رژیم قرار گرفت . باین ترتیب مردم فقیر ما در واقع دوباره هزینه سنگین ساختن تاسیسات ربا هه دزد بهاوسو استفاده های کلان پرداختند .

علاوه بر موارد بالا پیمان کاران با همکاری هندستان زوب آهنی خود آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سوء استفاده های دیگری دست زدند که از مهمترین آنها استفاده از مصالح از قبیل آهن آلات و تخته و غیره بود که طبق قرارداد برای ساختمان کارخانه از طرف دولت شوروی بایران تحویل داده شده بود تا زیر نظر کارشناسان روسی به مصرف برسد. اغلب در مواردی که پیمان کاران میباید آهن آلات و تخته و غیره را خود خریداری و بکار ببرند با ضرورت سازیهائی آنها را از آنها بر آهن آلات و مصالح شوروی تحویل میکردند. این کار با همکاری نزدیک روسای ایرانی نوب آهن صورت میگرفت. در اواخر کار تعداد پریزهای آهن و تخته کسر آمد و افتتاح قفسه بر ملا شد بهلافاصله چندین نفر دستگیر شدند اما برای اینکه کار از این بهتر برسوائی نکند ویای مسئولین و روسای بالاتر پیمان کسیده نشود دستگیر شدگان پس از چند روز آزاد و از نوب آهن اخراج شدند. از جمله دیگری از مسئولین که بنحوی دیگر در جریان کار دست داشتند، بران اینکه خریدن پیمانهای نرمانس و از قبیل نوب آهن خارج نشود، خواستند سخنرانه استعفاء دهند. برای نمونه یکی از زمین روسای سوء استفاده چی کارگاه بهادرجواب اینکه چقدر حقوق میگرفته گفته بود ما عاانه ۲۰ هزار تومان و در مقابل حیرت و تعجب حاضرین توضیح داده بود که از این مبلغ ۵ هزار تومانش را نوب آهن میداد و ۱۵ هزار تومان بقیه را پیمانکاران میپرداخته اند. بدیهی است که درازای این مبالغی که پیمانکاران باین قبیل روسا میدادند چندین برابر از ماشین آلات، مصالح و حتی کارکنان نوب آهن، که در اختیار این روسا بود، بطور رایگان استفاده می کردند و در برای صورت وضعیتهای غیر واقعی که تهیه میکردند امضا

این روسا برای گرفتن پول از نوب آهن میگرفتند. نظیر کار اخیر، بخصوص در مورد حجم خاکبرداریها و خاکریزها بسیار صورت گرفت. چه جز نظریه و تائید رئیس قسمت و رسید کنترل دیگری برای میزان کار انجام یافته وجود نداشت. لذا پیمانکاران باید اذیت رشو، حجم خاکبرداری و خاکریزها را که خیلی هم زیاد بود، چندین برابر واقعیت صورت میدادند و پولش را میگرفتند. میزان دزدیها و سوء استفاده غایبمان جاخانه نیافت بلکه در سطح بالاتر سرسام آورتر شد. در خاتمه کارهای ساختمانی اغلب پیمانکاران با پشتکرمی و زد و بند با مدیر عامل و رؤسای کارخانه بهبهانه ها و دلاش گزناگون اعلام ورشکستگی و ادعای خسارت کردند و صورتهای اعلام ساختگی برای میزان خسارت خود ارائه دادند. برای نمونه شرکت پاکر که مسئول نصب دستگاههای تولید برق و انرژی کارخانه بود، ادعای ۸ میلیون تومان خسارت نمود که بلافاصله از طرف همان روز سانی که از خرید یک ماسک ضد گرد و خاک یا یک دستکش ایمنی یا یک شیشه شیر، ریالی برای کارگر، دم از نبودن پول و بودجه میزدند، یک گلم مثل آب خوردن و بعنوان کمک بشرکت مزبور، ۳ میلیون تومان پرداخت گردید و به همین نحو در مورد سایر پیمانکاران از جیب خلق محروم و فقیر بدل و بخشش فراوانی شد. البته سهم عمده ای از این میلیون ها تومان بدل و بخشش، نصیب علم غایبستانی هامیند و الا بدون شک پرداختن نظریهها، یک شیشه شیر، ریالی با آنقدر کمیسیونهای بررسی هار و رومیند تا شامل مرز زمان شود.

آنچه گفته شد تنها نمونه‌هایی از دزدیها و سوء استفاده هاد و رابطه با پیمانکاران

هوسای کارخانه بودن در بهاوسو^۱ استفاده های دیگری آنها مختلف صورت میگرفت و طریقی جدیدی نیز ابداع میشد. برخی از آنها الو میرفت و بسیاری از آنها بنا شناخته میماند و بر بعضی که آشکار میشد پلافاصله سر پوش گذاشته میشد.

اولین دزدی که افتضاحش درآمد و رسوائیش بگوش همه رسید، دزدیدن يك تریلی سیمان از طرف رئیس انبارها بود. این دزدی در زمان ریاست مهندس بهبودی کارخانه و در شروع کارهای ساختمانی بشرح زیر صورت گرفت: تریلی سیمان بدون اینکه حتی يك کیسه آهن در انبار تخلیه شود بزرگ رسید انبار خورد و در فاتر انبار وارد و بعد هم بعنوان صرف از انبار خارج گردید و حال آنکه عملاً تریلی سیمان در خارج از نوب آهن تخلیه و معاطه شد. علت آشکار شدن سریع این دزدی بعلت کوچکی تشکیلات آن موقع و رقابت بین دسته بندیهای مختلف بود. البته مسئول این دزدی نه تنها مجازات و یا از تشکیلات نوب آهن اخراج نگردید بلکه این جریان برای وی حسن سابقه ای شده و مقام او در تشکیلات مالی نوب آهن ترفیع یافت و سمت نماینده کارخانه در کاربرد ازی مرکزی تعیین و مسئولیت خریدهای کارخانه را در تهران به عهده او گذارند. با ورود تجهیزات فنی کارخانه و مصالح ساختمانی نظیر آهن و تخته و تشکیل انبار تجهیزات و انبارشوری (۱) بریاست

این انبارها منصوب گردیده و همچنان در این سمت باقی است و در این

۱ - انبار تجهیزات، مخصوص انبار کردن ماشین آلات و تجهیزاتی است که پندریج میبایستی نصب و مونتاژ شود. انبارشوری مخصوص دریافت و انبار کردن آهن آلات مختلف و تخته روسی جهت ساختمان یا توسعه کارخانه است.

شغل ، بیهانه اینکه جرثقیلهای ساخت شوروی برای تخلیه و بارگیری سریع و تجهیزات کارخانه کافی و مناسب نیست تعدادی جرثقیل و تریلی از خارج کرایه نموده و با منظر نمودن ساعات کار اضافی بسرا^ی این دستگاهها مبلغ زیادی از صاحبان آنها رشوه و حق حساب دریافت میکنند (۱) . نامبرده که از مهندسين سابق وزارت اقتصاد و منصوبی سواد و مشغول به کار است ، علاوه بر ادامه دزدی بسورتهاي مختلف ، از نتایج مسئولیت جدیدش کافی است که بشرح این نکته بپردازیم که از ابزار و آچار و لوازم یدکی که با همراستمان یادستگاهی از شوروی به انبار کارخانه تحویل داده میشد بخیارت میرفت . اگر باخوش بینی قبول کنیم که شأن از دزدی ابزار و لوازم یدکی بالاتر است در این صورت دست بکم باید که این مسئله را ناشی از این عرضه گی و عدم لیاقت و صلاحیت وی بدانیم . از این دزدیها که بگذریم ارقام عده دزدی و سو^ی استفاده از طریق خریدهای سرسام آور کارخانه صورت می گیرد . مکانیسم نحوه سو^ی استفاده و دزدی در این خریدها که بر حسب مبلغ و میزان خرید یکی از این چهار طریق اداری بشرح زیر :
 استنخواه گردان ۲ - استعلام ۳ - کیسیون خرید ۴ - مناقصه صورت میگیرد ، مفصل و در بعضی موارد پیچیده است . البته نحوه دزدی و سو^ی استفاده در خریدهای نوب آهن غالباً از نوع همان دزدیها و زد و بند هادر سایر ادارات و موسسات دولتی است ، با این تفاوت که در مورد نوب آهن به علت تنوع اجناس و کالاهای مورد احتیاج ، حجم مصرف

بهمانکاری که جرثقیلهای این را با نیاز تجهیزات کرایه میدهد علاوه بر حقوق حسابهای که بالاتر میروم این رئیس انبار بقیه در صفحه بعد (

کل وگشادی تشکیلات وعدم صلاحیت مطلق مدیران ، يك طیف و مجمره کاملی از انواع دزدیها با ارقام زیاد بچشم میخورد .

۱ - تنخواه گردان - در مورد تنخواه گردان که برای خریدهای کثرترازه هزار تومان ضررت میگیرد مامور خرید از هر فروشنگاهی که پورسانت^۳ بیشتری با امید هد جنس را خریداری مینماید و فروشنده برای اینکه مبلغ پورسانت از حق و حسابی را که به مامور خرید داده است جبران نماید در فاکتور خرید قیمت را زیاد تر از قیمت حقیقی قید میکند یعنی کالا را به ^{نوب} آهن گرانتر از نرخ حقیقی میفروشد . اما چون جز تعداد قلیلی از فروشندگان وجود آنها حاضر باین نوع زد و بند هانیستند یا شهادت قبول مخاطرات بعدی آنرا ندارند لذا اکثرآ با مامورین خرید نوب آهن طرف معامله نمیشوند . از طرف دیگر چون نوب آهن باعث فساد و بوروکراسی اداری از یک طرف و خریدهای سرسام آور قادی به پرداخت بد هکاری خود بفروشنده^۴ در مرتبه مناسب نیست و فروشندگان ناچار هستند برای وصول پول خود مجدداً برشوه و یارتی بازی متوسل شوند ، لذا حتی عده ای از فروشندگان تیکه حاضر به زد و بند با مامورین خرید ادارات هستند از معامله با این سازمان دولتی پرهیز میکنند . از این جهت نوب آهن بدنام ترین موسسه دولتی در بازار تهران و اصفهان است .

۲ - استعمال - در مورد خرید اتلام از سه هزار تومان تا ۱۰ هزار تومان از استعمال استفاده میشود . یعنی تا نند تا باید از سه فروشنده ،

بتیبه یا ورثی از صفحه قبل - تجهیزات اینستد برای مابازی در میآورد که ناچاریم باین بابا عام یک چیزی بد همیم والا حد اقلش اینستکه با از جرئت قبل ایراد میگیرد یا بیاعت کابرجرئت قبل را کمتر گزارش میدهد

آرشبو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قیمت کالا را کجا بوجد آگانه تقاضا نمایند و هرکس ارزانتر را از او خرید کنند . اما ما موران خریدی که اهل دزدی و سو استفاده هستند باین نحو عمل میکنند ، ابتدا از دوفروشنده اصلی استعلام میکنند . بعد بسراغ سومین فروشنده که با آنها زد و بند دارند میروند و قیمت هائی که اند و فروشنده اول گرفته اند به او نشان میدهند (در صورتیکه طبق مقررات اداری این با استعلام ها باید از اطلاع هر یک از فروشنده ها مخفی بماند در نتیجه این فروشنده کمی از دوفروشنده اول ارزانتر قیمت میدهد و دست آخر برنده استعلام میشود . در مقابل باموز خرید یا مافوق اوحی و حساب رامیبرساند . بدتی است که فروشنندگان اسفهان و تهران باین کلک ما موران خرید زوب آهن بی برده اند و آنها اصلا قیمت نمیدهند و میگویند ما وسیله و آلت دزدی و سو استفاده عده دیگری نمیشویم ، شما از ما که نخواهید خرید دست از سر ما بردارید .

۳ - کمیسیون خرید - کمیسیون خرید ، برای میزان خرید از ۱۰ هزار تومان تا ۵۰ هزار تومان است . نحوه آن مثل استعلام است باین تفاوت که در مورد استعلام شخص کاربرد از یعنی ما مور خرید شخص برای خرید از کسی که قیمت کمتری میدهد تصمیم میگیرد . اما در مورد کمیسیون خرید قاعدتاً بر اساس قیمت های گرفته شده و مشخصات فنی اجناس پیشنهادی فروشنندگان و عده ای از کارمندان و روسای مالی وقتی تصمیم میگیرند ، در اینجا ترکیب کمیسیون طوری انتخاب میشود که نظر رئیس کمیسیون خرید با روسای بالاتر در مورد خرید از فروشنده معینی ناشی و تصویب گردد .

۴ - مناقصه - در مورد مناقصه که از طریق آگهی و اعلام شرایط خرید و

مشخصات فنی کالای مورد نظر صورت میگیرد باز از همان اول تا با آخر طوری اقدام میکنند که فروشنده معین یا فروشنده ای که حق حساب زیادت^ی میدهد برنده شود. مثلا مشخصات فنی را محوری مینویسند که با مشخصات فنی اجناس فروشنده مورد نظر تطبیق نماید. یا چندین بار کمیسیون^ت راهت^ا خیر میاند ازند یا شرایط مناقصه را عوض میکنند و یا اینکه رخصیه را کس^تت میدهند تا ضمانت نامه بانکی شرکت کنندگان که معمولاً مبالغ هنگفتی است بلا تکلیف بماند. در اینگونه موارد بسیاری از شرکت کنندگان برای آزاد کردن پول ضمانت نامه از خیر مناقصه میگردند و میدان را برای فروشنده^ه مورد نظر خالی میکنند.

از همه صیبت با تر اینکه بسیاری اوقات دستگاهها یا اجناسی که تقاضا میشود چندان مورد اجتناب نیست و صرفاً بعلت وند^ه حق حسابی که نمایندگی انحصاری آن کالا بیکی از روسای دینفون فنی یا اداری برآ^ی خرید آن داده است برای آن کالا تقاضای خرید میشود و چون روسای بالاتر آن دستگاهها و از نحوه " کیفیت امور فنی " کلاً بی اطلاع هستند لذا در مورد ضرورت یا عدم ضرورت و تعداد و میزان کالای درخواستی از هر گونه اظهار نظری عاجز بوده و با خرید آنها با فاصله موافقت مینمایند. کار شناسان روسی نیز بعلت اینکه هیچگونه اختیار و قدرتی ندارند در باره امور مالی و خرید از هر نوع اظهار نظر بر کار میباشند. بالنتیجه با وجود آنکه کلیه دستگاهها و ماشین آلات و ابزار لازم جهت دوره ساختمانی و بهره برداری کارخانه از طرف روسها در قرارداد^ا پیش بینی و از طرف آنها فرستاده شده است، ولی بقی گفته روسها در خود شوروی با همین ابزار و وسائل

کارخانه های ذوب آهن خودشان ساخته میشود و مسئولین امر دلیل
 سه استفاده و دزدی بهای ایزاروسائل قانع نیستند و با خرید ایزارو
 دستگاههای اضافی ذوب آهن را بصورت نمایشگاه ایزارو دستگاهها و
 ماشینهای کشورهای مختلف صنعتی اروپائی و آمریکائی و ژاپنی در
 آورده اند. تازه گفته میشود که روشها بطور استفاده اقتصادی دستگا
 ها و ایزارهای زیاد تر و مجهزتری از آنچه خودشان در ساختمان کارخانه های
 ذوب آهنشان بکار میبرند بایران صادر کرده اند.

در دوره ساختمانی در کارگاه ماشین جوش کاری روسی يك ماشین جوش
 آلمانی یا انگلیسی و در کارگاه ماشین راهسازی و ساختمانی يك ماشین و
 دستگاه مشابه آمریکائی و در کارگاه آچار ایزار روسی جعبه آچار و ایزار آلمانی و
 پنجم میخورد. در دوره بهره برداری در کارگاه ماشین آزمایش و تعیین
 درصد ترکیبات فولاد که ساخت شوروی است نظیر عمان ماشین یکی پیش
 رفته ترا با باقیمت سرسام آورتر ساخت سوئد خریداری شده و حال آنکه
 برای کارخانه فوق العاده کوچک ذوب آهن برای مردم محروم و
 گرسنه وطن ما عمان ماشین روسی از سرمان هم زیاد است (۱) اما.

۱ - کشورهای توسعه نیافته ای نظیر هند کارخانه ۳ میلیون تنی جدید
 خود را در "بوخارو" حتی بدون جرثقیلهای عظیم (وگران قیچی که رژیم
 ایران طبق قرارداد از روسها خریداری نموده) و تنها به نیروی انسانی و
 با استفاده از جرثقیلهای دستی قطعات کوره بلند را در ارتفاعات زیاد نصب
 و مونتاژ می نمایند و حال آنکه ذوب آهن ایران بصورت نمایشگاه ماشینهای
 سواری کشورهای مختلف درآمده و هرگز کوچکترین مسئولیتی دارد يك
 ماشین سواری باراننده و بنزین ذوب آهن در اختیار دارند روسای بالایک
 جیب آسوی آمریکائی یا لندروور انگلیسی و کارشناسان ارشد روسی و عده ای
 از روسای ایرانی ماشین آریای آمریکائی و روسای (بقیه در صفحه بعد)

در کار خرید بکراه دزدی و جهالت وجود دارد باین خرید ها اقدام
گفته است .

گفته که تاکنون گنیم در مرحله خرید اجناس است مرحله بعدی دزدی
بعد از خرید آغاز میشود . بنا به اطمینان مقامات کارخانه و مشاهدات مبنی مطبی
فوق کلمری ایزار و مسائل خریداری نوار کارخانه میشود و چند روز بعد دوباره
از طریق دزدیهای متعدد به بازار اصفهان بر میگرد و دوباره فروخته میشود .
و این جریان دزدی بعدی است که گفته میشود از آن موقع که ساختمان
نیوب آهن شروع شده ایزارات و مسائل فنی در بازار اصفهان فراوان
و ایزان شده است و در این میان سرقت آچار آلات و لوازم الکتریکی
گران قیمت از همه زیاد تر رایج تر بوده و هست . این دزدیها بوسیله
مستولیان که با اینگونه وسائل سروکار داشته و از طریق ساختن فرمالیته ها
در این انجام میکرد و دست آخر کارگرانی که از مشاهده این دزدی ها
و تبعیضات و حتی کمپادش خونی پیدا کرده گسترش میابد . برای نمونه
جوشکاری که بدون دستکش و عین بند و گکش اینی دست و لباس و گکش
بوسیله جرفه های شعله جوشکاری میسوزد و به تقاضاهایش در این مورد
توجهی اثر نمیدهند طبیعی است که برای تامین خسارت لباس و گکش هم
که شده چند صد از سهمهای جوشکاری گران قیمت را کس برود . پس
برنگاری که بدون دستکش و گکش اینی هر لحظه در معرض خطر برق گرفتگی

بقیه باورنی از صفحه قبل - پائین تر در حد سرپرستان کارگاه ها و قسمتها
و مسئولین جز حرکتی یک زبان فرانسوی باراننده و نیزین نیوب آهن در
اختیار دارند فقط تعداد اینها هم اکنون در حدود ۵۰۰ دستگاه است .

است ناچار میشود با کس رفتن وسائل برقی و فروش آنها خودش به تهیه
وسائل و ابزار ایمنی اش بپردازد .

در اینجا لازم است علاوه بر زدی های عمده یاد شده از طریق زد و بند
بایمانکاران، یادزد بهیاتی که در خرید لوازم و مصالح مورد نیاز کارخانه وجود
دارد با شکل دیگری از زدی و سو استفاده مسئولین اشاره کنیم :

در جریان دوره ساختمانی، عده ای از رؤسای قسمتها با استفاده از کارگر
نوب آهن و حتی ماشین جوشکاری نوب آهن در اصفهان برای خود
خانه ساختند و از زدی ای از این قبیل افراد برای بالا بردن حقوق کارگر
و استادکاران از آنها بطور نقدی یا بطور جنسی مثلا بازا، قالی های گران
قیمت پاروین حیوانی ازدهاتی بدبخت رشوه دریافت می کردند و
با برایش تخمیر شغل از کارگرساده بکارگرفتی تقاضا میکردند . بهر حال اینها
نمونه ای از زد و بها و سو استفاده هاست و اگر بزرگتره موارد عینی و عطی
بهر ازیم، پرونده سیاهکاری آنها هفتاد من کاغذ خواهد شد .

آریاشهر

نازل مسکونی کارکان نوب آهن در محلی واقع در ۴ کیلومتری کارخانه ساخته شده است. موقعیت این محل طوری است که بوسیله کوه کم ارتفاعی از کارخانه جدا می‌شود و همین وضعیت خاص موجب می‌گردد که گازها و بارهای کارخانه که حاوی متادیری گرد سنگ آهن و کک می‌باشد بوسیله بادهای محلی باین منطقه منتقل نگردد. البته در مقابل این امتیاز دارای یک نقص عمده است و آن اینکه بواسطه موقعیت جغرافیائی خاص شدیداً بارگیر بوده و علاوه بر آن از رودخانه زاینده رود و باغات اطراف دارای فاصله زیادی بوده و تمام اطراف آن راهبهايان خشك و کویرمانندی احاطه کرده است.

این شهر که در ابتدا با تله‌فونات زیاد بنام "شهر فولادسازان" و بعدها بنام "آریاشهر" نامگذاری گردید میبایست همچون یک شهر نمونه و مدرن آنهم در کنار کارخانه نوب آهن مورد بهره‌داری تبلیغاتی قرار گیرد. اما اکنون ظاهر و نمود خارجی این شهر و کیفیت داخلی منازل آن طوریست که حتی یک معمار یا بنای بساز و بفروشن اصفهانی به ترکیب زشت و نسل همگن آن در مقابل پودهای هنگفتی که صرف ساختمان های آن شده خنده تصخر آمیزی میکند.

عده ای تصور میکنند که طرح شهرسازی و منازل آریاشهر منظره‌ی طرح و ساختمان کارخانه نوب آهن بوسیله روسها تهیه شده است. در صورتیکه روسها در طرح شهرسازی و ساختمان منازل آن هیچگونه دخالت اساسی نداشته^{اند} باین معنی که در ابتدا چند طرح مختلف شهرسازی برای منازل مسکونی

کارکنان پیشنهاد ارائه نمودند اما بدلیل اختلاف شرایط جغرافیایی روسیه و ایران و همچنین به بهانه طرز زندگی خاص ایرانی که با اهالی روسیه اختلاف زیادی دارد مورد قبول اولیا امور قرار نگرفت و تصمیم گرفتند که با تغییراتی در طرح روسها، طرح جدید و ایرانیتر شده ای برای شهروندان مختلف آن ابداع و تهیه نمایند و بدینال آن انجام این کار مهم به چند آرشینکت نورچسکی و همسوار او واگذار کردید .

اکنون که متجاوز از عازار دستگاه از این منازل در واقع قسمت عمده شهر ساخته شده بوضوح میتوان ملاحظه نمود که نیت اصلی از ایرانیتره کردن طرح کوی زوب آهن در واقع به منظور رعایت جنبه های امنیتی و ایجاد کنترل بیشتر بر زندگی خصوصی کارکنان زوب آهن در ساعات غیر اداری صورت گرفته است .
اشکالات عمده این طرح :

- پیاده کردن و اجرای سیستم طبقاتی : باین معنی که علاوه بر جدا کردن منطقه مسکونی روسها از سایر قسمتهای ایرانی نشین و جدا کردن حساب و کتاب آنها از تپه ساکین کوی از قبیل رستوران سینما استخر سرویس رفت و آمد ... تازه قسمتهای ایرانی نشین را بچند منطقه جداگانه تقسیم کرده اند بطوریکه طرح و نوع منازل هر منطقه با منطقه دیگر کاملاً متضاد است . منطقه روسای طراز بالا حداقل چهار اطاقه با گنجایش زیاد و کلبه تسهیلات لازم بصورت ویلائی و یک طبقه ساخته شده و نام منازل B_1 و B_2 نامگذاری و تقسیم بندی شده است . منطقه مربوط به روسای پائین تر با حداقل دارای سه اطاق با گنجایش کافی و تسهیلات

لازم بود که طبقه ساخته شده شامل منازل تنها A۱ و A۲ بود که تازه نوع A۱ مربوط به وسای مسولین بالاترین نوع A۲ مخصوص مسولین پایین تر است. کوی A۳ که فاصله زیادی از منطقه قبلی قرار گرفته مربوط به کارمندان و مهندسانی است که دارای مسئولیت‌های مشابهی با این تری هستند. این منازل در طبقه ساخته شده و هر طبقه در واقع دارای روابطی است که با توجه به جایگاه این اطباء و سایر تسهیلات و تعلقات آن تنها برای سکونت یک خانواده دوسه نفری امکان پذیر است. از طریق تفکر و نقطه دید طراحان دست پرورده سیستم طبقاتی امریکا و اروپا چنین پیدا است که کارمندان درون پایه و کارکنان سطح پایین تر از حق داشتن تسهیلات زندگی و رفاه و آسایش‌های خانوادگی محروم خواهند بود. بهر حال این منازل را که تازه بابت اجاره آنها مبلغی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان ماهیانه باید پرداخت نمود به علت شرایط ناسازگار آن، بین ساکنین آنها جای کوی A۳ به طریقی آنها (آس و آسرها) معروف شده است برخلاف خانه های نوع A۱ و A۲ B۱ و B۲ که بین منازل فاصله کافی وجود دارد خانه های این منطقه خیلی نزدیک بهم و فشرده است.

در کار این کوی ساختمانهای دیگری در بلوک های چهار طبقه به شکل لانه زنبوری ساخته شده که مخصوص کارمندان منازل درون پایه و تکسین های مشابهی است که دارای سمت و مسئولیت اجرایی هستند این خانه ها کاملاً بدون در نظر گرفتن خصوصیات زندگی طبقات پائینتر ساخته شده. برای نمونه، مشخصه عمده ای که در خانواده های

طبقات پائین تر بیشتر چشم نخوردند داشتن تعداد زیاد بچه است . که در ساختمان این بناها برای این طبقه هیچگونه تسهیلاتی در نظر گرفته نشده و این خود موجب سلب آسایش و آرامش خانواده های ساکنین آن گردیده است .

فردگی کلی شهر:

برای اینکه سطح زیربنای شهرگسترش یابد انکند و کنترل بر محدود و ورود و خروج ساکنین و افراد از جنبه امنیتی امکان پذیر باشد کوشش بعمل آمده که بدون سرنگرفتن فضای حیاتی کافی چه از نظر فضای سبز، محل بازی اطفال ، مسائل بهداشتی ، مسائل اخلاقی و... منازل به فاصله خیلی نزدیک و فشرده بهم ساخته شود . علاوه بر این باز خاطر فردگی زیاد تر سایر مناطق مربوط به روسا و مسئولین ارزشمند سایر مناطق را در بلوکهای چهار طبقه بیشتر ساخته اند باین حد هم قناعت نکرده و در آن بهایان بهر صورت منازل مجردی کارکنان را در ۱۲ بلوک ۱۲ طبقه ساخته اند .

امروزه حتی در بایتهای کسورهای بیشترفته صنعتی که سطح شهر محدود و قیمت زمینها بالا مسئله مسکن شدید مطرح میباشد برای اینکه تمرکز جمعیت از حد معینی که لازمه مسائل بهداشتی و اخلاقی و آرامش محیط زندگی است کثره ساختمانهای مسکونی به طبقات زیاد ادامه میکند .

باین ترتیب آشکار است که ازنظام مسائل حیاتی و استانداردهای امری شهرسازی تنها خاطر مسئله امنیتی صرف نظر کرده اند و این نقطه نظر آنها بیشتر از اینجا آشکار میشود که منازل مجردی را که مورد استفاده کارکنان

جوان نوب آهن خواهد بود فشرده تر یعنی در ساختمانهای ۲ طبقه ساخته اند که با کنترل آنها با گذاردن یک دربان و تعداد معدودی انتظاماتی آسان تر و مطمئن تر باشد.

هم اکنون کمی نقاط این کوی بوسیله مامورین انتظاماتی، شبانه روز کنترل میشود. مطابق این اقدامات امنیتی از همان ایستگاه اتوبوسهای آریاشهر در اصفهان مامورین انتظاماتی افراد را از روی کارت شناسایی کنترل و در بعضی موارد قیافه های نا آشنا و مشکوک را با دقت بیشتری از نظر کارت شناسایی و وسائلی که همراه دارند کنترل مینمایند. در این میان ورودی بمنطقه آریاشهر یک پست کنترل انتظاماتی قرار دارد. ساختمان آریاشهر طوری است که هر منطقه دارای پارکینگ بوده و ساکنان منازل بجای پارک کردن اتومبیل در جلوی منازل باید در این پارکینگ های منطقه ای اتومبیل خود را پارک نمایند. در هر یک از این پارکینگ ها بازیک یاد و نفر مامور انتظاماتی گماشته شده تا نقل و انتقال وسائل ورود و خروج افراد را زیر نظر داشته باشند.

در فواصل منازل ساکنین، مامورین انتظاماتی شبانه روز در خانه ها مشغول قدم زدن و گشت میباشند و چنین بنظر میرسد که موظف استراق سمع صحبتها ساکنین یا صدای انواع رادیوی آنها (خصوصاً در مواقعی که برنامه های فارسی را میبشنود) را شنیده و ضبط مینماید. میباشند. جالب اینجاست که علیرغم این کنترلها تاکنون به تعدادی از منازل ساکنین آریاشهر منازل موقت ناحیه چمگردان (در کنار رودخانه زاینده رود و مجاور کارخانه) در شب و حتی روز روشن دستبرد زده شده و تمامی وسائل آنها به سرقت رفته است.

تسهيلات و خدمات شهری - کليه احتياجات عمومي ساکنين ، اعم
از زنانوانی ، فروشگاه موادغذائی (سوپرمارکت) ، قضای نفت
فروشی ، آرایشگاه... توسط معاون اموراداری بافراخاصی که
رشوه های کلانی بشخص ایشان پرداخته ودرسودخودوی راشریک
نموده اندواگذارشده است صاحبان این مغازه ها برای جبران رشوه های
کلانی که پرداخته اندبایست گرمی مقامات بالای ذوب آهن نرخهای
گزافی برای اجناس وخدمات خودتعیین کرده اندکه بانرخهای شهر
اصفهان تفاوت خیلی زیادی داردوباین وسیله ساکنین آرایشهر را
می چاپند .

برای سرگرم ساختن اهالی آرایشهررواحدهنازل موتسی ناحیه چمگردان
بابرنامه های مبتذل وخنثیرکننده تلویزیون ،ازمدتهاقبل به هزینه ذوب
آهن دستگاه تقویت کننده ای خریداری وآنتن های متعدد مربوط در
مسیراصفهان - کارخانه ذوب آهن ،برفرازکوچهانصب شده است .
ازوسایل سرگرم کننده ، دیگاری که برای اوقات تفریح ساکنین ترتیب
داده اندساختن دوسینمایکی درآرایشهرودیگری درواحداست که
چندان مورد استقبال اهالی قرارنگرفته واغلب بازارشان خیلی کماداست
وازسالن این سینماهابیشتربرای اجتماعات دستوری استفاده میشود .
خانم شیانی (شیانی رئیس کارخانه است) انجمنی بنام انجمن
بانوان آرایشهررواحده تشکیل داده وگاه وبیگاه بهناسبت جشنهای ضد
انقلابی وفرمایشی از زنان اهالی آرایشهررواحده برای شرکت دراین
مراسم یاجمع آوری کمک واغانه برای مواردخاصی دعوت مینماید ودرواقع
وی خودرادرمقام شهبانوی ذوب آهن احساس کرده واعمال وی با
آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

الهام و تقلید از اقدامات شهمنوی نیکوکاران ایران ! صورت میگیرد .
 در مقابل هزینه های گزافی که برای ساختن باشگاههای قایمترانی
 باشگاه سوارکاران ، گازینودرکارزاینده رود ، سینماواستخرعی
 مختلط صرف شده است ، این شهرنونه فاقد کتابخانه میباشد گویا
 از نظر طراحان شهروید ایران نوب آهن مطالعه کتاب جزو سرگرمیهای
 ساعات فراغت از کار نمیشاند . در آریاشهر نیز خوارگاهی برای نگهداری
 اطفال ساکنین درست شده اما بهایت نگهداری اطفال هر یک ساعت
 باید یک تومان پرداخت نمود . با این حساب چنانچه تکسینها یک
 کارندان دین پایه در ساعت کار روزانه نوب آهن بخواهند فرزندشان
 را به شیرخوارگاه بفرستند باید حداقل ده تومان یعنی حدود یک سوم
 دستمزد روزانه خود را بپردازند .

تاکنون دو مدرسه ابتدائی در آریاشهر ساخته شده که یکی مخصوص
 اطفال روسها و دیگری مخصوص بچه های ایرانی میباشد این دو مدرسه
 با آنکه دیوارهای بیواهم ساخته شده طوری از هم جدا شده اند که در
 ساعات تفریح هم اطفال روسی با اطفال ایرانی تماس نداشته
 باشند .

شهریه مدرسه ابتدائی و دوره راهنمایی تحصیلی از شهریه مدارس
 دولتی زیاد تر و در سالیان شهریه مدارس خصوصی میباشد .
 عطیات ساختمانی آریاشهر عموماً بوسیله شرکت های مقاطعه کاری انجام
 گرفته و مشابه کلیه کارهای پیمانکاری در ایران با قیمت های کلان
 و کیفیت خیلی بد و در هزینه های سرسام آور صورت گرفته است علاوه بر
 ساختمانها و تاسیساتی که ذکر شد لازم است ساختمان هتل ده طبقه
 آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آریا شهرنیز اشاره نمانیم . این هتل ده طبقه با ساختمانها و تاسیسات متعلق بآن دارای یک طرح اشرافی و هزینه سرسام آور است و برای اولین بار در اسفندماه سال ۵۱ برای پذیرائی از مأمورین نظامی و امنیتی که برای حفاظت جان شاه در مراسم افتتاح کارخانه آماده بودند افتتاح گردید هم اکنون به جز تعداد معدودی از اطاقهای آن که برای سکونت کارشناسان روسی اختصاص یافته قسمت عده آن برای سکونت مأمورین امنیتی که همراه شخصیتهای ملکی با هموطنان خارجی از تهران بکارخانه میآیند در نظر گرفته شده است .

تعمیم سیاست موازنه مثبت در صنعت نوب آهن

سیاست موازنه منفی در کمر صدق که مبتنی بر اساس کوتاه کردن دست همه بیگانگان از ایران بود با کودتای امریکائی ۲۸ مرداد که برای نابودی همین سیاست اعمال شد، جایش را با سیاست موازنه مثبت شاه / مزدور امریکادار. از آن پس با حفظ اصل تسلط برتر سیاسی و اقتصادی امریکا دست متحدان آن برخاسته گسترده کشور با بازگذاشته شد. متعاقب آن در سالحه جهانی و با بر قدرت، سهمی عم برای شوروی در نظر گرفته شد. چه اعطای این سهم کنترل شده، اجرای طرحهای امریکا را برای تعمیق تسلط خود در کشورها، که پنجاه شرطی حاکم روز در خطر بود تسهیل میکرد.

باین ترتیب قرارداد های چندی با شوروی امضاء شد. مهمترین آنها عبارتند از: قرارداد ناسیس نوب آهن بود که البته در این قرارداد اذیت گاز و در از عدالت، بضرر مردم فقیر و منفع شوروی تعیین گردید. با همه اینها اکثر طرح ناسیس نوب آهن بدرستی و بموقع پیاده میشد میتوانست از یک طرف افکار عمومی مردم را بشوروی متوجه کند و از طرف دیگر با گسترش حد نهائی تولید به ۱ میلیون تن، خود بخود بازار داخلی را بر روی کشورها مسلط ببندد. باز شدن پای روسها در ایران، در عین حالیکه موافق با بدنامی سیاست مورد نظر آمریکا است، میگرد، نمی باید منجر به مخاطرات آتی باشد. لذا از یک طرف انواع وسیله های مزدوران داخلی مانع از پیاده شدن بموقع طرح گردید و از طرف دیگر عدم توافق شوروی برای مغایله با پای پای و جلوی گسترش کارخانه را بسوی تولید حد اکثر گرفت (۱).

در این هنگام ناراضی شوروی از رژیم ایران بخوبی (بقیه در صفحه بعد)

بملاوه برای اینکه سیاست موازنه مثبت ، چه در داخل و چه در خارج طرح بسود بپیکانگان غربی حفظ شود اقداماتی بشرح زیر بعمل آمد .

۱- اعتبار تاسیس کارخانه نورد ورق بظرفیت یک میلیون تن در سال به سه سرمایه گذاران انگلیسی واگذار گردید . این کارخانه که برای تولید ورق آهن در جوار کارخانه فعلی تاسیس خواهد شد دارای ظرفیت ۰۰۰۰۰ تن در سال است .
۲- در حدود ۳۰۰۰ تن ورق آهن کسور در سال ۰۰۰۰۰ خواهد بود (مصرف داخلی ورق آهن در سال ۰۰۰۰۰ به میزان ۸۰۰۰۰ هزار تن در سال بوده است) .

۳- طرح مدونیزه کردن انبارهای ذوب آهن بکارشناسان و مشاورین فرانسوی واگذار گردید . این طرح به وسیله ۲ نفر مهندس و تکنسین فرانسوی - ۲ نفر مهندس و ۵ نفر تکنسین - صورت میگیرد . شرکت ملی ذوب آهن برای انجام این طرح مبلغ گزافی معادل ۲۰ میلیون تومان پرداخت میکند . علاوه بر این تسهیلات مالی و حسابداری ذوب آهن بر اساس سیستمهای فرانسوی و کمک کارشناسان آنها تفسیر و اصلاح خواهد شد . برای این کار تعدادی از کارمندان مالی و اداری ذوب آهن برای گذراندن دوره کارآموزی بفرانسه اعزام شدند .

بقیه پاروقی از صفحه قبل - بچشم میخورد و سردی روابط طرفین بخوبی مشهود بود بطوریکه افتتاح کارخانه ذوب آهن مدتها بعلمت خودداری رهبران طراز اول شوروی نظیر برژنئف یا پادگورنی بمسافرت با ایران و عمرانی با شاه در افتتاح کارخانه بعقب افتاد . تا اینکه سرانجام در رژیم بحضور کامیون که در سطح نخست وزیری است حاضر شد . از مدت ها قبل از آن در کارخانه گفتگوهای درباره ترک ناکهانی کارشناسان روس شنیده میشد .

شبکه مخابراتی کلیه واحدهای ذوب آهن پایک پیکر با اداره مرکزی درنهران از آلمان غربی خریداری گردید. علاوه بر این با وجود آنکه از طرف روسهایک مرکز تلفن ۱۰۰۰ شماره ای در رخد نماز کارخانه، طبق قرارداد تحویل و نصب شده بود، مراکز تلفن دیگری از جمله یک مرکز ۱۰۰ شماره ای برای کارخانه و برای سایر واحدهای تابعه ذوب آهن از آلمان غربی خریداری شد.

اگر کارشناسان آمریکائی هنوز مستقیماً در کار روسها در کارخانه ذوب آهن قرار نگرفته اند، جای تعجب نیست زیرا اولاً سهم خود را از بودجه کلان ذوب آهن از طریق دریافت کرایه های گرافمانینهای حساب آی . بی . ام . که برای انجام هر کار جزئی بکار گرفته شده اند میبرند، ثانیا میدان فعالیت وسیعتری در این زمینه برای خود تدار دیده اند. صنعت ذوب آهن رشته ای نبود که بتوان آنرا سرمایه گذاری دولتی در ایران واگذار کرد. مسافرت های افرادی نظیر گلد و وایز دید از کارخانه ذوب آهن و اظهار تمایل سرمایه گذاری سرمایه گذاران آمریکائی در این رشته این واقعیت را نشان میداد. تا سر انجام با خبر تأسیس کارخانه ذوب آهن گازی در اصفهان در با شرکت سرمایه گذاران آمریکائی برده ها بالا رفت.

هزینه کارخانه نوب آهن

گشاد بازیها، ولخرجیها و خسار دستگاه اداری نوب آهن منجر به بالا رفتن هزینه سرسام آور نوب آهن گردید. غیر منطبق بودن هزینه محاسباتی بود که رژیم بناچار تاکنون از دادن هرگونه ارقام رسمی درباره هزینه نوب آهن در مرحله اول خودداری کرده است. اما هزینه این مرحله با توجه به آنچه که جسته و گریخته از طرف مقامات بالاتر در زکریا و رفسی در حدود بیست میلیارد تومان است. آنچه که در افواه درباره هزینه مرحله اول بیشتر شایع است، حداقل رقم ۱۰ میلیارد تومان است. مابرای بدست آوردن نزدیکترین رقم واقعی هزینه مرحله اول، با استفاده از آمار و ارقامی که جسته و گریخته بوسیله روزنامه ها منتشر شده و با اراضی موشی بدست آمده، و نیز با مبنی قرارداد ۱۰ میلیارد تومان بعنوان حداقل و بیست میلیارد تومان بعنوان حداکثر هزینه پایه محاسبه ساده بررسی آن میسر ازیم.

الف - هزینه خرید تجهیزات و مصالح کارخانه ازشوری

طبق قرارداد ایران و شوروی، ایران درازا " خرید تجهیزات کارخانه ازشوری تضمین شده برای مدت ۱۰ سال گاز شوروی صادر نماید طبق بودجه سال ۱۳۵۳ درآمد دولت از فروش گاز ۴۵۰ میلیون تومان بوده است. با توجه به اینکه در حجم گاز صادراتی افزایش داده نشده است (۱) بنابراین بر مبنای درآمد دولت از فروش گاز در طول ده سال،

هزینه تجهیزاتی که از شوروی خریداری شده است بقرار زیر می‌آید .

$$\text{ریال } 45,000,000,000 = (10 \times 5,000,000,000)$$

البته در طول این چند سال ، دستگامها و لوازم یدکی اضافی که در قرارداد پیش بینی نشده بود از شوروی وارد شده همچنین مصالح اضافی دیگری نظیر آهن آلات و تخته (که به علت سوء استفاده پیمانکاران و مسئولین مقدار زیادی کسری پیدا نمود) دوباره از طرف دولت شوروی تامین گردید . هزینه این اقلام بارز خارجی بدولت شوروی پرداخت گردید . ما چون اطلاع دقیقی از ارقام این هزینه ها نداریم از آنها در محاسبه صرف نظر می‌کنیم .

ب - پرداخت های سازمان برنامه بدوب آهن

طبق اطلاعات موشق ، از شروع عطیات ساختنانی دوب آهن در سال ۴۶ تا اول سال ۵۰ سازمان برنامه مبلغی در حدود پنجاه و پنج میلیارد ریال برای تامین هزینه های جاری و پرسنلی بدوب آهن پرداخته است .

ج - هزینه سال ۵۱

باتوجه باوجه کارهای ساختنانی در سال ۵۱ یعنی سال تکمیل و آماده ساختن کوره بلند - کارخانه کک سازی - آگومراسیون جهت بهره برداری و مراسم گشایش رسمی کارخانه در اسفند ۵۱ و همچنین اوج کارهای ساختنانی کارخانه نورد و کارخانه فولاد سازی میتوان گفت این سال پیر هزینه ترین سالها بوده است و از آنجا که بارقام هزینه های پیش بینی شده

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ذوب آهن در بودجه سال ۵۱ دسترسى نبود (در صورت دسترسى تازه این بودجه بنا بر واقعیت خیلی فاصله دارند خصوصاً در مورد این قبیل پروژه ها که نه اداره کنندگان کلرونه بودجه نویسان هیچکدام شعور و آگاهی بکیفیت و کمیت کار و هزینه آن ندارند و همیشه بودجه را از روی بودجه سال قبل با چند درصد اضافه مینویسند) لذا بناچار منظره یافتن کمترین هزینه مربوط به سال ۵۱ از رقم بودجه سال ۵۳ استفاده می‌گیم. البته در اینجادر چارک خطای نقصانی زیادى خواهیم شد زیرا بودجه سال ۵۳ را بر این اساس نوشته اند که کارخانه مرحله ساختمانى راپشت سرگداشته و در دوره بهره بردارى قاعده تا هزینه‌ای ندارد و باید خرج خود را تا همین نماید و لذا برائى از بودجه ۵۱ کتراضت ولى مع الوصف ما بودجه سال ۵۱ را با اندازه بودجه سال ۵۳ یعنی ۱۱۲۰۰ میلیون ریال در نظر میگیریم. در اواخر سال ۵۱ احتیاجات مالی ذوب آهن آنچنان بالا رفت که در مقابل امتناع یابى پولی سازمان برنامه ناچار مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان از بانک مرکزی وام گرفت باین امید که بعداً از محل درآمد کارخانه در دوره بهره بردارى پرداخت نماید. بنابراین با اضافه کردن این مبلغ به مبلغ یاد شده در بالا رقم زیر بدست میآید

بودجه سال ۵۱ بر مبنای بودجه سال ۵۳	۱۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰
وام از بانک مرکزی	۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
جمعاً به ریال	<u>۱۳,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰</u>

در سال ۵۲ عطیات ساختمانی مرحله اول بازهم ادامه داشت و کارهای ساختمانی مربوط به کارخانه دولومیت و آهک و کارخانه قطعات پیش ساخته و ساختمان انبار محصولات کارخانه و انبار تجهیزات در دست اجرا بود. با وجود اخراج تعداد زیادی از کارگران، اما چون دستمزدها آنها در مقابل سایر هزینه های نوب آهن رقم ناچیزی را تشکیل میدهد در میزان هزینه کمی تاثیر چندانی بوجود نیامد بطوریکه دست آخر از بودجه پیش بینی شده هم بمقدار زیادی تجاوز نمود. از این رو بسیاری از خریدها را به علت نبودن اعتبار به حساب بودجه و اعتبارات مرحله توسعه کارخانه گذاشتند.

در این سال به علت تمام شدن بودجه و نبودن اعتبار، اضافه کار کارگرانی که در نوب آهن غنوز مشغول بودند جز در مورد ۵۰٪ بسیار قطعی حذف گردید. اضافه کار تکسین ها و مهندسی و کارمندان نیز بمقدار ناچیزی تقلیل یافت. اما با افزایش اهل حقوق مهندسی و کارمندان فنی و اداری عالی رتبه و مسئولین کل و جزء، تقلیل اضافه کار آنها را اجبران نمودند بطوریکه دریافتی آنها از مجموع حقوق و مزایای اولیه شان بمراتب زیادتر شد.

بنابراین بودجه پیش بینی شده سال ۵۲ قبل از وقت با تمام رسید و مقدار زیادی هم بآن اضافه کردند. لذا اگر بودجه سال ۵۲ را حداقل باندازه بودجه سال ۵۳ بگیریم و از مقدار بیهنگفتی که بآن در جریان سال اضافه شد صرف نظر کنیم با رقم فوق رقم ۱۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ بابت هزینه

سال ۵۲ اضافه میشود. حال باجمع این هزینه های حداقل و صرف نظر از هزینه های که از رقم دقیق آنهایی الحلاعم و همچنین باصرفه نظر از رزدها و هزینه های جاری برای دست خواهیم یافت که ما را در کشور حداقل هزینه ای که در ساختمان زوب آهن به مشارفته باری خواهد نمود:

درآمد گاز در طول ۱۰ سال که برای خرید تجهیزات بشوری پرداخت شده

است ۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

کک سازمان برنامه از سال ۶۱ تا ۵۰ بدوب آهن ۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بودجه سال ۵۱ (برمبنای بودجه سال ۵۳) ۱۵۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
بانک مرکزی

بودجه سال ۵۲ (برمبنای بودجه سال ۵۳) ۱۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

۱۲۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

جمع برهال

اکنون با توجه به رقم حداقل فوق میتوانیم در مورد آنچه که درباره هزینه کارخانه بسته و گریخته شنیده میشود قضاوت نمائیم: بر اساس رقم فوقی ملاحظه میشود که خط اکثریت از جواهرات از آنجا که در زمان زوب آهن و هزینه حقیقی برقم ۲۰ ظاهر شده همان نزدیک تریچه بسا از آنهم زیاد تر باشد و دست بهمین دلیل است که در مورد ارتقا هزینه زوب آهن با نهایت کوشش و شدت باید ایزده پلشی میشود. چه لازم است که خود سند قاطعی بر فساد و ضعف رژیم در کوچکترین پروژه عمرانی و صنعتی و کوس رسوائی وی خواهد بود.

حال برای اینکه تصویری از هزینه سرسام آور زوب آهن و شدت فساد

سازمانهای رژیم بدست آیریم بدنیت هزینه و ظرفیت کارخانه نوب آهن راه‌آهن هزینه و ظرفیت ساختمان یک کارخانه نوب آهن در یک کشور در حال توسعه با شرایط نسبتاً مشابه با ایران مقایسه کنیم. بر این اساس کارخانه نوب آهن حلوان در مصر را که در زمان ناصر

وسیله شروع به‌ساخته شده است و از لحاظ نوع دستگاهها و کشور سازنده و همچنین مسائل و مشکلات از جنبه عقب ماندگی و عدم دسترسی به کار فنی ویژه و از این قبیل، تا حدودی یکسان با شرایط ما است به‌عنوان مبنای مقایسه انتخاب میکنیم.

کارخانه نوب آهن حلوان که در حدود ۱۰۰ کیلومتری قاهره ساخته شده دارای ظرفیتی معادل $1/5$ میلیون تن فولاد در سال بوده و کلاً ۱ میلیارد دلار هزینه برداشته است. کارخانه نوب آهن آریا صهر با ظرفیتی معادل $1/6$ میلیون تن حداقل ۱۳ میلیارد تومان و به‌عبارت دیگر حداقل ۲ میلیارد دلار تمام شده است. به‌عبارت دیگر کارخانه نوب آهن ایران که $2/5$ مرتبه از کارخانه نوب آهن حلوان کوچکتر است حداقل ۲ برابر آن خرج برداشته است یعنی در واقع نوب آهن ایران ۵ برابر نوب آهن حلوان گرانتر تمام شده است.

در جواب این سؤال که چرا به‌تشیاب و یکسانی تقریبی شرایط دو کشور که در آن طرح نوب آهن پیاده شده این قدر در عمل اختلاف فاحش هزینه بوجود آمده است، باید گفت که باتمام تشابه شرایط اقتصادی و صنعتی، تشابه اختلاف خیلی برجسته بین صحنه‌ها و ایران آریا صهر وجود دارد و آن اختلاف ماهیت حکومت ناصر و رژیم شاه است. با وجود

آنکه رژیم ناصراز خصوصیات يك حكومت انقلابی برخوردار نبود اما در نقش يك تحكومت ملی و مستقل طبرقم نقاط ضعف و مشکلات اجتناب ناپذیر اجتماعی و اقتصادی در مقام مقایسه با رژیمهای گسست نشانده ای نظیر ایران، از کارائی و توانائی فوق العاده زیادی برای انجام برنامه های عمرانی و صنعتی برخوردار بود. رژیمهای دست نشانده مزدور وابسته به بیگانه و فاسد هرگز قادر بر اصلاحات و اقدامات رفهمستی حكومتهاى ملی نخواهند بود (۱). پروژه های صنعتی اینگونه رژیمها برای این بچیداً میآید که درهای چپاول و فارت گری را برای بیگانگان و فساد و زدی را

۱ - حكومت خلق چین که از نظر میزان تولید آهن و فولاد در زمان تاسیس حكومت انقلابی تقریباً صفر بود در ظرف کمتر از ۲ سال طی رفم عقب ماندگیهای اجتماعی و فرهنگى و صنعتی و نیز با ظرفیت کارشکنی روسها از ادامه همکاری صنعتی و فنى با آنها موفق گردید در پایان دهه ۷۰ میزان تولید فولاد خود را برده میلیون تن برساند. قرار است در ظرف ده سال آینده میزان تولید فولاد را به ۴۰ میلیون تن برسانند که در صورت موفقیت به بزرگترین رقم سرعت پیشرفت صنایع آهن و فولاد در دنیا دست خواهند یافت.

حكومت انقلابی خلق ویتنام (شمالی) در زیر به سازندهای هوایشی شدید آمریکا ساختمان دوب آهن ۴۵۰ هزار تنی خود را در سالهای اخیر به پایان رساند. جالب اینکه طبرقم عقب افتادگیهای صنعتی، کارخانه ای را که از شورویها خریدارک نموده اند خودشان نصب کردند و بسیاری از قسمتهایش را در داخل شخصاً تهیه نمودند.

برای مردوران داخلی آنها باز کند تا با اینها فرست دهد چون زالوخون
 پنجاهمکند و در غارتگری و جیالول بر قایت بیردازند . در ایران این امر
 تاکنون نه تنها در هر دو بوب آهن بلکه در باره همه پروژه های کوچکتری
 نظیر تهرونی شاهرود که با قرار خود شاه هزینه آن سه برابر آنچه
 قبل از پیش بینی شده بود زیاد تر گردید (تجربه شده است . منبسی
 در مورد بوب آهن بعلمت بزرگترین کاری عرضه کی و فساد اداره کنندگان
 بیشتر جلوه کرد و در نتیجه رکورد های جدیدتری در فساد و غارت و
 جیالول گری بهت المال بدست آمد .

مالی که نباید به پیشین سازمان برنامه دستور داده بود که هر چه پول
 برای سازمان بوب آهن و اتمام آن لازم است در اختیار مسئولین
 آن قرار دهند . اما در سالهای اخیر آنچنان هزینه بالا رفته بود که اصولاً
 تصور هر را نیز کرد و مسئولین سازمان برنامه موافقت شاه را برای افعال
 کنترل و پانزسی در مورد چگونگی اینگونه هزینه ها جلب نمودند و چندین بار
 ضمیمه بان سازمان برنامه برای کنترل و نظارت در مورد مخارج بکارخانه
 آمدند . حتی برای گاستن شدت سو استفاده بناچار شخصی را که
 تاکنون سابقه امانت داری و یاکی در امور مالی و در دستگاهاهی دولتی
 داشت بمقام معاونت مالی کارخانه تعیین کردند اما اینگونه افراد به
 شرط پاک بودن اساساً چه تاثری میتوانند داشته باشند آیا میتوانند از
 تصویب مخارج مثلا جشنهای ۲۵۰۰ ساله که بوب آهن یک ظم دو
 طمون تومان فقط برای تزئین میدان دروازه عموز اصفهان (که اخیراً
 بنام میدان دکتر اقبال نامگذاری شده است) و ایجاد دستگاہ

نورپردازی صرف نمود، خودداری نمایند؟ آیا میتوانند جلوی مخارج سرسام آورد دیگری را که بنام همین جشن پرداخت کارخانه و سایر میدانیهای اصفهان بهینمارفت بگیرند؟ آیا میتوانند در مقابل پیشنهادات نطق گویان و چاکران، از صرف بودجه های هنگفت در عظیم جلوه دادن مراسم و تشریفات افتتاح کارخانه خودداری کنند؟ از ساختن جایگاه آئینه کاری شده سلطنتی، جایگاه آئینه کاری شده مهبانان، ساختن صندوقهای مرصع سلطنتی، از خرید سرویسهای پذیرائی سلطنتی و... جلوگیری کنند؟ البته هرگز. تنها کاری که میتوانند انجام دهند اینست که اعضای شان را در پای این چپاولگری مسا بگذارند. و آنها را تائید کنند و در حفاظ محرم در ردل کنند که مجبور بوده اند.

آنچه تاکنون گفته شد بیشتر در مورد وضعیت و هزینه های دوره ساختمان سازی بود. اما مسئله ای که اکنون مطرح است اینست که آیا با این هزینه سنگین محصولات این کارخانه قادر بر رفع احتیاجات کشور میباشند یا نه و آیا این کارخانه میتواند هزینه سنگین تمام شده را با سود و بهره دهی خود جبران نماید؟ اکنون مختصراً بررسی جواب این سئوالات میردازیم.

مقرن با جشن اولین سالگرد بهره برداری از نوب آهن، اسفند ماه ۵۲ روزنامه های رژیم نوشتند: «اسال نوب آهن در شرایطی جشن خود را برپا میدارد که ۲۰۰۰ تن محصولات کارخانه به بازار عرضه شده است» چند روز قبل از این تاریخ، روزنامه اطلاعات (۱) ضمن درج خبر ملاقات و

گه وشکایت تجار آهن بازرگانی مدبرعامل نوب آهن چنین نوشت:

" با اینکه مدبرعامل نوب آهن از کمیزان آهن آلات تولید و انبار شده خودداری نمود اما از لحاظ و فحوی کلام ایشان چنین استنباط شد که نوب آهن تاکنون ۱۰۵,۰۰۰ تن آهن تولید و انبار کرده است. ضمناً یکی از نارضایتی تجار آهن این بود که نوب آهن از اعلام میزان تولید و موجودی انبارهای خود امتناع و خودداری مینماید. همین امر تجار و مصرف را نسبت به نمان کسب و آهن مصرفی کشور خارج دچار شک نموده است. ارقام فوق نشان میدهد که در سال ۵۲ که کارخانه تماماً مشغول بهره برداری بوده از ۶۰۰,۰۰۰ تن ظرفیت ۱۰۵,۰۰۰ تن محصول یعنی $\frac{1}{6}$ ظرفیت خود تولید نموده است. با اطلاعی که گردانندگان اصلی کارخانه از عدم لیاقت و شایستگی خود دارند بخوبی میدانند که تولید کارخانه هیچگاه بمیزان ظرفیت حقیقی خود نخواهد رسید. لذا با خودداری از کمیزان تولید میکنند از رسوائی بیشتر خود در افکار مردم جلوگیری کنند. ضمناً برای اینکه بی نظمی در تولیدات کارخانه بلافاصله و مستقیماً در بازار آهن و انظار مردم اثر نگذارد تصمیم گرفتند بمقدار نسبتاً زیاد و کافی از تولیدات در کارخانه ذخیره کنند و خرید و خریداران بی بازار را در نمایند تا اگر روزی بحالت عدم لیاقت مسئولین یا خشم کارگران، کارخانه نوب آهن

خواهد تأثیرش بدی در بازار و افکار عمومی نگذارد و بتوانند از محل موجودی انبارتدریجاً با احتیاجات بازار را مرتفع نمایند. روزنامه اطلاعات (۱۹ اسفند ۵۲) از قول وزارت اقتصاد گزارش میدهد که صرفی فولاد را (۱۹ اسفند ۵۲) بیش از ۲ میلیون تن بوده است. کارخانه نوب آهن در

سال ۵۲ فقط ۱۰۵۰۰۰ تن تولید کرده است و بنا بر ادعای مدیر عامل در سال ۵۳ میزان تولید کارخانه به ۲۰۰۰۰ تن خواهد رسید. گو اینکه با وضعیت و شرایط موجود کارگاههای نورد فولادسازی به هیچوجه قادر نخواهند بود به بیش از نصف میزان مورد ادعا تولید نمایند و میزان مصرف آهن آلات ساختمانی با توجه به رشد مصرف در سالهای اخیر از ۲/۵ میلیون تن هم تجاوز خواهد کرد طی بامینا قرارداد ان ارقام مورد ادعای مسئولین امروزه نامهای رژیم بوضوح در میابیم که میزان محصولات نوب آهن ۱/ احتیاجات داخلی است. تازه این احتیاجات تنها در مورد آهن آلات ساختمانی است و از میزان آهن و فولادی که هر سال بصورت ماشین آلات و دستگاههای قابل ساخت در ایران وارد میشود صرف نظر کرده ایم (۱). باید بآنهائی که تصور میکردند با داشتن نوب آهن همه چیز در ایران خواهد ساخت و بار دیگر خاطر نشان ساخت که این آرزوی طی مانند تمام آرزوهای مردمی و انسانی دیگر خلق مانند درک و انقلاب است.

۱ - شایان توجه است که در مورد کارخانه نورد اهواز که منافع آن مستقیماً بحیب سرمایه داران خارجی (امریکائی و آلمانی) و سرمایه داران داخلی (دربار و وابستگان بدربار) مریز و طرفیت ۱۵۰ هزار تن اولیه در ظرف کمتر از سه سال قریب به یک میلیون تن افزایش یافته است. ضنا اداره کنندگان کارخانه نورد اهواز شدیداً مخالف کارخانه نوب آهن آریا مهر بوده و هیچگونه همکاری و رابطه ای بین آنها وجود ندارد و مقابل تقاضای سرکارشناسان شوروی بپایزید از کارخانه نورد اهواز قاطعانه جواب منفی داده اند.

در جواب این سؤال که آیا این کارخانه سودآور است یا مثل سایر موسسات
و کارخانجات رژیم ضرر خواهد داد باید بارقام داده شده زیر از طرف مسئولین
امور توجه کرد: بنا بر رقم ۱۱۲۰۰ میلیون ریال که در بودجه سال ۵۳
برای نوب آهن منظور شده و باستاندار رقم درآمد ۹۴۶۵ میلیون ریالی
که مدیرعامل نوب آهن بر اساس تولید حد اکثر برای سال ۵۳ ادعا
نموده است، از هم اکنون ضرری معادل ۱۷۳۵ میلیون ریال برای
کارخانه در سال ۵۳ پیش بینی شده است. از آنجا که همیشه میزان
هزینه در سطح از بودجه پیش بینی شده به مراتب زیاد تر است و درآمد مورد ادعای
مدیرعامل بر اساس تولید حد اکثر (۵۰ هزار تن فولاد و ۱۵۰ هزار تن
چدن) غیر عملی است و حتی تا چند سال دیگر هم قادر به تولید حد اکثر
نمیباشند لذا میزان ضرر عملاً از مقدار فوق خیلی زیاد تر خواهد بود.

گذشته از این، زیان دیگری که نوب آهن با وضعیت و شرایط فعلی
برای اقتصاد عمومی دارد تورم زیاد پرسنل آنست که تعداد زیادی از
آنها با توصیه و سفارش ررشوه یا وابستگیهای هزار قلمی گردهم آمده اند.
بدون شک چپاول گریها و گشاده بازیها و ولخرجیهای گزاف مسئولین امر،
نوب آهن را همچنان بصورت کانون تورمی حفظ خواهد کرد. دلیل
واضح و ساده این امر اینست که نوب آهن کمونی در حکم یک واحد
اقتصادی است که کم تولید میکند و زیاد خرج و مصرف مینماید. اگر عامل
اول، کمی تولید را بتوان با بالا بردن ظرفیت و میزان تولید برطرف کرد
عالم دوم، تورم پرسنل اضافی را که خود ناشی از ماهیت فاسد
رژیم حاکم است نه تنها نمیتوان کاهش داد بلکه روز بروز میزان آن افزوده

خواهد شد و همانطوریکه گفته شد نوب آهن مثل هر مؤسسه اقتصادی دیگر رژیم و خوان بهما برای سرمایه داران بیگانه و نوریسمیهای هزار فامیل داخلی و وسیله راضی کردن قشر تحصیل کرده و دانشنانه دیده است و آنچه در این میان مورد نظر نیست بی نیاز کردن کشاورز و رود محصولات و فرآورده های آهنی و بازدهی اقتصادی کارخانه است .

چه انتظار بیشتری از این کارخانه میتوان داشت در حالیکه مدیرعاملش پسر حبیب اله خان کودتاجی ، معاون مدیرعاملش آقای نجم پسر نجم الطک خائن (۱) و اداره کنندگان اموزشی اش امثال موسی نسل آمریکائی ، کارخانه اش روسی ، انبارها و امور مالی اش فرانسوی ، ماشینهای حسایش آمریکائی و کارخانه نوردهش انگلیسی است .

۱ - پس از اعلام خود مختاری آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲۴ و خودداری شوروی از تخلیه مناطق اشغالی خود در ایران ، وزیر امور خارجه متفقین در مسکو کنفرانسی برای حل این مشکل تشکیل دادند . او نست بهین ، وزیر امور خارجه انگلستان ، طرحی بکنفرانس تقدیم کرد که با اجرای آن بقول خود او مسئله ایران و مناطق هم پیمانانش برای همیشه حل میشد . مطابق این طرح ایران به قسمتهای مختلفی بر حسب طبیعتها ، زبان و مذهب تجزیه میشد و هر قسمت از آنرا یکی از سه کشور آمریکا ، انگلستان و شوروی تحت نفوذ میگرداند . در این هنگام کابینه ابراهیم حکیم (حکیم الطک) برای آماده کردن زمینه قبول طرح روی کار آمده بود . نجم الطک ، به عنوان وزیر امور خارجه آخرین قدرت خود را برای اجرای این خیانت بکار برد . اگر نفوذ و پیداری دکتر صدقی نی بود این سر سپردگان ایران را بنا بودی میکشاندند .

مقدمه تاریخ گزارش زمستان سال ۱۳۴۸

گزارش زیر نتیجه یک تحقیق عمولانه و تقریباً سطحی است. زیرا فرصت و امکانات کافی برای تهیه گزارش جامع تری در دست نبوده است. معذالک ناآنگاه که مقهور بوده سعی شده است تا مطالب لازم و کلی در گزارش آورده شود. از خوانندگان می‌خواهیم که با استفاده از منابع دیگر، نظیر نشریات رسمی وزارت اصلاحات ارضی و وزارت تعاون و امور روستاها و آمارها و ارقامی که در روزنامه‌ها انتشار می‌یابد و تناقضاتی که از لابلای این آمار عایدست می‌آید به آگاهی خود در زمینه این نوع شرکتها بیفزایند تا بهتر بتوانند بکه و واقعیت این سیاست جدید ضد انگیزه امروز ایرانجامی و ضد خلقی بی‌بهرند.

تاریخچه شرکت

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در تاریخ ۱/۱/۴۶ لایحه قانونی تشکیل شرکتهای سهامی زراعی را تنظیم و برای بررسی و تصویب تقدیم مجلس شورایی نمود. این قانون پس از تصویب مجلسین در تاریخ ۱۹ بهمن ماه ۴۶ بمنظور اجرا به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ابلاغ گردید و متعاقباً اساسنامه قانونی شرکتهای سهامی زراعی نیز در تاریخ ۳۰ اسفند ماه ۴۶ مورد تصویب هیئت دولت قرار گرفت و جهت

اجرا بوزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی ابلاغ گردید .
 هدف از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی

هدف عمده از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی عبارتست از فراهم نمودن

موجبات افزایش درآمد سرانه کشاورزان بوسیله اقدامات زیر:

۱ - فراهم کردن امکانات همه جانبه برای بکار بردن ماشین آلات

کشاورزی در امر تولید محصولات کشاورزی .

۲ - آشنا ساختن زارعین با اصول و شیوه های جدید کشاورزی .

۳ - استفاده از حد اکثر نیروی انسانی موجود در روستاها در قطبهای

کشاورزی و صنعتی ملکت .

۴ - افزایش میزان سطح زیر کشت کسور با استفاده از اراضی بایر و مراتع

و صلوب المنفعه .

۵ - جلوگیری از خورد شدن زمین بقطعات کوچک غیر اقتصادی در اثر

تقسیم زمینهایس از اصلاحات ارضی و همچنین پس از فوت زارعین .

وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی در اجرای این قانون و اساساً

مصوب آن و برای تحقق بخشیدن به هدفهای مورد نظر از تشکیل شرکتهای

سهامی زراعی، اولین شرکت سهامی زراعی ایران را در منطقه شمس آباد

فارس و نزدیک تخت جمشید در تاریخ ۲۲/۲/۲۷ تشکیل داد و شرکت مزبور

را بنام شرکت سهامی زراعی آریامهر نامگذاری نمود .

وضع جمعیت در منطقه

۱۵۰ خانوار در منطقه ای که شرکت سهامی در آن ایجاد شد زندگی میگردند .

۱ شمس آباد شامل قسره شمس آباد - علی آباد و مزرعه شرف آباد میباشد .

جمعیت کی آنہاد محدود ۸۶۲ نفر بود (۴۲۷ نفر مرد و ۴۳۵ نفر زن) .
 از این ۱۵۰ خانوار ۸۰ خانوار صاحب نسلی بودند که پس از اصلاحات ارضی
 صاحب زمین شدند . و ۷۰ خانوار بقیه خیرین نشین هستند . شرکت
 سهامی زلزلی آریامهر دارای ۸۰ نفر سهامدار است که از همان زمان
 که پس از اصلاحات ارضی با آنها زمین رسیده تشکیل یافته است .

شهر آریامهر

شرکت در منطقه عطیات خود دست با ایجاد تعدادی ساختمان زد و
 عطیات ساختمانی آنرا در تاریخ ۲۰/۶/۴۷ شروع کرد . این ساختمانی
 عبارتند از:

- ۱ - ۸۰ دستگاه خانه مسکونی برای سکونت سهامداران .
- ۲ - ۲ دستگاه مدرسه .
- ۳ - دو دستگاه حمام .
- ۴ - یک درمانگاه .
- ۵ - یک مسجد .
- ۶ - یک خانه فرهنگ روستائی و مهد کودک .
- ۷ - چهار دستگاه خانه مسکونی جهت سکونت کارمندان مسئول وزارت
 اصلاحات ارضی و تعاون روستائی .
- ۸ - دفتر کار هیئت مدیره شرکت .
- ۹ - خانه جهت سکونت سهامیان ترویج وآبادانی .
- ۱۰ - کارگاه صنایع دستی .
- ۱۱ - اصطبل

۱۲ - تعمیرگاه .

۱۳ - انبار برای نگهداری محصولات کشاورزی شرکت .

ساخت زمینهای زیرینا ۹۰۰۰ متر است و ساختمانها تماما بوسیله ساختنهای شهری و با بلوکهای سیمانی ساخته شده است . این ساختمانها شهر آریانه را بوجود آورده .

بودجه این ساختمانها

اعتبار ساختمانهای ردیف ۱ تا ۶ از محل اعتبارات واگذاری وزارت آبادی و مسکن و اعتبارات ساختمانهای ردیف ۷ تا ۱۲ با اضافه اعتبارات مورد نیاز برای ساختمانهای شبکه آبرسانی و محوطه سازی و تامین برق مورد نیاز که بالغ بر ۱۱,۹۶۷,۰۰۰ ریال است از محل اعتبارات تشکیل شرکتیهای سهامی زراعی، وسیله وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی تامین گردیده است . تا پایان دهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ یعنی در حدود یک سال پس از تشکیل شرکت حدود ۶ ماه پس از آغاز عملیات ساختمانی در حدود ۱۶/۲۱۰/۸۱۸ ریال اعتبار بصورت کمک بلاعوض دریافت کرده است. این اعتبار بصرفهای زیر رسیده است :

۱ - هزینه های ساختمانی

۲ - حفر چاه عمیق

۳ - خرید وسائط نقلیه

۴ - مزایای کارکنان شرکت

و خرید ماشینهای کشاورزی نیز :

۱ - الکترومپ . دستگاه

- ۱ - تراکتور ۵ دستگاه
- ۲ - گاواهن (۳میش) ۳ دستگاه
- ۳ - بسک (۲۴-۲۸-۳۶میره) ۳ دستگاه
- ۴ - ماله ۱ دستگاه
- ۵ - مژکس ۱ دستگاه
- ۶ - نهرکس ۱ دستگاه
- ۷ - شریلر و چرخ ۱ دستگاه
- ۸ - سماش الیتری ۵ دستگاه
- ۹ - جیب و اجاز ۲ دستگاه
- ۱۰ - کامیون بنز ۱ دستگاه
- ۱۱ - سبدریات ۱ دستگاه
- ۱۲ - کمپاین ۱ دستگاه
- ۱۳ - کولتیواتور (۱) ۱ دستگاه
- ۱۴ - موتورسیکلت ۱ دستگاه

علاوه بر این شرکت وامی به مبلغ ۰۰۳/۱۱۹/۱ ریال بدت ۵ سال و با بهره ۴٪ از وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی به منظور کتت محصول و پرداخت کسری بهاء ماشین آلات دریافت کرد.

۱۸ نفر کارمند دولتی در شرکت به شرح زیر مشغول کار هستند:

مدیر عامل (مهندس کشاورزی) ۱ نفر
 کارشناس دامپروری ۱ نفر

۱ - کولتیواتور دستگاهی است برای کندن ظرفهای هرزه و وقتی که محصول در زمین است و بیشتر برای محصول چغندر و آماش آن بکار میرود.

ارتیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طیفه کارکن

۲ نفر	کارشناس کشاورزی
۲ نفر	حسابدار
۸ نفر	سپاهیان ترویج وآبادانی
۴ نفر	کارشناس رشته های مختلف کشاورزی

جمع ۱۸ نفر

حقوق این افراد بجز سپاهیان ترویج وآبادانی از طرف سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی پرداخت میشود.

هیئت مدیره شرکت سهامی زراعی آریامهر شامل افراد زیر است.

۱ - مدیر عامل یکفرومهندس کشاورزی

۲ - افسر سپاهی ترویج

۳ - معلم سپاهی دانش یا مدیر مدرسه

۴ - چهار نفر از خود روستائیان. این چهار نفر در روستائیان سهامداران سازمان تعاون انتخاب میکنند. هیئت مدیره هر یک از زده روز یکبار جلسه دارد.

وضع زمینهای زراعتی حوزه عمل شرکت:

۱۵/۵۵۷۰ هکتار

• ۱/۰۳۸۴

• ۱۰/۳۸۴۰

• ۲۷۴/۹۹۸۳

• ۱۳۷۰/۸۹۴۳

۱۷۶۰/۸۷۴۰ هکتار

اراضی قراء وآبادیهای داخل محدوده

اراضی باغات

اراضی تپه ماهور

اراضی باير

اراضی مزروعی

جمع کل مساحت اراضی حوزه عمل شرکت

وضع زراعت حوزه عمل شرکت قبل و بعد از تشکیل شرکت :

سطح زیرکشت قبل از تشکیل شرکت بعد از تشکیل شرکت (سال تراز ۴۸-۴۷)

گندم (زراعت آبی)	۱۲۰ هکتار	۴۰۰ هکتار
جو (زراعت سیم)	۱۰۰	۵۰
چغندر رقد	۸۰	۱۰۰
خشخاش	—	۲۰
یونجه	—	۱۰
باغ سیوه	—	۰
پارک جنگلی	—	۰
جمع	۳۰۰ هکتار	۶۴۰ هکتار

وضع کشت در سالهای ۴۸ و ۴۹

سطح زیرکشت	هکتار
گندم و جو	۵۰۰
چغندر رقد	۱۰۰
خشخاش	۲۰
یونجه	۱۰
آزمایش دانه های روغنی	۱
باغ سیوه	۰
پارک جنگلی	۰
جمع	

شرکت دارای ۲۳۰ راس گوسفند میباشد .

این بودمختصری از وضع ظاهری شرکت سهامی زراعی آریامهر . اکنون
بشرح تفصیل وضع آن می پردازیم .

آنچه که در همین درباره " هدف از تشکیل شرکتهای سهامی زراعی " آمد
چنینست که رژیم ادعای آباد اردوئی حقیقت چیز دیگری است .

هدفهای واقعی رژیم از ایجاد اینگونه شرکتهای مخصوصاً اولین آنها یعنی
شرکت سهامی زراعی آریامهر ترازیراست :

۱- تعدیل شکست برنامه اصلاحات ارضی (رجوع شود به کتاب روستا و انقلاب سفید)

باموضوع گیری جدید برای کنترل دهات .

۲- یک عمل ضد انگیزه ای از نظر داخلی و ایجاد یک نمایشگاه بین الطلی
در جوار آثار روستائی تخت جمشید .

۳- یک اقدام جدید در زمینه تبلیغات بین الطلی برای رژیم و وجود آوردن
الگوئی برای کشورهای عقب مانده .

شهر آریامهر

گفته شد که یکی از هدفهای رژیم برای ایجاد اینگونه شرکتهای جنبه تبلیغاتی
و نمایشی آنست . باین خاطر بود که سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستا
دست بایجاد یک شهر نمونه روستائی زد زیرا اگر شرکت سهامی در خود قره
نصص آباد در رجوارخانه های گی ایجاد شده بود دیگر خاصیت نمایشی خود
را از دست میدهد و رژیم نمیتوانست از آن استفاده کند و بکار نخست وزیر ^{نست} نمیتوانست

آنرا افتتاح کند . رئیس دانشگاه هاروارد و رئیس نمایندگان شگانه‌های بین‌المللی و
 امثال اینها را برای بازدید به آنجا برد و آقای مهندس سربانی رئیس مجلس شورای
 ملی از بدین آن احساس غروری آنچنان دست‌نمیدارد . ایجاد شرکت در این
 منطقه کاملاً حساب شده بود . شهر آریامهر با تخت جمشید دو کیلومتر فاصله دارد
 و سادگی میشود میهمانان خارجی که برای بازدید به تخت جمشید می‌آیند سرفی هم
 شرکت سهامی زرعی آریامهر بزنند و از نتیجه اقدامات انقلابی روستایی بدین
 کنند . همچنین بازدید از آن برای توریستهای خارجی بسیار گرانگین امکان پذیر
 نکه در یکساله جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در تخت جمشید برگزار
 میشود و در این نزدیکی شرکت سهامی با محل برگزاری جشن استفاده کرده
 و میهمانان را برای بازدید به آنجا خواهد برد (۱) .

باین دلایل و با توجه به سه هدف کلی بالا درزم از ایجاد اینگونه شرکتها
 میباشد هرچه بهتر و بیشتر بظواهر آنها بپردازد و دست هرنگار و روشنگری زند
 این کاریست که انجام شده :

۱ - خانه مسکونی برای سکونت سهامداران این خانه ها با بلوکهای سیمانی
 و سبک خانه های شهری ساخته شده است . هر يك از این خانه ها
 دارای ۲ اتاق نشیمن در حدود ۳×۴ م یک انباری ، يك دوش آب سرد
 و يك آشپزخانه با ظرفشویی فلزی است . علاوه بر این هر خانه چه اگانه
 دارای يك توالت و يك دستشویی چینی است . ساختمانها نقاشی شده و
 دارای آب لوله کشی و برقی میباشد .

۱ - این گزارش قبل از تشکیل جشنهای ۲۵۰۰ ساله تهیه شده است .

خوب توجه کنید، درون آب سرد، ظرفشویی قلی، روشویی چینی برای يك خانوار روستائی در ایران در این شرایط جزئیات و روشنگاری و فریب چه چیز دیگری است؟ این خانه ها مخصوصاً در خانوار روستائیان است که پس از تقسیم زمینها صاحب زمین شده اند و سها داران شرکت را تشکیل میدهند. پس از ایجاد خانه ها روستائیان باین طریقی که نمیتوانستند گوسفند و مرغ و خروس خود را به خانهای جدید بیاورند از آمدن بخانه های جدید امتناع میکردند ولی به هر طریق شده، به آنها پدید یا تشویق بخانه های جدید آورده شدند. آب کوزه گسی چون بوسیله شرکت انجام شده، مجاناً در اختیار روستائیان گذارده شد؛ بوی هم تاکنون مجانی بوده و از این به بعد قرار است برای آنها کتور نصب کنند و از روی کتور (طبق نرخ شهرداری در شهرها) از آنها پول دریافت نکنند. برای اینکه روستائیان رصیده نشوند این اقدامات به مرور انجام میگردد و اقتصاد صرف که راه خود را در زندگی آنها باز نموده افزایش میدهد.

۲ - درمانگاه - درمانگاه آریامهر که در شهر آریامهر واقع شده دارای يك اتاق معاینه با يك تخت - يك داروخانه - يك اتاق جهت بیماران و يك دستگاه آمبولانس میباشد. اطای بیماران دارای ۴ تخت با يك پنجاه، يك دستگاه اکسیژن و يك صندوقی چرخدار میباشد.

بهر خانوار سها دار برای حق بیمه ماهیانه ۳۰ ریال میپردازد. معاینه و دوا برای سها داران و خانواده آنها مجانی است. مرضهای سرطانی را آنجا معالجه میکنند و گسائیکه احتیاج به بستری شدن دارند به بیمارستان سعدی شیراز منتقل میشوند و با اینوضع معلوم نیست که این چهار تخت برای چیست و بود استفاذه آنها چه میباشد جز اینکه آنها را ببارزید کنندگان نشان دهند.

زیرا معمولاً در آن نقل می‌باشد. در مدت شانزده روز در مانگاه ۲۲۵ مریض سر پائی داشته است.

۳ - خانه فرهنگ روستائی و مهد کودک - مدف از ایجاد خانه فرهنگ روستائی در دهات به ادعای رژیم عبارتست از: بالا بردن سطح فکر روستائیان و پرورش استعداد های هنری و ورزشی و ایجاد حس همگاری و تعاون در روستائیان.

خانه فرهنگ روستائی شرکت سهامی زراعی آریامهر شامل قسمتهای زیر است:

الف - کتابخانه - کتابخانه فرهنگ روستائی شرکت سهامی زراعی آریامهر دارای هفتصد جلد کتاب می‌باشد، و حدود ۲۰۰ جلد از کتابهای انشیرات اصلاحی ارضی و تعاون روستائی تشکیل میدهد که در رأس آنها کتاب انقلاب سفید، شخصیت جهانی شاهنشاه ایران و اصلاحات ارضی قرار دارد. بقیه کتابها عبارتند از: راهنما فروری، دیوان حافظ، سعدی، امیر ارسلان نادر و موقداری از کتابهای جیبی باد استانبول مسخره. در این کتابخانه یک میز مطالعه و چند صندوقی قرار دارد. از ترکیب کتابها که بگوریم در حدود ۸۰٪ آنها راحتگی روستائیان نمیتوانند بفهمند.

ب - تالار سخنرانی که دارای یک تریبون، ۵۰ صندوقی و یک دستگاه تلویزیون است که البته هیچ فرستنده ای را نمیگیرد.

ج - مهد کودک - اطافی است برای بازی بچه های روستائیان.

برای رسیدن به هدفهای خانه فرهنگ روستائی ۸ کمیته تشکیل شده که عبارتند از: کمیته تربیت بدنی، کمیته امور اجتماعی و نمایشگاهها و جشنها، کمیته عضویت و امور مالی، کمیته فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و صنایع دستی، کمیته باشگاه رادیویی و سه کمیته دیگر از این نوع. هر کمیته هر یک از ده روز یکمرتبه

کمیته فرهنگی روستاییان . این کمیته ها به هیئت مدیره شرکت
سپاسگزاران آریامهر . آریامهر از طرف هیئت مدیره تصویب شده
است. این اطلاعیه در روزنامه های مختلف به منظور اجرای آن هستند

باشگاه رادیکال ۱۰ نفره در اردک هفته ای دو جلسه برنامه در همان
روزها (رادیکال) گون می دهند . سپس درباره این برنامه بحث میشود
و نتیجه بحث را به اداره ک انتشارات رادیکال میفرستند تا از نظر آنها برنامه
در همان آزاد انتشار شود. کمیته همام بکارهایی این چنین می پردازند .
امضای خانه فرهنگ روستایی این شرکت در حدود ۱۴۰ نفرند که عبارتند از
سپاسگزاران همه های آنها که بهترازه ۱ سال داشته باشند مخصوص
بابت حق عضویت همراه باید . رویا بپردازد .

برای مخارج خانه فرهنگ روستایی از حق عضویت افراد عضو کتی که سازمان
خانه های فرهنگ روستایی میکند استفاده میشود . مخارج خانه فرهنگ
روستایی عبارتست از برگزاری جشنهایی مثل ششم بهمن ، تاجگذاری و
استال آن و خرید وسایل ورزشی واحد ۱۰ جواتر .

فقط اعضای شرکت سهامی زرعی آریامهر که عضو خانه فرهنگ روستایی باشند
حق استفاده از کتاب و ادوات و طی افسر سهامی ترویج که متعلق به خانه فرهنگ
روستایی آریامهرها می باشد مجازند کتابها و وسایلی که یکسال از
تاسیس خانه فرهنگ روستایی در این شرکت میگذرد ۲۷۰ نفر از کتابها استفاده
کرده اند و طبق مقررات دفتر کتابخانه کتابهایی که در این مدت مورد استفاده
اهالی قرار گرفته بهترین عبارتند از شاهنامه فردوسی ، دیوان حافظ ، سعدی ،
امیرارسلان نادار ، انقلاب سفید ، منتخب سخنان شاهنشاه . مسئول خانه

آرشبو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

فرهنگ روستائی که یکفرانسسپاهی ترویج بود در جواب اینکه آیا دولت بهد آنها که از تشکیل این خانه های فرهنگ روستائی داشته رسیده است یا خیر؟ گفت: "مکن است دولت بهد نهای خود رسیده باشد ولی من بشخصه بآن انتظاراتی که داشتم نرسیدم و طت عده آنهام بینوادی است و در تائید حرف خود اضافه کرد: "مثلا در این کمیته هائی که تشکیل شد وظیفه هر فرد مشخص است و بارها برای آنها توضیح داده شده است حال اگر از یکفرسئوال کم که وظیفه و کار تو چیست نمیداند."

بهترین نمونه کفد بازی و سمل کاری و کارهای اداری و تشریفاتی در این خانه فرهنگ مشاهده میگردد. هر کمیته يك دفتر دارد و علاوه بر اینها چند دفتر دیگر وجود دارد که متدی آن و افسر سپاهی است. بطور حلاصه کار روزانه این افسرنوشتن است بطوریکه خودش میگفت مقداری از این کارها زائد است. مشاهده میکنم که این کارها جز ظاهر سازی و عوام فریبی چیز دیگری نیست. فرد روستائی را چکاره کمیته بازی. اوصق دارد که وظیفه خود را در این کمیته هانداند - اونان میخواهند نه چیز دیگری.

۴ - کارگاه صنایع دستی: در این کارگاه که از دو اطاق تشکیل شده ۱۰ دستگاه دارقالی بافی بساحت ۲×۲ متر قرار دارند پشت هر دستگاه قالی بافی ۳ تا ۴ دختر جوان که سنشان بین ۸ تا ۱۷ ساله است کار میکنند. جالب است که طبق دستور شاهنشاه آریامهر دختران ۸ تا ۱۲ ساله حق قالی بافی ندارند، اما ریم نتوانسته از نگار گرفتن آنها حتی در این نمایشگاه هم خودداری نماید. این کارگران جوان همه دارای یکموج لباس و یکموج روسری هستند. کارگاه قالی بافی زیر نظارت شرکت سهامی فرش اداره میشود و یکفرسئول از طرف

آن شرکت بکار دختران نظارت میکند و دختران را تعلیم میدهند و نقتنه قالی‌ها هم از طرف شرکت سهامی فروش در اختیار آنها گذاشته میشود. بهترین کار این خانم معلم ۵۰ ساله که شگوار بیاد اردوکی هم توالث کرده این است که در مورد کارگاه‌ها بیازاید کندگان توضیح بدهد.

مزد دختران بر حسب مقدار کاری که انجام دهند پرداخت میشود. باین ترتیب که درازا هر ردیف (۳ پاراه) که قالی ببافند ۶/۵ تا ۸ ریال دریافت میدارند. مزد هشت ریال مربوط به یکموج قالی مرغوب تر است. هر سه نفر دختر یکروز بین بیست تا بیست و دو ردیف میبافند که مزد هر سه نفر آنهارو هم ۱۴۳ ریال و یا بهترنفر در روز ۶/۷ ریال میرسد و کاملاً واضح است که چگونه است شمارش میدهد در این کارگاه رایج است. حتی در بعضی از کارگاهها ۴ نفر دختر در روز ۲۲ ردیف میبافند.

این سیستم کاری یعنی مزد برای هر ردیف بافته شده، این حسن را برای کار فرما دارد که کار فرما دیگر در این فکرنیست که کارگر در کار کردن سهل انگاری کند زیرا هر دقیقه وقت تلف کردن باعث میشود که کمتر بافته و در نتیجه مزد کمتری دریافت دارد.

در این حالت کارگر سعی میکند هر چه بیشتر کار کند و کار را سریعتر انجام دهد و این امر باعث مهارت کارگر میشود و این مهارت در کار بیشتر از آنچه برای خود کار نفع داشته باشد به نفع کار فرماست و کارگر را مستشار بیشتر میکند. زیرا کار فرما از این مهارت کارگر در استفاده میکند. یکی اینکه کارگر میتواند قالی مرغوبتری را با همان مزد سابق (هر ردیف ۶/۵ تا ۸ ریال) ببافد و ثانیاً بر اثر مهارت کارگر تولید کارگاه بیشتر میشود که در هر دو صورت سود سرشاری را نصیب

کارفرما میکند .

در سال گذشته این دختران هر سه تا چهار نفر روزانه ۱۰ ریف میافتند یعنی مزد روزانه آنها در حدود ۲۰ ریال بوده است که روزانه اگر بیشتر از ده ساعت نباشد کمترین است . ولی اصلاً بین ۲۰ تا ۲۲ ریف رسیده است . قالیچه‌هایی که سال گذشته بوسیله این دختران تهیه شده بود بوسیله شرکت سهامی زراعی آریامهر در بازار تخته ای ۳۰۰ تومان فروخته شده در حالیکه شرکت سهامی زراعی برای تهیه یک تخته قالی بدختران ۱۴۹۵ تومان بیشتر مزنده داده بود :

پس از آنکه فرهنگ‌یافته شد از آن شرکت سهامی زراعی آریامهر است که در وهله اول خریداران شرکت سهامی فرش است . اگر این شرکت قیمت خوب پیشنهاد کرد ، شرکت سهامی زراعی فرش‌ها را با میفروشد و گرنه آنها را در بازار آزاد بفروشد . اکنون که تاحدی به خصوصیات شهر آریامهر وارد شدیم باین مسئله می پردازیم که چه الزامی داشت که در ابتدای کار ، شرکت مبلغ ۱۶/۲۷۵/۸۱۸ ریال خرج کارهای ساختمانی و غیر ضروری کند در حالیکه صرف این هزینه هیچ اثری در وضع اقتصادی روستائیان سهامدار نداشته است ؟ آیا نمیشد مقداری از این بودجه که در اینراه صرف شده ، بصرف کار تولیدی در منطقه شرکت برسد و مقداری از آنهم اختصاص بدعوات دیگرباید و امروزه وضع اقتصادی کشاورزان خوب میشود و قوه خرید آنها بالا بیرون برای آنها خانه ساخته شود .

جواب این سئوال و سئوالاتی امثال اینها باید در هدفهای رژیم از تشکیل این گونه شرکتهای پیدا کرد .

وضع سهام و سهامداران شرکت

کلبه زارعین یعنی ۸۰ خانوار از آنجا که دارای زمین بوده اند زمینهای خود را به شرکت واگذار کرده اند. البته باید توجه داشت که آن زمینهای مزروعی شرکت ۱۳۷۰ هکتار است که به هر خانوار در حدود ۱۷ هکتار زمین میرسد و اگر کسی مساحت زمینهای مزروعی، باغ، باغچه و تپه ماهورها را حساب کنیم بهر نفر بیش از ۲۰ هکتار میرسد که با توجه به تراکم نیروی کار بر روی زمینهای قابل کشت در ایران، خیلی نادر است که به یک خانوار از ارض پراکنده زمینها در حدود ۱۸ هکتار زمین مزروعی برسد. البته زارعین هیچگونه سندی در دست ندارند و اصلاً آنها صاحب زمین نیستند بلکه صاحب سهم شرکت میباشند و احیاناً اگر یکی از زارعین فوت کرده باشد و ورثه از سهم شرکت میسر نماند از زمین. هر نفر سهامدار در اول کار ۵ تومان به عنوان سهامدار شرکت پرداخته است. شرکت دارای ۲۰۰۰ سهم است که هر سهم ۱۰۰۰ ریال ارزش دارد. هر نفر زارع دارای ۲۵ سهم میباشد و کلبه سهامداران در این شرکت بمقدار مساوی سهم دارند از این نظر شرکت سهامی زراعی آریامهر نمونه است زیرا در دیگر شرکتهای سهامداران دارای سهامی مساوی نیستند. تا بحال سهام، خرید و فروش نشده ولی امکان چنین عملی در آینده زیاد است. نکته ای که در اینجا قابل تذکر است این است که افراد خوش نشین هیچ رابطه ای با شرکت ندارند و کسانی هستند که طرد شده اند. با توجه به اینکه زارعین از ده خارج شده و به خانهای جدید شرکت رفته اند و مسلمانان وضع اقتصادی خوش نشینها اثرات سوئی داشته

زیرا که شغل اغلب خوش نشینها دشت‌بانی ، چوپانی ، پله روی یا مغازه داری است و پس از اینکه بیش از نیمی از ساکنان ده از آنجا رفتند خوش نشینها مقداری از مشربیهای خود و تعدادی از کسانیکه با آنها کار برچوب می‌کردند از دست دادند . لازم به یادآوری است که در هیچیک از موارد انقلاب سفید ، برنامه های اصلاحی روستاها ، هیچ فکری برای این قشر بزرگ از روستائیان نشده و سرنوشت آنها مبهم است .

طریقه کار شرکت

شرکت در زمینهایی که در اختیار دارد گشت میکند و البته همانطور که ملاحظه گردید این گشت با وسائل مکانیزه انجام میشود و قول خودشان شرکت لول مکانیزه میباشد . ظاهر درآمدت سال ، سهامداران میتوانند برای شرکت کار کنند و روزانه مزد دریافت دارند (مزد آنها بسته به نوع کار ۹-۸ تومان است) و برای کارهای دیگری بروند . در هر صورت شرکت پس از برداشت محصول ، هزینه های تولیدی را کم میکند و آنچه باقی ماند (سود خالص) بین سهامداران بنسبت مساوی تقسیم مینماید .

وضع شرکت در اولین سال تاسیس

در سال زراعی ۴۸-۴۷ که اولین سال زراعت شرکت در آن منطقه بود شرکت از ۱۳۷۰ هکتار زمین قابل گشت فقط توانست ۶۴۰ هکتار آنرا زیر گشت محصولات زیرگیرد :

گندم آبی ۴۰۰ هکتار

جو (۳۵۰) ۵۰ هکتار

چغندر رقد	۱۵۰ هكتار
خشخاش	۲۵ "
پونجه	۱۰ "
باغ میوه	۵ "
پارك جنگلی	۵ "
جمع	۲۴۵ هكتار

بوداشت محصول عمده شرکت یعنی گندم و چغندر رقد بقرازی برود :

بوداشت گندم ۱۵۰۰ کیلوگرم در هکتار

بوداشت چغندر ۳۳ تن در هکتار

مهندس راهنما اظهار نظر می‌کند که کشت در سطح بزرگ موجب شده است که میزان تولید در سطح هکتار یابن آید و میگفت که اگر در سطح کوچک می بود بهره وری از زمین بیشتر می‌شد . جای تعجب نیست اگر یک جا طاعت اصلی تاسیس چنین شرکتها را این میدانند . تناقض گوئی بزمها میت رژیم است .

پس از برداشت محصول و کسر هزینه ها و پرداخت بهره و قسط و اقسامی کم شرکت از سازمان اصلاحات ارضی گرفته بود در آمد شرکت (سود خالص) در سال ۴۸-۴۷ بالغ بر ۵,۶۰۰,۰۰۰ ریال شد ، که بهر خانوار از سهامداران ۷۰۰۰ تومان رسید .

چگونگی شرکت زارعین در تولید

چون کشاورزی در شرکت بطور مکانیزه انجام میشود در نتیجه به تعداد بسیاری کارکنان احتیاج دارد . مثلا برای کشت گندم در شرکت از هنگام آماده کردن زمین تا برداشت آن فقط به چهارویک یاد و روز چند کارگر ارشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

برای کودکان احتیاج هست . شخم زمین ، مریزندی ، ایجاد شبکه آبیاری ، پاشیدن بذور و رو کردن محصول تماماً با ماشین انجام میشود . در مورد چخند رقت ماشین حتی بدون اینکه آسیبی بچخندرها وارد کند علفهای هرز را از زمین در میآورد . و احتیاجی جز به راننده نیست . بنابراین باید بجای هدف شماره ۳ رژیم از تشکیل شرکتهای سهامی زوئی " حد اکثر استفاده از نیروی انسانی موجود در روستاها . قطبهای کشاورزی و صنعتی ملکت " . واقعیتی که رژیم بوجود آورده است یعنی " حداقل استفاده از نیروی انسانی موجود در روستاها و قطبهای کشاورزی و حد اکثر استفاده از ماشینهای ساخت غرب و بیکار کردن نیروی های انسانی را گذاشت . مشاهده میکنیم که رژیم نه تنها نتوانسته است از نیروی انسانی روستائیان که در مورد استفاده کندی بیکاری با نقصان دهد بلکه بر اثر بکار بردن وسایل کامل مکانیزه ، بیکاری را افزایش داده است . در حالیکه قطبهای صنعتی ما قادر بر جذب این نیروهای بلا استفاده نیستند . البته کسی نمیتواند منکر مفید بودن کشت با وسایل مکانیزه باشد ولی در این ^{سطح} ترا که اکثر روستائیان ایران در چار بیکاری فصلی و کم کاری هستند بجای استفاده از نیروی این روستائیان و استفاده کردن از ماشین آلات کشاورزی باین وسعت نه تنها با آنها خدمت نمیکند بلکه اقتصاد کشاورزی را هر چه بیشتر وابسته مینماید . استفاده از این ماشین آلات هنگامی مفید است که کسانی که در اثر این عمل بیکار میشوند امکان اشتغال کارهای تولیدی دیگر برایشان موجود باشد . و تا نیاماشین آلات در خود کشور ساخته شده باشد . در موارد معدودی که شرکت بکارگر احتیاج دارد از زارعین سهامداری استفاده میکند که مورد نظر شرکت هستند . در این مورد نظر تبعیضاتی بیشتر بکار میسرند .

مثلا به یکفروشنده سرآبیار برای تمام سال مزد میدهد و صورتیکه این
فروشنده کار را انجام نمیدهد، اما احتیالاتی از اعضای هیئت مدیره
است.

درآمد زارعین در سال ۴۸-۴۷

اگر متوسط طول زمانی را که زارعین عضو شرکت میتوانند برای شرکت در کار
تولیدی بکار گرفته شوند ۶۰ روز فرض کنیم (که این حد اکثر زمانی
است که ممکن است برای زارعین کار وجود داشته باشد) مزد هر زارع در
ازای کار برای این مدت ۴۸۰ تومان میشود. این مبلغ را ۵۰۰ تومان
فرض میکنیم. حال اگر سود ویژه همان سال را با این مبلغ اضافه کنیم
سهام هر زارع بطور متوسط ۷۵۰۰ تومان میشود.

درآمد شرکت در سال زراعی ۴۸-۴۷ (این درآمد تا جایی که آمار
در دست است حساب میشود) بشرح زیر بود:

گفته شد که شرکت از هر هکتار زمین ۱۵۰۰ کیلوگرم برداشت میکند. گ
سطح کنت زیرگندم ۴۰۰ هکتار بود اگر قیمت گندم ۷ ریال در نظر بگیریم (م)

$$\text{ریال قیمت گندم } ۴۰۰ \times ۷ = ۲۸۰۰۰۰$$

برداشت چغندر قد ۳۳ تن در هکتار بوده و ۱۵۰۰ هکتار هم زیرگندم و

شرکت چغندر در سال ۴۸-۴۷ تنی ۱۱۸ تومان بکارخانه قدمروست

فروخته است.

$$\text{ریال قیمت چغندر } ۱۱۸ \times ۱۹۵ = ۲۳۰۱۰$$

قیمت گندم و چغندر برداشت شده در سال ۴۸-۴۷

$$\text{ریال } ۲۳۰۱۰ + ۲۸۰۰۰ = ۵۱۰۱۰$$

۱- قیمت گندم در بازار همان سال تنی ۶۰۰۰ ریال (کیلویی ۶ ریال) بود.

آرشو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

شرکت درآمدهائی هم ازجمله ۵۰ هکتار، خشتخان (۲۵ هکتار)، پروار بندی و قالیبافی دارد که متأسفانه مقدار درآمد هر کدام از اینها در دست نیست . اینها ضایع درآمد شرکت هستند . شرکت در سال ۴۸- ۴۷ پس از کسر هزینه ظاهر ۶۰۰,۰۰۰ ریال سود خالص داشته که پس از سهامداران بنسبت مساوی تقسیم شده است. حال درآمد سرانه هر یک از سهامداران و اعضاء خانواده آنها را حساب میکنیم. با توجه باینکه سهامداران اضافه اعضاء خانواده آنها ۵۰ نفر میباشند و سود ویژه ای که به سهامداران رسیده ۶۰۰,۰۰۰ ریال و مزی که سهامداران از شرکت دریافت کرده اند ۴۰۰,۰۰۰ ریال میباشد .

$$\text{ریال } 400,000 = 5000 \times 80$$

$$\text{جمع ریال } 600,000 + 400,000 = 1,000,000$$

$$\text{درآمد سرانه به ریال } 12000 = 600,000 \div 50$$

$$\text{درآمد سرانه به دلار } 150 = 12000 \div 80$$

در سال ۴۸-۴۷ از هر سهامدار مبلغ ۵۰۰ تومان بابت قسط زمینیان دریافت شده است .

ما فرض میکنیم هر سهامدار از این نظر که میتواند است جای دیگری هم کار کند و وقتش را داشته ، این مقدار باید است آورده باشد در صورتیکه این احتمال چندان درست نیست .

در سال آینده قرار است پول برق و پول منازل اقساط از سهامداران دریافت گردد .

کمکهاییکه بشیرکت سهامی زرعی آریامهر (چه از نظر خدمات و چه از نظر مالی)

میشده است :

استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱ - وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی ۸ نفرارشناس (حسابدار و ۷ مباحث ترویج و آبادانی در اختیار این شرکت قرار داده است که بعضی آنها را خود آن وزارتخانه میبرد از - یعنی این ۱۸ نفر تمام وقت و بطور مجانی برای ۵ خانوار سپاه ارکار میکنند .

۲ - از طرف موسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک مطالعاتی انجام گرفته است و نوع خاک منطقه آزمایش شده و کم و کیف آن بررسی گردیده است .

۳ - اداره هواشناسی مهاباد در آن منطقه و درجه حرارت هوا در فصل مختلف سال را معین نموده است .

۴ - اداره مبارزه با آفات گیاهی در منطقه علی شرکت دست به اقداماتی زده و آفات کونکین مبارزه نموده است و از این نظر اقدامات شرکت در تعام است .

۵ - بذراصلاح شده باصلاح بد کارشناسان اداره اصلاح نباتات مورد استفاده قرار گرفته است .

۶ - نقشه توپوگرافی اراضی شرکت بتقاضایوزیر نظرسازارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی وسیله سازمان جغرافیائی کشور تهیه شده است .

۷ - اداره مهندسی زراعی با استفاده از نقشه های توپوگرافی تهیه شده و مطالعات خاکشناسی انجام یافته ۲۰۰ هکتار از اراضی شرکت را کاملاً تسطیح نموده و یک شبکه آبرسانی برای جلوگیری از هدر رفتن آب ایجاد نموده است .

۸ - برنامه پروار بندی شرکت زیر نظر سازمان دامپروری کشور انجام میشود
 ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

- ۱ - طرح کست از طرف سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی (تهران) هرساله بشرکت سهامی زراعی آریامهر ابلاغ میگردد و دستورات لازم داده میشود و شرکت دانات نتیجه اقدامات خود را به سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی گزارش میکند و نیز بر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی دانات در کار شرکت نظارت مستقیم دارد .
- ۱۰ - اعتبار بصورت کمک بلاعوض ثانویه پانزدهم اردیبهشت ۱۳۴۸ به مبلغ ۱۶,۲۷۹,۸۱۸ ریال .
- ۱۱ - اعتبار بصورت وام مدت ۵ سال با بهره ۴٪ به مبلغ ۱,۱۱۹,۵۰۳ ریال .
- بطور خلاصه کمیته سازمانهای کشاورزی کشور با شرکت سهامی زراعی آریامهر همکاری میکند و برنامه کست با آخرین سیستم کشاورزی بطور مکانیزه انجام میشود . با توجه باینکه هر سهامدار شرکت ۱۷ هکتار زمین در اختیار دارد و شرکت از کمکهای فراوانی برخوردار است ، درآمد سرانه سهامداران شرکت سهامی زراعی آریامهر بیشتر از درآمد دیگر روستائیان است . ولی يك عنوان در اینجاست که است و آن اینکه آیا رژیم قادر است که برای کمیته دهات و یابری هر چند در يك شرکت با این خصوصیات بوجود آورد و قبول خودشان این پدیده نوین را به سراسر دهات ایران بسط دهد ؟
- اگرچه آمار زیر توجه کمیته جواب سؤال فوق برایتان روشن خواهد گشت :
- سازمان اصلاحات ارضی و تعاون روستائی مبلغ ۱۶,۲۷۹,۸۱۸ ریال به عنوان کمک بلاعوض و مبلغ ۱,۱۱۹,۵۰۳ ریال به عنوان وام (هر دو کمک در مدت یکسال انجام گرفت) در اختیار شرکت سهامی زراعی آریامهر

۲- در دهات ایران رسوم بوده و هست که فرزند کفک گارید بوده و بعد يك منبع درآمد بشود. مثلاً در کازمین باید رنک حیکه با جگه کوهکدی را که دارند به چرامبرد، از کوه همزم میآورد و امثال اینها برای حبابه ازان شرکت چنین امکاناتی وجود ندارد و سهامدار شرکت این منبع درآمد را از دست داده است.

۳ - اقتصاد صرف راه خود را در زندگی آنها باز نموده بطوریکه لباس اکثر روستائیان بیشتر فرم لباسهای شهری را دارند و رستائی. حتی در یکی از این خانه های پنجال برقی نیز وجود دارد.

میزان موفقیت رژیم

با توجه به هدفهای واقعی رژیم که در این گزارش آمده تفاوت در این باره که رژیم تا چه حد توانسته به هدف های خود دست یابد به دلالت زیر تفاوتی درست نخواهد بود:

الف - مدت زیادی از عمر اینگونه شرکتهای کوچک رز.

ب - رژیم بودجه صنعتی برای اینگونه شرکتهای خاص داده است و چون آخرین جرگی است که رژیم رو کرده برای دستی هم که شده ناچار است بآنها بپردازد.

ج - از همه مهمترین بزرگ و اوان نفاذ این امر در این کشور است. يك شرکت ازان نوع میباشد بنابراین تفاوت نتیجه گیری در این باره تفاوتی عجولانه خواهد بود که نتیجه درست ازان بدست نخواهد آمد. طی انگیزه جدیدی در توده روستائیان چه آنها که زمین دارند و چه خوب نیستند بوجود آمده است. روستائیان که از دور حتی برآتش دارند از مشاهده این

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

زگونه شرکتها منحصراً وضع ظاهری فریبنده. آنها این احساس برایشان حاصل
 میشود که مگر من مابا آنها که شرکت دارند در چیست ؟ چرا آنها باید در خانه
 بجای سیمانی زندگی کنند و مادر خانه های گلی که هر آن احتمال ریزش
 دارد ؟ چرا ما وسائل مگافزه نداریم ؟ چرا ما بزرگ آب لوله کسی نداریم
 چراهای دیگر...

بلدگترین حسن این کار است که توده های دهقان احتیاجات جدیدی
 برایشان مطرح میشود و به حقوق انسانی خود پی میبرند. اما مسئولی که
 شخص است اینست که رژیم قادر نیست جواب این احتیاجات و چراهای
 مختلفی که برای توده های محروم دهقانی مطرح است بدهد. و این
 عدم پاسخ و خود عدلت افزایش دهنده زمینه انقلابی در روستاهای ایران
 هست.

گوشه‌ای از کارنامه
۶۰ ساله شرکت‌های
فازتگر نفت در
مسجد سلیمانیه

فهرست

مقدمه :

موقعیت طبیعی و جغرافیایی
سابقه ی تاریخی
مسجد سلیمان و غارت ثروت‌های نفتی
شکل گیری شهری مسجد سلیمان
ساله ی مسکن
مشکل آب شهر
فرهنگ
وضعیت بهداشتی
وضعیت کارگران
برنامه ی ضد کارگری کمرسیمون نفت

- ۱- اتوماتیک کردن تاسیسات نفتی
 - ۲- تعطیل کارگاهها و بعضی از تاسیسات نفتی
 - ۳- سیاست مقاطعه داران عملیات و خدمات نفتی
 - ۴- استفاده از شرکت ملی نفت برای انجام خدمات پرهزینه و دشوار
 - ۵- انتقال وظیفه و حفاظت به نیروهای پلیس و ژاندارمری
 - ۶- تعطیل نیروگاه نفتی
- نتیجه : مسجد سلیمان امروزه زادخانه ی رژیم
- الف- موقعیت خاص استراتژیکی مسجد سلیمان
- ب - استفاده از تاسیسات باقیمانده ی شرکت غارتگر نفت
- ج - استفاده از نیروی کار و تخصص نفتی کارگران اخراجی برای

مقاصد نظامی

- د - استفاده از امکانات طبیعی مسجد سلیمان برای مقاصد نظامی
- ه - سیاست هیلتاریزه کردن گنبدی مناطق کشور

“تهیه از سازمان مجاهدین خلق ایران”

شهریور ماه ۱۳۵۲

• گوشه بی از کارنامه ی ۶۰ ساله ی شرکتهای غارتگر نفت در مسجد

• سلیمان •

• مقدمه

بیش از ۶۰ سال است که منابع عظیم نفتی کشور ما بوسیله ی غارتگران آمریکایی و انگلیسی و سایر قدرتهای سرمایه داری جهانی بهیچتا میروند . شاه این نوکر جنایتکار استعمار طی یک قرار داد بیست ساله با کسرسیوم نفت مابقی این ثروت ملی را تا آخرین قطره نفت به اربابان خود در دستنی تقدیم کرد . این وطن فروش خائن علیرغم تمام جنایتهایش به ملت محروم ما نبود تمدن بزرگ و تبدیل شدن به یکی از پنج قدرت جهانی را میدهد . همان وعده وعید هایی که امینی خائن در بیست سال پیش در موقع انعقاد قرار داد با کسرسیوم نفت به ملت ما میداد ، امروز شاه مزدور نیز ضمن تعدید قرار داد با همین کسرسیوم غارتگر نفت بزبان دیگر تکرار میکند . امینی میگفت بواسطه ی این قرار داد و بهره برداری از ثروت نفت تازه سال دیگر ایران بهشت برین خواهد شد .

ما برای روشن کردن ماهیت این فریبها و بهمنظور نشان دادن گوشه بی از غارتگرها و اقدامات ضد خلقی نفتخواران آمریکایی و انگلیسی و رژیم دست نشانده ی پهلوی در ایران ، بعد از گذشت بیست سال از قرارداد نفتی با کسرسیوم و وعده های شاه و امینی خائن بسراغ شهری که متجاوز از ۶۰ سال منابع نفتی آن مورد غارت شرکت نفت ایران و انگلیس و کسرسیوم بین الطلی نفت قرار گرفته و خودش بعنوان مرکز فعالیت های فنی و اداری این کمپانیهای غارتگر بوده ، رفته و در این بررسی مختصر ملاحظه خواهیم کرد همین نفتی که برای استعمارگران منبع قدرت و انرژی است برای ما مولد ضعف و فقر و بیماری است .

آمریکاییها و اربابها با نفت ما زمستانشان را گرم و تابستانشان را خنک

میسازند، اما مردم وطن ما در کنار همین چاههای نفت در زمستان از سرما و در تابستان از گرمای شعله های نفت و گاز میهرند .
 آنها با همین نفت ماشینهای کشاورزی و کارخانجات مواد غذایی خود را بکار میاندازند تا نان و گوشت بیشتر با آن تولید کنند، اما در کشور ما بالعکس موجب قحطی و نایابی بیشتر نان و گوشت میگردد .
 برای آنها این نفت بدل به انواع دارو و محصولات معطر میشود اما برای کارگر و مردم وطن ما این نفت بجای دار و چیزی جز مرض و بیماری و آلودگی و بد بوی هوا ببار نمیآورد . و بالاخره همین نفت تا نکها و هواپیماهایی را بحرکت در میآورد تا برادران مسلمان ما را در فلسطین و ظفار بباران و ناپود سازد .

در این گزارش مختصر در خواهیم یافت که بعد از غارت میلیارد ها بشکه نفت از این منطقه، ابتدایترین و ساده ترین احتیاجات مردم آن هم از کار، مسکن، بهداشت، فرهنگ و بیوته ی فراموشی سپرده است. و عملاً خواهیم دید که هیچگونه رابطه ی انسانی و عاطفی بین استعمارگر و خلق استعمار زده، بین غارتگر و غارت شده، جز شورش و انقلاب وجود نخواهد داشت .

موقعیت طبیعی و جغرافیایی

شهر مسجد سلیمان در استان خوزستان و در فاصله ی ۱۵۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز واقع شده است . این شهر در ناحیه ی جنوبی کوهستانهای منطقه ی بختیاری قرار گرفته و مرتفعترین کوه این ناحیه به نام کوه ننگ و به ارتفاع ۱۳۰۰ متر (۴۰۰۰ فوت) از سطح دریا میآید. دانه ی این کوهستانها در فصل زمستان و اوایل بهار محل قتلای عشاير ایل بختیاری و چراگاه داداران آنها میباشد .
 تیره ی "بادی" از ایل بختیاری حدود ۶ ماه از سال یعنی فصل پاییز

و زمستان را در دهات اطراف مسجد سلیمان و در سراسر منطقه‌ی که از
 دشت "اندکا" (۱۰ کیلومتری مسجد سلیمان) شروع و تا دشت لالی
 (حدود ۷۰ کیلومتری مسجد سلیمان) خاتمه میابد ساکن میشوند. عشا-
 بر مزبور علاوه بر اهدای در حوالی خانه های گلین شان در حد قوت
 لایموت خود و احتیاشان به کشت گندم و جو میبرد ازند. محصول این کشت
 که بطور دیم صورت میگیرد بستگی به میزان بارانهای فصلی دارد و در سال
 هایی که باران کم باشد وضعیت زندگی خود و دامهایشان در آبر و
 مصیبت بار میگرد. به علت وضعیت خاص کوههای این ناحیه و وجود سنگ
 های نلک، بسیاری از چشمه های آب این ناحیه شور میباشد .
 رود کارون که از منطقه ی زرد کوه بختیاری سرچشمه میگیرد از حدود ۱۰
 کیلومتری مسجد سلیمان و در نزدیکی دشتنهای " اندکا " و " لالی " عبور می
 نماید . مسیر این رودخانه بطریقی است که مسجد سلیمان را از منطقه ی
 قنلاقی عشایر نشین " اندکا و لالی " جدا مینماید . عشایری که برای فروش
 محصولات دامی و خرید ما بهحتاج زندگی خود به مسجد سلیمان میاینند
 نلچارند بوسیله ی قایق، خود و احشام و محصولاتشان را از رودخانه عبور
 دهند و هر سال به علت جریان تند رودخانه و یا سیلابهای موسمی، بسا-
 ری از عشایر بختیاری همواره محصولات و احتیاشان ضمن عبور از این رود
 خانه تلف میشوند .
 آب و هوای مسجد سلیمان به علت نزدیکی به کوههای پربرف زرد کوه و
 ناحیه ی سرد سیر چهار محال بختیاری در زمستان سرد و در تابستان
 به علت وجود کوههای خشک نلکی و رسی و تابش خورشید دارای گرمای
 طاقت فرسای (بالای ۴۰ درجه) است .
 جمعیت فعلی آن در حدود ۷۴۰۰۰ نفر و وسعت آن در حدود هشت
 هزار کیلومتر مربع میباشد .

سابقه‌ی تاریخی

باستان شناس فرانسوی (سیودمرگان) در گزارشهای خود در مجلس معادن چاپ پاریس چنین نوشته است "در سر راه شوشتر به "عالمیر" جایی بنام میدان نفتین است که علایم ظاهری نفت در آنجا هویدا و خرابه های آتشکده می نیز در آنجا موجود است که اهالی بنام مسجد سلیمان می‌شناسند" وی در این گزارش راجع به وجود نفت در غرب و جنوب غربی ایران شرح مفصلي نگاشته است.

باین ترتیب اولین آگاهی از وجود نفت در ناحیه‌ی خوزستان و کشف مسجد سلیمان بوسیله‌ی باستان شناس مزبور که خود بدنیال یک قرارداد استعماری دولت فرانسه با حکومت خائن ناصرالدین شاه برای جستجو و غارت آثار و اشیای گرانبهای تاریخی شوش یا ایران آمد، بود، صورت گرفت و همین آگاهی و اطلاع بعد ها امپریالیسم انگلیس را که در جستجو و غارت ثروت ها و ذخایر ارضی کشورهای آسیا و افریقا و بالاخص ایران بود، یاری نمود.

"داری" سرمایه دار انگلیسی، بر اساس نوشته های "مورگان" و مشاهده ات و گزارشهای "سرهنری دروموند ولف" و سایر عوامل دولت انگلیس در ایران بفکر اکتشاف و استخراج نفت در ایران افتاد و بدنیال آن عده بی از شخصین زمین شناس را بایران اعزام داشت.

شخصین مزبور پس از مطالعه در محل، گزارش رضایت بخشی داده و نوشتند که وجود نفت در حوالی قصر شیرین و شوشتر بسیار محتمل و در نقاط دیگر هم امید بسیاری میرود.

داری بر اساس این گزارشها برخورداری از پشتیبانی امپریالیسم انگلیس و پرداخت رشوه های کلان برجال خائن و فاسد حکومت ضد ملی ناصرالدین شاه موفق گردید. امتیاز بهره برداری از معادن نفت سراسر ایران

را با استثنای خراسان، مازندران، مکرگان و آذربایجان به مدت ۶۰ سال از تاریخ هشتم صفر ۱۳۱۹ (۱۹۰۱ تا ۱۹۰۳) بدست آورد .
چند ماه پس از اضمای امتیاز، عملیات حفاری در چاه سرخ واقع در شمال قصر شیرین آغاز شد و در تابستان ۱۹۰۳ (۱۳۲۱ قمری) دو چاه حفر شد و به نفت رسید اما به علت کمی تولید و دوری مسافت از بنادر خلیج فارس، ادامه ی عملیات حفاری متوقف گردید و تصمیم گرفته شد که در نقاط جنوبی بنگال و سرهند ازند .

داری که تا آنوقت قریب سیصد هزار لیره از ثروت خود را در جستجوی نفت هدر داده بود حاضر نبود بهیچ از این سرمایه اش را در این راه تلف نماید .

اما در این هنگام (سال ۱۹۰۴ میلادی) امپراطوری غارنگر انگلستان برای تحریک و توانایی بیشتر نیروی دریایی استعماری خود طرح تعویض و تبدیل سوخت کشتیهای جنگی انگلیس را از زغال سنگ به نفت مورد مطالعه و بررسی قرار میداد . باین منظور از طرف ستاد فرماندهی نیروی دریایی کمیته سی جهت تحصیل منابع کافی نفت تعیین و مامور کارگردین اعضای این کمیته که اطلاعاتی در مورد امتیاز نفتی داری در ایران و حالت ور شکستگی و امکان واگذاری این امتیاز از طرفی به سرمایه داران خارجی دیگر دریافت داشته بودند در صدد برآمدند در اصرار وقت و بهر طریقی که ممکن باشد امتیاز مزبور را برای دولت انگلیس بدست آورند . اما از آنجا که قدرتهای سرمایه داری این کشور مخالف دخالت دولت در امور اقتصادی و بازرگانی بودند دولت نمیتوانست مستقیماً در صدد خرید امتیاز یا سهام شرکتهای آن برآید . لذا برای نجات این امتیاز از چنگ سرمایه داران کشورهای حریف تصمیم گرفته شد با همکاری شرکت نفت برمه که یک شرکت نفت تمام انگلیسی بود و استخراج نفت را در اختیار خود داشت شرکت نفت جدیدی بنام سند بنگالی امتیازات و با سرمایه

کافی برای امداد عظیمات اکتشاف و استخراج نفت در ایران تأسیس نمایند (۱۹۰۵) .

شرکت مزبور عطیات چاه سرخ را متوقف و حفاری دو چاه آزمایشی را در ماماتین نزدیک رامهرمز واقع در شمال اهواز آغاز نمود . اما به علت عدم دستیابی به ذخایر نفتی و صرف هزینه ی زیاد / عطیات حفاری متوقف و تصمیم گرفته شد که چاههای دیگری در نقطه یی که ناشی در آن موقع میدان نفتون و از طرف اهالی به مسجد سلیمان معروف بود حفر نمایند .

در تاریخ پنجم خرداد ماه ۱۲۸۲ شمسی هجری (مطابق ۲۶ ماه مه ۱۹۰۸) در شرایطی که نزدیک بود به علت صرف هزینه های هنگفت و عدم دسترسی به نفت / عطیات حفاری را متوقف نمایند اولین چاه در عمق ۳۶۰ متری به نفت رسید و جریان نفت با فشار خیلی زیاد فوران نمود و ده روز بعد چاه دوم در عمق ۳۰۷ متری باز به نفت رسید و آشکار گردید که ایران بر روی دریای عظیمی از نفت قرار دارد .

کشف این معدن مهم مشکلات و بهرانه های مالی آنروز امپراطوری بریتانیا^ی کبیر را حل کرد و بدنبال آن یعنی در آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت ایران و انگلیس " به منظور غارت ذخایر عظیم نفتی کشور ما در لندن تشکیل و به ثبت رسید .

از این تاریخ ، یعنی از روزی که سته های حفاری نفتخواران همچون بیشتر هایی بر شاهرک حیاتی وطن استعمار زده ی ما وارد آمد و خون اقتصادی کشورمان از درون چاههای نفت فوران نمود ، شهری بنام مسجد سلیمان آغاز حیات نمود .

مسجد سلیمان و غارت ثروت های نفتی

در فاصله ی سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۱۴ (۱۳۲۶ تا ۱۳۲۳ قمری) که جنگ بین الطلی اول آغاز شد ، دانه ی عطیات تولید نفت با سرعت هرچه

زاد ترگسترش یافت، بطوریکه تا سال ۱۹۱۴ می حلقه چاه در مسجد سلیمان حفر گردید و ساختمان اولین خط لوله ی نفت (به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر و به ظرفیت ۴۰۰ هزار تن نفت در سال) از مسجد سلیمان به آبادان در سال ۱۹۱۲ به پایان رسید .

در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۱ قمری) برای اولین بار نفت مسجد سلیمان بشکل خام بسوی بازارهای نفتی جهان سرازیر گردید . در سال اول میزان صادرات ۴۳۰۰۰ تن بود . سال بعد این مقدار به دو برابر یعنی ۸۱۰۰۰ تن افزایش یافت .

بهین ترتیب حجم فارت نفت بسورت خیره کننده یی سال بسال بالا رفت ، بطوریکه در سال ۱۹۱۴ (۱۳۳۳ قمری) به ۲۷۱۰۰۰ تن یعنی حدود ۳/۵ برابر سال قبل از آن بالغ گردید .

باین ترتیب در سال ۱۹۱۴ یعنی هنگامیکه جنگ جهانی اول آغاز گردید امپریالیسم انگلیس برای ذخایر عظیم نفتی مسجد سلیمان و خط لوله یی از معدن میهن تا آبادان و پالایشگاه بزرگ آبادان با ظرفیت ۲۷۱۰۰۰ تن نفت تصفیه شد در سال بود که میتوانست مستقیماً سوخت و انرژی ماشین جنگی امپریالیسم فارتگر انگلیس را علیه خلقهای محروم جهان تامین نموده و به حرکت در آورد .

حجم فارت ثروت های نفتی حوزه ی مسجد سلیمان از سال ۱۹۱۲ میلادی یعنی از بدو بهره برداری از چاه های نفت و جریان آن بسوی بازارهای نفتی تا سال ۱۹۵۰ میلادی یعنی تاریخ طلی شدن نفت بسویله ی حکومت ملی و ضد استعماری دکتر مهدق و خلق بد از شرکت نفت ایران و انگلیس بالغ بر ۱۱۰ میلیون تن است . تازه این مقدار ، رقمیست که توسط مقلدان دولت استعمارگر انگلیس اعلام و انتشار یافت و چه بسا میزان نفت تولیدی واقعی و غارت شده از حوزه ی نفتی مسجد سلیمان تا تاریخ طلی شدن

نفت به مراتب از این مقدار افزونتر باشد .

در دوران ملی شدن نفت یعنی از سال ۱۹۵۱ میلادی (۳۳۰) شخصی تا کودتای فدی ملی ۲۸ مرداد ۳۲ و تشکیل کنسرسیوم نفت به ملت محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم انگلیس و آمریکا و سایر کشورهای سرکشی داری غریب، جریان نفت ایران به بازارهای جهانی متوقف گردید .

امپریالیسم آمریکا و انگلیس برای برانود آوردن حکومت ملی دکتر مهدی با تکیه به قدرت نظامی و سیاسی خود، کشورهای مصرف کننده ی نفت را از خرید نفت ایران مانع گردیدند، باین امید که زیر فشار فقر و گرسنگی مردم ایران را از پشتیبانی حکومت ملی دکتر مهدی منحرف و رهبرگردان سازند .

باین ترتیب در سالهای مزبور، چاههای نفت مسجد سلیمان تعطیل و جریان حیاتی اقتصاد نفتخواران انگلیسی قطع گردید .

اما دیری نپایید که با کودتای آمریکا و انگلیس، ۲۸ مرداد ۳۲ و تشکیل کنسرسیوم نفت فارت مجدد منابع نفتی کشور ما آفاز گردید .

در سال ۱۳۳۳ (۱۹۵۴) بدنهال انعقاد قرارداد بیج - امینی توسط وزیر ارایس حکومت کودتا و برهبری شاه خائن، شرکتهای عامل نفت ایران با بهبارت دیگر کنسرسیوم نفت با مشارکت دولت های سرمایه داری غریب یعنی آمریکا و انگلیس، فرانسه، هلند تشکیل و جانشین شرکت سابق نفت ایران و انگلیس گردید .

عطیمات شرکتهای عامل نفت ایران با کنسرسیوم نفت از نظر سازمان اداری و اجرایی به دو قسمت عمده یعنی " عطیمات اکتشاف و تولید نفت " و " عطیمات تصفیه و بارگیری " تقسیم گردید . شهر مسجد سلیمان بعنوان مرکز " عطیمات اکتشاف و تولید نفت " و آبادان بعنوان مرکز " عطیمات تصفیه و بارگیری نفت " تعیین گردیدند .

حجم بالا رفتن نیازهای نفتی چهار کشور بزرگ سرمایه داری صرف کنند.
 نفت در کنسرسیوم و افزایش سرمایه و امکانات آنان از نظر تهیه و تامین
 وسایل و تجهیزات پیشرفته ی صنعتی و درست داشتن بازارهای
 جهانی فروش نفت ایجاب میکرد که میزان تولید نفت را بعضی سرمایه
 آور تر از آنچه شرکت سابق نفت تولید می نمود افزایش دهند. برای این
 منظور از يك طرف با تعویض وسایل قدیمی و نصب وسایل و دستگاهها
 عظیم تر و جدید تر، مقدار نفت استخراجی هرچاه را بالا ببرند. و از
 طرف دیگر با حفارچاههای جدید و گسترش منطقه ی عملیات، تمداد
 چاههای نفت و تولید کلی آنها را افزایش دادند. ضمن عملیات حفاری
 چاههای جدید را به شرکت های حفاری امریکایی بطریق پیمانکاری واگذار
 نمودند.

واگذاری قسمتی از عملیات تولیدی و وظایف و خدمات اداری به شرکت های
 پیمانکاری خارجی و داخلی سیاست نوینی بود که نه تنها برای امور
 اکتشاف و حفاری های نفتی، بلکه برای بسیاری از امور فنی بصورت اجراء
 گذاشته شد. از آنجا که اتخاذ این سیاست بخاطر دشمنی با طبقه ی
 کارگر ایرانی و استثمار هرچه بیشتر خلق محروم ما اتخاذ گردید، در
 قسمت جداگانه بی تحت عنوان سیاست ضد کارگری کنسرسیوم نفت
 مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بواسطه ی گسترش دامنه ی عملیات حفاری، تمداد چاههای حفار شده
 در حوزه ی نفتی مسجد سلیمان جمعا به ۳۵۰ حلقه چاه افزایش پیدا
 نمود، که تعدادی از آنها که در این اواخر حفاری شد تماما به منابع
 گازی برخوردار نمود. نظر باینکه استخراج و صدور گاز این چاهها محتاج
 سرمایه گذاری خیلی زیاد و در نهایت از نظر اقتصادی بصره ی این
 سرمایه داران غارتگر نبود، مجددا دهانه ی این چاهها را بسته و
 پهن ریزی کردند.

در طی این عطیات متوالی حفاری بتدریج روشن گردید که ذخایر نفتی ناحیه ی مسجد سلیمان بواسطه ی استخراج سرمام آور نفت در ظرف بهشت ساله ی اخیر، بآخر رسیده تا جایی که در سال ۵۲ میزان کسل تولید نفتی منطقه ی مسجد سلیمان بانضمام ته مانده های چاههای ناحیه ی نفت سفید (۱) جمعا به ۲۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش پیدا نمود . برای اینکه از این مقدار نلجیز استخراج نفت تصویری بدست آید کلیستناآلتر با تولید روزانه ی یک چاه معمولی نفت ناحیه ی چهاران یعنی ۲۰/۰۰۰ بشکه نفت در روز مقایسه نماید .

همچنان با خشکیدن چاههای نفت مسجد سلیمان / زالوهای نفتخوار از این شهر بسوی مناطقی که خون جوشانی از نفت دارند نقل مکان گردیدند . دفتر و دستک های ادارات اکتشاف و تولید نفت از مسجد سلیمان به اهواز منتقل گردید و اهواز که خون تازه یی از نفت دارد بعنوان مرکز اداری و عطیاتی زالوهای نفتخوار کمانیهای غارتگر امریکایی و انگلیسی تعیین گردیدند .

شکل گیری شهر مسجد سلیمان

اولین مشکلی که امرالیسم انگلیس در امر بهره برداری از چاههای نفت مسجد سلیمان و توسعه ی راضه ی عطیات خود و ایجاد تسهیلات و تاسیسات شهری با آن مواجه گردید خوانین بختیاری بودند . در آن زمان بحلت حاکمیت نظام ملوک الطوائفی فتودالی خوانین بختیاری بر کلیه ی اراضی منطقه ی چهار محال و بختیاری حاکمیت مطلقه داشته و اراضی این مناطق منجمله مسجد سلیمان در مالکیت آنها و محل قشلاقی معابر و رهاجان آنان بود .

(۱) ناحیه ی بین اهواز و مسجد سلیمان

پایین جهت شرکت نفت ایران و انگلیس میبایست برای استفاده از اراضی این ناحیه و تامین امنیت چاهها و تاسیسات نفتی خود از هجوم عشایر بختیاری رضایت خوانین آنها فراهم سازد. برای این منظور کارگزاران شرکت نفت سه فقره قرارداد با خوانین فئودال بختیاری منعقد ساختند تا تسهیلات لازم را برای توسعه ی عطیات شرکت فراهم سازند .

مطابق قرارداد اول خوانین بختیاری را در ضایع حاصله از چاههای نفت بجای سهم ساختند و هر ساله مواید و در آمد سهام منور را به چهار نفر از خوانین بختیاری که از طرف سایرین نمایندگی داشتند سپرداختند تا بین خوانین تیره های مختلف بختیاری تقسیم نمایند . طی قرارداد دوم که مربوط به خرید اراضی بود ، مقرر گردید هر سال شرکت گلیه ی اراضی را که در حدود خاک بختیاری لازم داشت از ایل خانی و ایل بیگی بقیمت معینی خریداری نماید . و این دو نفر که خود را نماینده ی دولت میدانستند متعهد بودند که قیمت اراضی منور را به صاحبان اصلی آنها پرداخت نمایند .

قرارداد سوم در مورد حفاظت محل و امنیت چاهها و تاسیسات نفتی بود . بموجب این قرارداد ، ایلخانی یکی از خانها را بعنوان سر مستحفظ شرکت معرفی میکرد و عده یی از افراد بختیاری را بعنوان تفنگچی در اختیار او میگذاشت . خان و تفنگچیهای بختیاری در ازای برقراری و تامین امنیت تاسیسات نفتی حقوقی از شرکت نفت دریافت میکردند و علاوه بر آن شرکت سالی سه هزار لیره به ایلخانی پرداخت میکرد .

بعد ها ، امیرالعلوم انگلیس با روی کار آوردن رضا شاه ، این عامل دست نشانده ی خود و ایجاد حکومت دیکتاتوری مرکزی رضاشاهی و ایجاد نیروهای نظامی در ایران ، بطور عده نیروهای ژاندارمری سلطنت حفا - ظت تاسیسات نفتی را در تمام ایران بالاخص در ناحیه ی زرخیز مسجد

سلیمان بمحمده گرفتند و نیروی تفنگچی بختیاری خود بخود از میان رفت اما رشوه‌ی سالی سه هزار لیره بی شرکت نفت بخوانین بختیاری همچنان باقی ماند .

باین ترتیب میبینیم که کلیه‌ی فتوایهای محلی از ایل بیگی بختیاری گرفته تا شیخ خزعل و سایر مرتجعین و متنفذین محلی در غارت ثروت‌های نفتی خوزستان و استعمار و بهره‌کشی مردم محروم این ناحیه با عوامل سیاسی و نفتی امپریالیسم انگلیس و بعد ها آمریکا همکاری و همراهی نزدیک از خود نشان دادند .

خانزاده های بختیاری که تربیت و تحصیلات خود را در مدارس و دانش گاههای انگلیس طوسی کرده بودند علاوه بر اس‌سازمانهای نفتی و اداری شرکت نفت مسئولیت بهره‌کشی از نیروی انسانی عشایر محروم بختیاری و کارگران فقرزده‌ی محلی را به نازلترین دستمزدها بمحمده گرفتند . در زمان کوتاهی تاسیسات آب‌رسانی از رود کارون در ۴۰ کیلومتری شهر و در ناحیه‌ی بی که بعد ها از طرف شرکت به "گدارلندن" نامگذاری شد ایجاد گردید .

انبارهای بزرگ جهت نگهداری وسائل یدکی و تجهیزات نفتی دایر شد . کارگاههای بزرگ تراشکاری، آهنگری، نجاری و ریخته‌گری که کلاً بنام "ورک شاپ" معروف گردید، برای تهیه و ساخت لوازم و قطعات یدکی و تعمیر دستگاها تاسیس شد .

برای سهولت امر حمل و نقل وسایل و تجهیزات استخراج نفت رود کارون از خرمشهر تا "درخزین" واقع در ۶۰ کیلومتری مسجد سلیمان مورد استفاده قرار گرفت و با ایجاد خط آهن از درخزین تا مسجد سلیمان نقل و انتقال دستگاها در مسیر کوهستانی و شعب‌المعبور ناحیه تسهیل گردید .

نیروگاه برق در ناحیه بی بنام "صی" و در کنار رودخانه‌ی آب‌شور

کوچکی واقع در ۱۵ کیلومتری مرکز شهر ایجاد گردید .
 برای امور ساختمانی ، کارخانه ی بزرگ کچ سازی که از طرف اهالی به
 " کچ پلنگه " (۱) معروف گردید تاسیس شد .
 در کنار هرچاه نفت یا تاسیسات دیگر نفتی برای عده یی از کارگران
 خانه های سرهم گردید ، و نام هر محل با اسم شماره ی آن چاه یا
 تاسیسات مربوط نامگذاری شد .

برای مثال ، ناحیه ی نمره ی یک به منازل مسکونی گفته میشود که در کنار
 اولین چاه نفت ساخته شده اند . بر این اساس مناطقی بنامهای نمره
 ۲ " " نمره ۸ " " نمره ۱۰ " " بوجود آمد . نواحی دیگری که بر اساس
 نزدیکی به تاسیسات نفتی یا وضعیت نفتی نامگذاری گردیدند عبارتند
 از : ناحیه ی ریل وی (که کلمه ی انگلیسی راه آهن است) ، **روله شاپ**
 (کلمه ی انگلیسی کارگاه است) ، **انبار** " **افرنیس** " **نفتن** ، **تفتک** " **میدون**
 تمام بقیه ی مناطق که ریشه ی فعلی دارد بیشتر بر اساس
 نام آبارهای قدیمی یا وضعیت طبیعی آنها نامگذاری شده است مثلاً
 نواحی : **بی بیان** ، **کلکه** ، **تل** ، **بزون** ، **چشمه علی** ، **تلخ آب** ، **دوره خورشید**
 و

باین ترتیب است که مسجد سلیمان بر اساس ضرورتهای نفتی شرکت فارت
 گر نفت از تعداد زیادی نواحی پراکنده بدون رعایت کوچکترین اصول
 شهر سازی و مسکن بهیچداشت و رفاه مردم آن شکل شهر یا بهتر بگویم
 نام شهر بخود میگیرد .

ما در اینجا برای اینکه شدت استعمار و بهره کشی کمانیهای فارتگر

(۱) اینجا کلمه ی پلنگ بجای کلمه ی انگلیسی پلنت
 کارخانه است از طرف اهالی بکار برده شده است .
 که بمعنی

انگلیسی امریکایی و آنچه در دوره ی شرکت سابق نفت وجه در دوره
 نشان دهنده نمایان جنبه های مختلف زندگی مردم مسجد
 را در دوره ی ۶۰ ساله ی قدرت نفت ایران بطور جد آگانه مورد
 بررسی قرار دهیم . اگرچه این بررسی فقط شبه بی از تجسبات
 اجتماعی کارگران جهانی نفت را در بر دارد اما در همین اطلاعات
 مفهومی و کلی در خواهیم یافت که چگونه در حالیکه ثروت های زیر زمینی
 وطن ما را به تن بخشیده اند نسبت به کمترین و حیاتی ترین
 همین احتیاجات زندگی مردمی که در کنار این چاهها میزیسته اند یا بر
 سر این چاهها نیروی زندگی و سلامتی و در بسیاری موارد حتی جان
 خود را از دست داده اند بی اعتنا بوده اند .

باز در اینجا نشان خواهیم داد بعد از این همه فارتگری و بهره کشی
 از منابع زیر این زمین و نیروی انسانی مردم محروم روی این زمین چگونه
 و در چه شرایطی این شهر و مناطق اطراف آنرا ترک میکنند . خواهیم
 دید افرادی که این اجتماع کارگران امریکایی و انگلیسی در مسجد سلیمان
 "امیر لالی" و هفتگ کردند از نوع همان کارهایی است که چنگیز و
 سپاهیان آن بر سر خلق ما وارد ساختند یعنی آنچه را نتوانستند با
 خود بخارت برند و ساختمانهای مسکونی را که نتوانستند با خود بپوشانند
 بپزند با بولدوز خراب کردند تا تبار آده بی از همان مردم محروم و
 کارگران بیگار و اخراجی بی خانمان یا اجاره نشین این مناطق در آن
 ساکن گردند .

ساله ی مسکن

همانطوریکه گفته شد / شرکت نفت سابق در ابتدا ای شکل گرفتن شهر
 مسجد سلیمان در طی عملیات توسعه و تولید نفت وابسته به نیازهای
 خود در کنار هرچاه یا تاسیسات نفتی برای تعدادی از کارگران و استاد

کاران آن قسمت ساختمانهای بلوکی سنگی که هر کدام دارای چندین خانه ی محقر چسبیده بهم بود ایجاد نمود . این خانه ها عموماً فقط دارای یک اتاق بزرگ یا دو اتاق کوچک به انضمام آشپزخانه ی محقر و حیات خلوت کوچکی بود . و از آنجا که کارگران شرکت نفت اکثراً ایتالیایی بختیاری و از طبقات محروم جامعه بودند نظیر تمام خانواده های مردم وطن ما دارای فرزندان خیلی زیاد بودند . به علاوه به علت همبستگی های قبیله ای و قاصدی غالباً علاوه بر فرزندانشان افرادی نظیر پدر و مادری نیز با پدر و مادر شوهر با اعضای خانواده اضافه میگشت . لذا اکثر افراد خانواده و کسی کنبایش منازل کارگری شرکت نفت موجب میگشت که عموم افراد خانواده در یک اتاق بخواهند زندگی نمایند .

اما این عوامل و خصوصیات زندگی سنتی کارگر ایرانی رفاه خود و خانواده اش برای غارتگران نفت اهمیتی نداشت . آنچه که مهم بود منافع آنان و اینکه تعدادی خانه با کترین قیمت و مخارج ممکنه بوجود آورند . تا کارگر شرکت نفت بتواند چند ساعتی را در زیر سقف آن اطراق نموده و فردا با انرژی و قدرت زیادتری برایش کار کند .

در بعضی از این مناطق کارگری نظیر نفتون و گلگه فشردگی منازل از یک طرف و کثرت فرزندان و نبودن وسایل سرگرمی آنها از طرف دیگر موجب گردید اطفالی که در داخل منازل محقر خود دارای فضای حیاتی نبودند در کوچه ها رها شده و موجبات دافی بچه ها و دعواهای والدین آنها را فراهم سازند ، چیزی که از معله ی نفتون و گلگه ی مسجد - سلیمان تا جوادیه ی تهران و احمد آباد آبادان و در مناطق کارگری و فقرزده ی کشور ما پیشم میخورد . بطوریکه کارگر ایرانی بعد از ده ساعت کار و خستگی جانگاز روزانه بجای استراحت در خانه تازه باید در پی جستجوی سبب شکستگی پیشانی فرزندش یا حل اختلافات خانواده یا هسایه و هم خانه و هزاران شکل داخلی و خارجی دیگر

خانوادگی خود برآید .

اینجاست که آشکارا میبینیم سیاست خانه سازی کمانبهای غارتگر نظیر کلبه ی ظاهر نظام سرمایه داری و اجتماعات استعمار زده يك سیاست و روش طبقاتی است باین معنی که کارگر هیچ دستمزدش کمتر باشد باید باو خانه یا اطاق کوچکتری داده شود اما اگر کارمند یا دارای شغل و مقام و مسئولیتی باشد باید يك خانه با اطاقهای متعدد و بزرگها حمام و آشپزخانه و وسایل و هلمان مرتب باو داده شود .

در صورتیکه بالعکس باید به کارگری که عموماً دارای فرزندان زیاد و غالباً بعضی از پنج و شش فرزند هستند منزل بزرگتری داده شود تا آن کسی که بندرت دو تا سه فرزند دارد . اینجاست که میبینیم در شرکت غارتگر نفت معیار خانه سازی و تقسیم مسکن بر اساس احتیاج واقعی کارگران و کارمندان و تعداد اعضای خانواده ی آنها نیست بلکه بر مبنای حقوق پست و خلاصه وضعیت طبقاتی اوست .

در همین مسجد سلیمان و سر تا سر مناطق نفت خیز ساختمانهای بزرگ يك طبقه ی ویلایی همراه با منازل گلکاری و چمن کاری شده که در اصطلاح محلی "بنگله" نامیده میشود به کارمندان داده میشود که تعداد فرزندان آنها از دو تا بیشتر نمیشود . تازه در بسیاری موارد اینچنین بنگله هایی را همراه با آشپز مخصوص و يك مستخدم تنها بیک کارمند مجرد داده اند ! اینست گوشه یی از ماهیت سیاست طبقاتی مسکن و تبعیضات ظالمانه و ضد انسانی مناطق نفت خیز و سر تا سر خاک وطن ما ، با این تفاوت که در حوزه ی عطیات شرکتهای غارتگر نفت و شرکت به ظاهر ملی نفت به علت وجود حاکمیت مستقیم بیگانه این اختلاف و تبعیض های ظالمانه چشمگیر تر و محسوس تر است .

باز بموجب اجرای همین سیاست طبقاتی ، هر منطقه ی مسکونی مسجد سلیمان اختصاصاً به طبقه و قشر خاصی از کارکنان و کارگران شرکت

نفت دارد. مثلا منطقه‌ی کارگران دون پایه از کارگران فنی و استادکارها جدا بوده و به همین منوال منطقه‌ی مخصوص کارمندان ارشد از کارمندان ساده بررانب تمیزتر و بزرگتر و سرسبزتر بود. و از حیث موقعیت محل و کیفیت خانه هر دوی آنها نسبت به خانه‌های کارگری از وضعیت ممتازتر و بهتری برخوردار هستند. به همین ترتیب منطقه‌های (نظیر "تلخ آب" و کوی خیام) که برای سکونت کارشناسان خارجی اختصاص یافته نیز از حیث وضعیت محل و ساختمان منازل از محل و خانه‌های کارمندان و کارشناسان ارشد ایرانی بررانب ممتازتر و اشرافی تر ساخته شده است.

برای مشاهده‌ی شدت این اختلاف طبقاتی و بهمه‌النتیهای ضد انسانی کفایت از منطقه‌ی مسکونی کلکه یکسره روانه‌ی کوی کارشناسان امریکایی در ناحیه‌ی تلخ آب شوید، این اختلاف بررانب از اختلاف بین احمدآباد و پریم آباد آن زیادتر و چشمگیرتر است. آنچه که تا کنون گفتیم در زمینه مقایسه‌ی منازل کارگری و کارمندی و منازل کارشناسان بیگانه بود، اما شکل و مسله‌ی اصلی مسکن برای توده‌ی مردم از همان بدو تشکیل مسجد سلیمان، مساله‌ی داشتن و نداشتن مکان و ماوا‌ی زیست و سکونت است باین معنی که هم در دوره‌ی غارتگری شرکت سابق نفت و هم در دوره‌ی کنسرسیوم نفت تحت عنوان اینکه کلیه‌ی اراضی در تملك شرکت نفت است و هیچکس حق تملك و ساختمان زمینی را ندارد، از هرگونه خانه سازی از طرف مردم جلوگیری بعمل آمده است.

اینگونه افراد بدون مسکن عموما کسانی بودند که در استخدام شرکت نفت نبودند، اما بانجام وظایف و خدمات گوناگون بطور غیر مستقیم بمضافع شرکت خدمت میکردند، برای نمونه توده‌ی مردمیکه مشاغلی نظیر نانوا‌ی بقالی، قضایی، سبزی فروشی، نظافتچی، روزنامه فروشی، معلمی، کارمندی ادارات دولتی و را انجام میدادند خود بخود گوشه‌ی بی از

خدا مانی را که شرکت نفت میبایست با استخدام پرسنل بانجام برساند اینان شخصا با درآمد ناچیزی انجام میدادند. با اینهمه شرکتهای غار-تگر نفتی نه برای آنها حاضر بساختن مسکن بود و نه بآنها اجازه ی خانه سازی میداد. اینجاست که چهره ی زشت و خدا انسانی تسلط خارجی را بر حیاتی ترین شئون زندگی خلق محروم ایران مشاهده میکنیم. آیا مذلت و خواری برای يك ملت از این بالاتر که حتی برای ساختن يك اطباقك خشتی از سرزمین پهناور وطن خود محتاج به اجازه ی عوامل بیگانه باشد؟ آنهم در حالیکه ضمن عوامل استعماری هست و نیست کشور ما را غارت میکنند! و حال آنکه در همین کشورهای امپریالیستی امریکا و انگلیس خرید يك وجب زمین برای اتباع بیگانه تابع آنچنان مقررات سخت و سنگینی که غالبا غیر ممکن و در صورت امکان قیمت هر متر مربع آن هم ارز خونبهای اجداد استعمارگر آنها تمام خواهد شد.

اما برای مردمی که در زیر آسمان خدا مالك حتی يك وجب زمین نبودند بالاتر از سیاهی دیگر رنگی نبود و بی اعتنا باین تصمیمات و ضوابط استعماری و ضد انسانی بر فراز تپه ماهورها و در دانه ی دره ها با استفاده از سیاهی شب سنگ و گل ها را بر روی هم انباشتند و چهار دیواری برای خود درست کردند. در بسیاری موارد مأمورین و عوامل شرکت پس از آگاهی آنها را فرو میروختند، اما غالب اوقات بازرسان ایرانی با رشوه و حق حساب موضوع را ندیده میگرفتند.

بد نهال ملی شدن نفت و کوتاه کردن دست امپریالیسم انگلیس از منابع نفتی، مردم علیرغم اوضاع دشوار اقتصادی، در غیاب سلطه ی خارجی و در پناه حکومت ملی مهدی با استفاده از زمین رایگان بساختن مسکن را از مسکنی برداشتند و همین سیاست دگر مهدی در مورد واگداری زمین رایگان برای امر مسکن و خانه سازی موجب گردید که در دوره ی کوتاه حکومت دگر مهدی شکل مسکن در مسجد سلیمان و سایر نقاط ایران

نظیر تهران بدون صرف هزینه از طرف دولت، مستقیماً بوسیله ی نیروی مردم تا حدود زیادی مرتفع گردد .

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و استقرار کبیرسیوم غارتگر نفت در مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز، همان سیاست شرکت سابق نفت در مورد مساله ی مسکن و خانه سازی تعقیب گردید . با این تفاوت که این بار از ساختمان قاجاقی منازل مسکونی به شدت مانعت بعمل آمد . اما مردی که تمام راهها را بر روی خود بسته میدهند چاره یی جز این نمیدهند که همگان در نقاط در افتاده و خارج از دید مأمورین و استفاده از سیاهی شب به خانه سازی بپردازند تا جایی که امروز بسا به فدرجات طالب روزنامه ی اطلاعات مورخ یکشنبه ۱۸ فروردین ۵۳ اکنون " در مسجد سلیمان ۱۲ هزار خانه ی بدون سند وجود دارد " .

با توجه به جمعیت شهر مسجد سلیمان (حدود هشتاد هزار نفر) و اینکه در بسیاری از خانه ها ی مسکونی چندین خانوار زندگی میکنند میتوان ادعا نمود که تجاوز از ۹۰ درصد جمعیت شهر مسجد سلیمان در منازل غیر شرکعی که از نظر کمیتهای غارتگر نفتی / ساختمان این منازل غیر قانونی و فاقد سند رسمی مالکیت است ساکن میباشند و باز باین نتیجه میرسیم که از نقطه نظر ضد انسانی این نفتخواران جنایت کار ۹۰٪ از جمعیت مردم مسجد سلیمان باید آسمان جل و بیخانتان باشند ! ننگ و نفرت بر تو باد ای استعمار ! ای دشمن خلق ها ! در انتظار شما و شاه دست نشانده ی شما باد، چنگال انتقام خلق ما !

در سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد و آغاز فعالیت کبیرسیوم نفت، امیرالایم زخم خورده ی انگلیس با هدستی بانکی های خونخوار امریکا بی برای انتقام از توده ی مردم و پشتیبانی آنها از ملی شدن نفت و جانفشانیهای آنها به حمایت از حکومت ملی دکتر مصدق سیاست خشن .

ترو ضد انسانی تری در تمام زمینه های زندگی مردم مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز در پیش گرفتند که در قسمتهای مربوط بآنها اشاره خواهیم کرد .

اما مظاهر این سیاست ضد انسانی در زمینه ی مسکن این بود که علیرغم افزایش جمعیت نه تنها از هر گونه فعالیت های خانه سازی با شدت عمل ممانعت بعمل آوردند بلکه خود نیز در این زمینه يك سنگ روی سنگ نگذاشتند ، تا جایی که برای کارشناسان نفتی کشور سپاهار کنسرسیوم بجای ایجاد ساختمانهای سنگی و آجری بنگله هایی ساختند که قطعات مختلف آن از چوب مخصوص و قابل سوار شدن و پیاده شدن بود . چنانچه بار دیگر ملت قیام نماید و آنها را بیرون براند بتوانند قطعات را پیاده نموده و با خود همراه ببرند و اگر هم نتوانند لاقط پول زیادی را از دست نداده باشند ! گفته میشود روزی که بدنبال ملی شدن نفت کارشناسان انگلیسی از مسجد سلیمان بیرون رانده شدند آنها در حوض تاسیسات نفتی و خانه های پرخرج و زیبایی بودند که در ایران بجای میگذاشتند و میدیدند که بزودی کارشناسان ایرانی ساکن این خانه ها و بنگه های زیبا خواهند شد که به هزینه ی امپریالیزم انگلیس ساخته شده است . لذا با عبرت از گذشته و هراسان از قهر مردم ، برای کلیه ی کارشناسان کنسرسیوم یکجا در ناحیه ی دنج و دور از شهر بنام تلخ آب خانه هایی ارزان قیمت از نوعی که ذکر شد ایجاد نمودند و از آنجا تا اداره ی مرکزی شرکت جاده ی اختصاصی ایجاد نمودند تا باین وسیله سلامت جانی آنها را از حملات احتمالی مردم تا مین نمایند و باز بهمین خاطر کلیه ی نیازهای زندگی آنها را از لحاظ زمین و وسایل ورزش سوار مارکت ، باشگاه ، مدرسه در همان ناحیه ی تلخ آب یا در نزدیکی آن فراهم ساختند و با گماردن مأمورین حفاظتی در همین منطقه از جان خود و خانواده هایشان شدیدا مراقبت بعمل میآوردند .

بهر حال یکی از انگیزه های عمده بی که شرکت سابق نفت و کمرسیموم نفت در جلوگیری از فعالیتهای خانه سازی و بطور کلی ساختمانی داشتند این بود که آنها بخواهی میدانستند با بهره برداری های سرنام آور از جاهای نفت در آتیه ی نزدیکی نفت این جاهها بیاتان خواهد رسید و با اتمام نفت جاهها، شیرازه ی شهری که روی تولید نفت درست شده از هم خواهد پاشید و عوارض مصیبت بار خشکیدن جاهها بر زندگی مردم این شهر محسوس و چشمگیر خواهد بود و کوس رسوایی استثمار و غارت گران نفتی در گوشتهای سنگین مردم استثمار زده طنین آگاهی و طغیان خواهد افکند. لذا صلاح آنها در این بود که از گسترش تاسیسات شهری مسجد سلیمان و جذب جمعیت زیاد تر با حد اکثر نیرو و کوشش جلوگیری بعمل آورند. بطوریکه شرکت سابق نفت علیرغم افزایش جمعیت شهر، از افزایش تعداد دکانها و مغازه ها و ساختمان هر نوع محل کسب جدید شدیدا جلوگیری بعمل می آورد و تعداد دکانها در حد همان محدودی که خود ایجاد کرده بود باقیماند. همین امر موجب گردید تعداد زیادی دوره گرد و همچنین بساطچی هایی که در زیر یک چادر یا سایبان اجناس خود را پهن میکردند افزایش پیدا نماید. تا اینکه در زمان حکومت دکتر صدق اجازه ی ساختمان محل کسب با استفاده از اراضی ارزان قیمت به اصناف واگذار گردید. بدنهال آن مسجد سلیمان صاحب پسا زار و شهرت گردید. این بازار "به بازار صدق" معروف گردید. بعد از کودتای ۲۸ مرداد نام این بازار به بازار حمام تبدیل یافت اما تا مدتها بعد از سقوط حکومت دکتر صدق و علیرغم محیط اختناق و خفقانی کمزیم کودتا برای مردم ایجاد کرده بود باز تا مدتها مردم از آن بنام بازار صدق نام میبردند.

در سالهای اخیر برای ترویج هرچه بیشتر زندگی صرف در میان مردم

اجازه ی ساختمان و ایجاد مغازه های گوناگون لوکس فروشی و کالاهای تجلی در ناحیه ی مرکزی شهر که بنام نمره یک خوانده میشود به سرمایه داران محلی داده شد . این مغازه های لوکس فروشی همزاه با شعبات بانکها و سینماهای متعدد در مرکز شهر جلا و ظاهر پر زرق و برق انقلاب سفیدی بخشیده است .

در یکی دو سال اخیر مردم مسجد سلیمان شاهد غد انسانی ترین اعمال غارتگران نفتی در سرزمین غارت شده هستند ، باین معنی که عوامل غارتگر نفتی ، اکنون که بنسبیت انعام نفت چاههای مسجد سلیمان ، کارگران و کارمندان را اخراج و خود آنجا را ترک میکنند بسیاری از مساکن کارگری و کارمندی را که باین ترتیب تخلیه میشود بجای واگذاری مردم بیخانمان بوسیله ی بولدزیر با خاک یکسان میکنند در حالیکه طی سالهای شماری اداره ی فرهنگ مسجد سلیمان برای تامین خانه و مسکن جهت معلمان و دبیران غیر محلی با شرکت نفت درگیر و در بود و هیچگونه اقداماتی از طرف شرکت در این مورد انجام نگرفت ، این غارتگران خلق حتی امروز نیز خراب کردن این منازل را بر واگذاری آنها به کسانی که با کترین حقوق وظیفه ی تعلیم و تربیت فرزند ان خلق را بعهده دارند ترجیح میدهند . اینجاست که مردم زحمتکش مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیزی که نظیر این اعمال غد خلقی را با چشمان باز میبینند ، با قلبهای آگاه و پر کینه احساس میکنند که بین خلق استعمار زده ی وطن ما و غارتگران جنایتکار امریکایی و انگلیسی هیچگونه رابطه و پیوند انسانی وجود ندارد و آنچه که میان ما و آنها حکم (دور) خواهد بود چیزی جز آتش سلاح خلق ما نخواهد بود .

مشکل آب شهر

چه شرکت سابق نفت و چه کسرسوم نفت حتی از تامین ابتدایی ترین

احتیاج مردم یعنی آب خود داری کردند. و در این مورد نیز ضعفست
طبیعی خود را بر رفاه مردمی که مورد حتم و بهره‌کشی آنان بودند ترجیح
دادند.

آب آشامیدنی شهر مسجد سلیمان از رود کارون که از ۱۰ کیلومتری مسجد
سلیمان میگذرد تامین میشود. در ناحیه بی‌بنام گار لندن بوسیله‌ی
تلمبه‌هایی که در کنار رودخانه قرار دارد آب شهر به مخازن فلزی که در
ناحیه بی‌حرف بشهر ساخته شده وارد و پس از ته نشین شدن گل و
لای آن و خد عفونی با گِلر بین منازل شرکتی تقسیم میشود. اما منازل
غیر شرکتی که در گذشته حدود ۸۰٪ جمعیت شهر مسجد سلیمان را شامل
میشد از آنجا که از نظر قطعات شرکت باین منازل غیر قانونی بودند، لذا
هیچگونه حق حیات و بالتبعیجه هیچگونه استفاده از آب لوله‌کشی شهر
برای آنان قابل نبودند.

تنها برای رفع احتیاج آب آشامیدنی ریزانه شرکت حاضر شد در محل
ناحیه نیک شیر عمومی فشاری (۱) به مردم آنها صدقه کند، تازه این شهر
در ساعات محدود و معینی از روز آب داشت، باین ترتیب که صبح قبل
از شروع کار شرکت حدود یکساعت ظهر باز حدود یک ساعت عصر بعد از
خاتمه‌ی کار شرکت حدود یکساعت ونهم و ششها مطلقاً فاقد آب بودند.
کسی تعداد شیرهای عمومی آب از یکطرف محدود بودن ساعات برداشت
از طرف دوم و زیاد‌ی جمعیت استفاده کننده از این شیرها از طرف
سوم موجب میگردد که در ساعات مزبور از حاح عجیبی از جمعیت بر سر
شیرهای آب بوجود آید و غالب اوقات بر سر رعایت نوبت عوایلی شد بد

(۱) نصب شیرهای آب فشاری در اماکن عمومی حتی امروزه بخاطر درل
سوزی دولت برای مردم است بلکه از نظر فنی برای خرج هوای موجود در
شبهکی لوله‌کشی شهر و سهولت جریان آب امری الزامی است.

بین مردم بها گردد و ساعتها وقت مردم در انتظار نوبت و انرژی آنها در حمل و نقل سطل های آب به هدر رود .
 مساله ی آب آشامیدنی برای مناطقی که در سینه ی کوه و تپه ایجاد شده اند از آنجه تا کنون گفتم هم بدتر است چه اهالی مجبورند سطل های پر آب را از شیر آب که در پایینترین قسمت قرار دارد در سینه کش کوه و تپه نفس زنان تا خانه ی خود بالا بکشند . چه بسیار زنان باردار و کارگران و سایر اقشار محروم این مناطق بر سر محل آب بچه ی خود را در همان دوران بارداری از دست دادند . آری اینست سایل مردم آنهم در زخمیترین سرزمین وطن که شاید برای آنان که از دردستی بر آتش دارند و پیوند آنها با زندگی و درد ورنج مردم گمسته است تصویرش هم غیر سکن است .

مشکل دیگری که در گرمای تابستان بر سایر مشکلات آب آشامیدنی مردم اضافه میشود این مساله است که به علت فلزی بودن مخازن ذخیره ی آب و تابش مستقیم آفتاب سوزان تابستانی این ناحیه بر آنها ، آب لوله کشی شهر آنچنان داغ میگردد که حرارت آن دست و بدن را میسوزاند .
 حال تصور نمایید چنانچه کاری در آن گرمای ۵۰ درجه ی تابستان مسجد طلیهان به خاطر نجات از گرما ، قصد آب تنی نماید چه وضعیتی برای وی بوجود خواهد آمد ؟

حال ببینیم ریشه ی این مشکل و سایر مشکلات از کجا سرچشمه میگردد ؟ واضح است که شرکت غارتگر نفت بجای اینکه مخازن ذخیره ی آب شهر را در این منطقه ی گرسبیری بصورت حوضچه های با عمق کافی در سطح زمین ایجاد نماید ، برای اجتناب از هزینه و خرج زیاد از مخازن فلزی که در معرض تابش مستقیم آفتاب قرار میگیرند استفاده کرده است .
 مشکل دیگری که در رابطه با گرمای سوزان تابستان و آب داغ لوله کشی این شهر برای مردم پیدا میشود مساله ی بنام "بیخ" میباشد . شرکت

غاصب نفت يك كارخانه ی بیخ سازی در حد احتیاج كاركنان خود ایجاد نمود که بهر خانواده جیره بی میزان یک چهارم قالب بیخ در مقابل پرورش قیمت آن معین گردید .

اما برای اکثریت مردم غیر شرکی تنها يك كارخانه کوچک خصوصی موجود بود که برای تهیه ی بیخ میبایست از صبح خیلی زود در صف طولانی به انتظار ایستاد و معمولا در موقع تقسیم فروش بیخ آنچنان مردم از سر و کول هم بالا میرفتند که چه بسا دعاها و سرودست شکستن ها پیش میآید دست آخر هم عده بی با دست خالی بر میگشتند . این وضعیت موجب گردید که "کوبن" های بیخ شرکی بازار سیاه پیدا نماید و عده ای از کارگران کم درآمد شرکت سهمیه ی بیخ خود را با قیمت زیادی به افراد غیر شرکی متکن و مرفه واگذار نمایند . گردانندگان کارخانه ی بیخ سازی غیر شرکی نیز با سواستفاده از تقاضای سرسام آور مردم برای بیخ بهر قیمتی که دلشان میخواست محصول خود را بفروش میرساندند .

فرهنگ

همانطوریکه قبلا اشاره شد گردانندگان شرکتهای غاصب نفت مسجد سلیمان را از دید يك شهر موقتی مینگریستند که با اتمام چاههای نفت میبایستی به حیات آن خاتمه داده شود و آثار جرم غارتگریهای نفتی خود را محو و نابود نمایند . لذا از هرگونه صرف هزینه و سرمایه گذاری در جهت گسترش شهر و تامین وسایل رفاه مردم آن ابا و اجتناب میکردند .

تامین و تعمیم فرهنگ و تعلیم و تربیت فرزند ان کارگر و مردم محلی مسجد سلیمان یکی از آن مواردی بود که هم مقامات شرکت و هم عوامل رژیم دست نشانده در ۶۰ سال اخیر بشدت نسبت به آن حساسیت و وحشت داشته اند ، زیرا خوب میدانند که تحصیل و آگاهی فرزندان مردم تحت ستم و استثمار را به ی تسلط استثمار و رژیم های ضد خلقی را دشوار و چه

بسا غیر ممکن خواهد ساخت لذا باید آنها را در بهسودی و جهل
 مطلق باقی گذاشت و اگر در جایی نظیر مسجد سلیمان هم لازمه ی
 استفاده از نیروی کار و کارگر ایرانی در جهت بهره‌گشی و غارت منابع
 ملی مورد نیاز استعمار و دولت دست‌نشانده ی آن‌ها سواد کردن مردم
 را ایجاب نماید باید این سواد در حد اقل میزان خود و درجهتی
 باشد که برای کار یک کارگرفنی یا یک تکنسین در کارگاه یا کارخانه مورد
 احتیاج است نه بیشتر!

چون کارگری که فقط سواد خواندن و نوشتن اعداد و ارقام و انداره را
 بداند بهتر می‌تواند برای استعمارگر خارجی و سرمایه‌دار چپاولگر
 وابسته بآن کار و خدمت نماید.

بر این اساس در زمان حاکمیت شرکت نفت ایران و انگلیس و تا ملی شدن
 نفت جز یکی دو مدرسه ی ابتدایی در مسجد سلیمان نشانه ی دیگری
 از تعلیم و تربیت چشم نمی‌خورد. در دوران کوتاه حکومت دکتر مصدق
 و علیرغم مشکلات مادی و اقتصادی دولت ملی، در نواحی پرجمعیت
 مسجد سلیمان که فاقد دبستان بود مدارس ابتدایی تأسیس گردید. در
 همین دوره ساختمان یک دبیرستان خیلی بزرگ در مرکز مسجد سلیمان
 نیز آغاز گردید که بعدها مقامات دولت کودتا بناچار ساختمان آنرا به
 اتمام رسانیدند.

در دوره ی تسلط و غارتگری کنسرسیوم نفت، ساختن دبستان و دبیرستان
 یکی از موضوعات مورد اختلاف همیشگی بین مقامات شرکت و گردانندگان
 اداره ی فرهنگ مسجد سلیمان بود. باین معنی که شرکت نفت ساختن
 مدارس و دبیرستانها را وظیفه ی اداره ی فرهنگ میدانست و مردم را
 به آنها حواله میداد. اداره ی فرهنگ هم در مقابل تقاضاهای دایم
 التزاید مردم به دبستان و دبیرستان، از بودجه ی ناچیز اداره ی فرهنگ
 مسجد سلیمان و توانایی مالی شرکت نفت و وظیفه ی آنها در این باره

سخن میراند .

شرکت نفتی که بر تمام شئون حیاتی شهر سلط و حاکمیت داشت و خود دولتی در دولت بوجود آورده بود آنجا که پای تامين فرهنگ و ساختمان مدارس پیش میآید از حاکمیت دولت دست نشانده ی شاهنشاهی و مسولیت وزارت فرهنگ در این خصوص را م میزد .

با نتیجه کمی تعداد مدارس از یکسو و افزایش سرسام آور تعداد دانش آموزان از سوی دیگر موجب گردید که مثل تمام قضایای دیگر چاره ی مشکل را بخرد و زیان مردم جستجوی نمایند . باین معنی که مدارس را نیمه وقت اعلام نمایند یعنی یک سته از دانش آموزان صبح و دسته ی دیگر بعد از ظهر به مدرسه بیایند ، تازه در همین کلاسهای نیمه وقت تعداد دانش آموزان از ظرفیت و گنجایش کلاس و سیز و نیکت زیاد تر بود چه رسد به حوصله و قدرت معلم مربوطه ! در کلاسهای پساتین دبستان تعداد دانش آموزان و کلاس بین ۵۰ و ۶۰ نفر متخیر بود .

حال تصور نمایید در ناحیه ی خوزستان و خصوصاً مسجد سلیمان که به علت گرمای طاقت فرسای هوا سال تحصیلی پنج تا شش ماه بیشتر نیست نیمه وقت شدن مدارس چه فاجعه ی فرهنگی برای تعلیم و تربیت فرزندان نوده ی محروم این شهر بهار خواهد آورد . با توجه باینکه امروز هم در سایر مناطق نفت خیز که حیاتی ترین ثروت این مملکت بهیضا رفته و می رود گردن اوضاع بر همین پاشنه چرخیده و میچرخد .

میتوان ادعا نمود که فرمول نیمه وقتی مدارس برای اولین بار در همین مسجد سلیمان یعنی غارتگاه ثروتهای ملی اختراع گردید . علاوه بر آنچه گفته شد ، مسله ی کمی مدارس از یک طرف و پراکندگی مسجد سلیمان به نواحی و قسمتهای متعدد و مجزا از طرف دیگر موجب میشد که معلمان برای رفتن دبستان یا دبیرستان کیلومتر ها راه را با بطور قلیچانی با کامیون های کارگری شرکت و یا با پای پیاده طی نمایند .

همه ی آنها بیکه تحصیلات خود را در مسجد سلیمان انجام داده اند هیچ
گاه خاطره ی کوره راههای طولانی را که برای رفتن بدرسه از فراز و نشیب
تپه ها و دره ها و از کنار چاهها و لوله های نفت میگذشتند فراموش
نخواهند کرد و باز فراموش نخواهند کرد آن روزهایی را که با کیف و کتای
همراه کارگران و در لابلای صفوف آنها در درون کامیونهای چادری به
مدرسه میرفتند و در تمام طول راه در این راه و دلپره بودند که مادرا
ام بی (۱) مونور سیکلت سوار فرا رسد و بطور وحشیانه آنها را از این سرویس
های کارگری در میانه ی راه پایین بکشد .

این روزها خاطرات ملموس حاکمیت استعماری غارتگران خارجی است .
با اتمام نفت و خشکیدن چاهها مشکل فرهنگ باز به گونه ی دیگر و شد
انسانی ترا گذشته هنوز در این شهر و سایر مناطق نفت خیز تا اقصی
نقاط ایران ادامه دارد .

برای شاهد مطلب چند درجات روزنامه ی اطلاعات مورخ ۱۸ فروردین ۵۳
از قول نماینده ی مسجد سلیمان در جلسه ی فوق العاده ی انجمن اسناد
خوزستان در استانداری اهواز استناد مینماییم : " انتقال شرکت نفت
از مسجد سلیمان که دارای سابقه ی درخشان ۶۰ ساله ی صنعتیست
وضع اسفناکی بر آن بخشیده است . ۱۴۰ هزار خانه ی بدون سند در
مسجد سلیمان وجود دارد .

(۱) - ام بی () مخفف کلمه ی
پلیس نظامی و دژبان است . که توسط شرکت نفت سابق برای کنترل کارر
گران و وسایل نقلیه و حفاظت از تاسیسات نفتی با اونیفورم مخصوص در
مسجد سلیمان تشکیل شده بود .

بدنهال انتقال شرکت نفت : انجوسرانی مسجد سلیمان نیز که توسط این شرکت اداره میشد جمع گردید و همین امر سبب اختلال در رفت و آمد اهالی بخصوص دانش آموزان شده است .

ملاحظه میشود که شرکتهای غارتگر نفت بعد از کیدن شیوه ی جان مردم و ثروت های ملی آنان حتی حاضر نشدند انجوسهای قراضه ی شهری را که مورد استفاده ی مردم و دانش آموزان بود به شهر داری این شهر واگذار نمایند . در مورد معلمین این شهر بعد از ساله ی اصلی یعنی نهمین بودن حقوقی که مشکلی جنلا به کلیه ی فرهنگیان کشور است مسلمی مسکن مطرح است . از آنجا که معلمین مسجد سلیمان نظیر سایر افراد و اهالی از شهرها و مناطق دیگر باینجا آمده اند ، مشکل محل سکونت از همان ابتدای کار ظاهر میشود ، برای يك معلم یا دبیر با آن کمی حقوقی و گرانی میزان اجاره ی منازل غیر شرکسی ، کمی تعداد خانه های اجارهبی نبودن آب در این منازل ، تمیز نبودن آنها و بسیاری عوامل دیگر مشکل مسکن به صورت يك مشکل اساسی جلوه گر میشود . باین لحاظ بسیاری از مجتلمین و دبیران روزیده ی شهرهای دیگر حاضر به خدمت در مسجد سلیمان نیستند و اگر بخاطر فوق العاده ی خارج از مرکز و حق بدی آب و هوا به این شهر بمانند پس از مدتی آنجا را ترك میکنند .

در يك چنین شرایطی مقامات غاصب شرکت حتی از ساختمان منازل مجردی یا واگداری منازل که مورد نیاز شرکت نبود خود داری میکردند و همانطور که گفتیم امروز که شرکت جل و پلاس خود را از این شهر بپیچیده با منازل شرکسی همانکاری را کرده که هکاران جنایتکار اسرائیل آنها موقع عقبنشینی از سرزمینهای اشغالی برادران عرب و فلسطینی میکنند ، یعنی آنچه را که ساخته اند با بولد زور خراب میکنند تا جبارا مورد استفاده ی خلصق استعمار زده ی ما قرار گیرد .

با وجود اینکه شهر مسجد سلیمان بعنوان مرکز اکتشاف و تولید نفت

متجاوز از ۶۰ سال بعنوان یکی از نقاط صنعتی کشور بوده گردانندگان شرکت حتی از ایجاد یک هنرستان صنعتی یا مدرسه‌ی فنی در این شهر بخود داری هزینه اند و با بدون عظیم ترین کارگاههای فنی و تعمیراتی و آزمایشگاههای مجهز شیمیایی و معدنی در دبیرستانهای این شهر تا امروز هم فاقد آزمایشگاه فیزیک یا شیمی یا کارگاه هنری و فنی هستند و دبیرستان در این شهر مثل تمام دبیرستانهای کشور دانش آموز فقط با یکسوی شکل لوازم و دستکاههای شیمیایی و فیزیکی در داخل کتاب یارویی نخستی سیاه سروکار دارد. اینست فرهنگ استعماری و آموزش و پرورش محمد رضا شاهی!

وضعیت بهداشتی

با توضیحی که در مورد لوله کشی شهر و فقدان آب داده شد خود بخود تکلیف بهداشت شهر روشن است واقعا تعجب آور است که بگویم شهری که در ۱۰ کیلومتری پیرآب ترین رود ایران قرار دارد و باز تعجب آور این که بگویم شهر صد هزار نفری مسجد سلیمان دارای یک حمام است که قسمتی از اوقات روز زنانه و ساعاتی از روز مردانه است! بعلت وضعیت خاص شهر و منازل غیر شرکشی، از مدتها قبل در چند نقطه‌ی شهر توالی های صوبی ساخته شده که بعلت نداشتن چاه فاضلاب بهراکز تعفن و کثافت و گائون بیماری تبدیل شده است.

از همان آغاز فعالیت شرکت و استخراج نفت گازهای گوگردی چاههای نفت که بوسیله‌ی دستکاه مخصوص از نفت جدا میشد بجای لوله کشی آن بمنازل جهت تامین معارف خانگی، این گازها را در همان نزدیکی چاه میسوزانیدند. باین لحاظ به تعداد چاههای نفت در گوشه و کنار شهر شعله های عظیمی از گاز نفت شبانه روز در حال سوختن بود. این شعله ها آتپنان متعدد و بزرگ بود که شبها تمام اطراف و نواحی شهر در زیر

پرتو آنها روشن میشد. طی بیش از ۶۰ سال مقامات شرکت برای استفاده مردم از این گازها هیچگونه کوششی بعمل نیاوردند و این محله‌ها ی گاز با ایجاد گازهای سمی نه تنها به آلودگی هوای شهر و سلامت مردم زیان می‌رسانند بلکه در فصل تابستان بر گرمای سوزان هوای شهر مزید بر علت شده و مسجد سلیمان را به جهنم سوزانی بدل می‌ساختند. در سالهای اخیر فعالیتهای زیادی که برای حفاری چاههای جدید بعمل آمد بسیاری از چاهها به گاز برخورد نمود که رها کردن یا سوزاندن گاز این چاهها در هوای اطراف محیط این شهر از لحاظ تنفسی به طرز عجیبی خفگان آور کردید .

در طی همین عملیات یکی از چاههای گازی در ناحیه ی مثل بزین * با تمام فشار گاز خود آتش گرفت و بیش از یکماه آتش‌سوزی آن ادامه داشت و مردمیکه از همه چیز محروم بودند از ابتدای ترین نعمت طبیعت یعنی هوای سالم محروم گردیدند .

جنایتکاران آمریکایی و انگلیسی که در کشور خودشان هزاران قید و بند و مقررات سخت و شدید در مورد جلوگیری از آلودگی هوای شهرها دارند در کشور شاهنشاهی دست نشانده و نوکر خودشان هیچگونه قید و بندی در آلودگی هوای شهرهای مناطق نفتی احساس نمیکنند . امروز همین وضعیت مسجد سلیمان برای شهرهای اهواز، آغاچارای، گچساران، آبادان و بندر شاهپور و جزیره ی خارک نیز صادق میباشد .

در طی ۶۰ سال در مقابل این آلودگیهای هوا تاکنون هیچ نوع اقدامی در ایجاد فضای سبز و درختکاری در این شهر نه از طرف شرکتهای غارتگر نفت و نه از طرف سولین دوز و فاسد شهرداری بعمل نیامده است فضای سبز شهر منحصر به همان درختکاربها و چشکاربهای اطراف منازل خارجیهها و کارمندان عالیرتبه ی شرکت است و حال آنکه کوهی تلخ آب که محل اقامت کارشناسان خارجی است آنچنان مواردی درخت

کاری و فضای سبز است که منازل آن در لابلای درختان کم و ناپید است. وضعیت درمانی شهر تا این اواخر منحصر به مراکز درمانی شرکت بود که شامل دو مرکز درمانی شهر و یک بیمارستان شرکت بود. استفاده از بیمارستان شرکت و بستری شدن در آن منحصر به کارکنان شرکت بود و افراد غیر شرکتی تنها با پارتی بازی و نوصیه و سفارش مقامات موثر شرکت قادر به استفاده از آن بودند.

در سالهای اخیر با برچیده شدن مراکز درمانی شرکت یکی دو مرکز درمانی متعلق به شیر خورشید سرخ و یک بیمارستان کوچک (حدود ۲۰ تا ۳۰ تختخوابی) ایجاد شده است که در مقایسه با جمعیت شهر، بیمارستان های مزبور فقط در حد احتیاج افراد پارتی دار و متنفذ شهر است و بسیاری از مردم برای کوچکترین عطیات جراحی نلچار هستند به بیمارستان های دولتی یا خصوصی اهواز مراجعه نمایند.

بعلت فقدان خدمات بهداشتی و درمانی شرکتی یا دولتی در ایمن اواخر بازار مطب دکترهای کلاس و تاجر حساسی پر رونق است و علاوه بر مردم شهر، عشایر و روستاییان نهیدستی را نیز که از دهات دور دست بآنها مراجعه میکنند بهیرحمانه غارت میکنند.

وضعیت کارگران

همانطوریکه قبلا گفتیم شرکت نفت ایران و انگلیس برای غارت چاههای نفت ایران نیروی کار عشایر بختیاری را با کترین دستمزد به خدمت خود گرفت. استثمارگران و متم امپریالیسم انگلیس نسبت به طبقه ی کارگر مسجد سلیمان تا طی شدن نفت بطور ضد انسانی و وحشیانه بی ادانه یافت.

نزدیک به سی سال استثمار ظالمانه و زورگویی ها و توهین و تحقیرهای عمال انگلیسی نسبت به کارگران صنعت نفت، آگاهی اجتماعی و شعور طبقاتی آنان را بالا برد.

اولین ندای "طی کردن نفت" از فریاد ناپید و پشتمانی کارگران صنایع

نفت نیرو گرفت و شعار ملی شدن نفت به پیشوايي دکتر مهدق توده‌ي رنج‌دیده و استعمارزده‌ي خلق ايران را بسیج و یکپارچه نمود. در مدت کوتاهی مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز به کانونهای شورش ضد امپریالیستی بدل گردیدند. آگاهی سیاسی و عزم راسخ همین کارگران نغمه‌های ناموافق احزاب اپورتونیست و بظاهر کارگری را که علیه شعار ملی شدن نفت ساز کرده بودند خاموش ساخت و تحت فشار و خواست ملی و طبقاتی همین انتشار کارگری، احزاب مزبور بناچار به شعار ملی شدن نفت تن دادند.

صفوی یکپارچه و عزم راسخ توده‌ي تحت حتم و امپریالیسم انگلیس را بزانو در آورد و حکومت ملی دکتر مهدق در اولین فرصت دست استعمارگران انگلیسی را از ذخایر نفتی و کلیه‌ي دستگاهها و تاسیسات نفتی کوتاه نمود.

کارشناسان انگلیسی که از ترس انتقام کارگران هیچ نوع تامل جانی برای خود ننهیدیدند در اسرع وقت خاک مسجد سلیمان را ترک کردند. پیچ انگلیس از فراز ساختمان اداره‌ي مرکزی شرکت نفت ایران و انگلیس در میان فریادهای شادی انبوه کارگران شهر بنزیر آمد و پیچم ایران و شرکت ملی نفت ایران برای اولین بار سر در اداره‌ي مرکزی شرکت به اهتزاز درآمد.

در آن روز با خلق یک شرکت غاصب نفت و برچیده شدن بساط امپریالیستهای انگلیسی مردم رنج‌دیده‌ي ایران بعد از سالها یک تازی استعمار و امپریالیسم در ایران، برای اولین بار مزه‌ي آزادی و استقلال صلی را احساس می‌کردند.

از آن پس نوطنه‌های گوناگون استعمار و دربار و عناصر ارتجاعی علیه حکومت ملی دکتر مهدق یکی پس از دیگری مرحله‌ي اجرا درآمد و کارگران مسجد سلیمان همگام با توده‌ي کارگری ایران در صف مقدم جنبش

علیه این توطئه های ارتجاع بیماریزه برخاستند و حماسه ی جاویدان قیام شی ام تیرماه سال ۳۱ را بوجود آوردند .
جنش ملی و ضد امپریالیستی ایران به رهبری دکتر صدق عمیق در میان
اقتدارکاری نفوذ یافت از کارگاهها و تاسیسات نفتی گرفته تا دکان
نانوایی و قصابی ، همه جا صحبت از نفت و غارتگرهای گذشته و امید
های آینده بود .

بعلت عدم فراوانی رادیو در آن زمان هرگز هر را در پیو برای شنیدن
اخبار جنش و پیروزیهای جدید ، درها نفر اجتماع میکردند ، روزنامه ها
و مجلات با تیتراهای درشت در پیو جنایات امپریالیسم و فساد شاه
و دربار و توطئه های ارتجاع در میان مردم دست به دست میگشت .
روزنامه هایی نظیر باختر امروز در مسجد سلیمان بسرعت نایاب میشد و
گاه با چندین برابر قیمت اصلی بفروش میرسید .

اما امپریالیسم جهانی و نفتخواران بین الطلی که منافع عظیمی را در
ایران از دست داده بودند ، باین مادگی حاضر بحق نشینی نبود و
و پیوسته با توطئه های ضد ملی ، توسط خاندان کثیف پهلوی و مهرهای
خائن ارتش و ارتجاع در صدد سقوط حکومت ملی و ضد استعماری دکتر
صدق برآمدند . بسیاری از این توطئه ها خنثی گردید ، اما سر
انجام توطئه ی کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۳۲ به پشتیبانی مستقیم
امپریالیسم امریکا و انگلیس حکومت ملی دکتر صدق را ساقط و مقاومت
مردم را درهم شکست .

با بازگشت حکومت دست نشانده ی شاه به ایران بکشتار آزاد پخواهان و
توده ی مردم در سراسر کشور آغاز گردید .

دو شهر مسجد سلیمان و آبادان و سایر مناطق نفت خیز بسبب موقعیت
خاص و موضع ضد امپریالیستی کارگران شرکت نفت مورد هجوم بیرحمانه ی
نیروهای کودتا قرار گرفت ، بسیاری کشته و جمع کثیری دستگیر گردیدند .

در زیر سایه ی تیر و وحشت قرار داد نفت با کسرسیموم مرکب از کپا-
نیهای غارتگر امریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی منعقد گردید.
در زیر حکومت سر نیزه، کارشناسان بیگانه با ایران مراجعت و بهره
برداری مجدد از چاههای نفت آغاز گردید.

قدرتهای غارتگر نفت، بزخم خورده از گذشته و با کینه های عمیقی که از
مبارزات نیروهای کارگری در دل داشتند در پی انتقام جویی اصولی بر
آمدند. در طی این عطیات انتقامی، مبارزین فعال زندانی و با اخراج
گردیدند. با ایجاد صعیط رعب و وحشت، امکان هر گونه اعتراض و احتضا
بی را مانع گردیدند و از آنجا که مبارزات وسیع ضد امپریالیستی کارگران
را ناشی از تجمع و همبستگی آنان میدانستند، برنامه ی وسیعی برای
از بین بردن این تجمع کارگری و اخراج کارگران مسجد سلیمان و سایر
مناطق نفت خیز مهیا ساختند.

ما ذیلا کلیات این برنامه ی ضد کارگری کسرسیموم غارتگر نفت را در مسجد
سلیمان بررسی مینماییم. ضمنا لازم به تذکر است که مشابه همین اقدامات
نسبت به کارگران پالايشگاه آبادان و کارگران سایر مناطق نفت خیز نیز
احمال گردید.

برنامه ی ضد کارگری کسرسیموم نفت

۱ - انوماتیک کردن تاسیسات نفتی :

کارشناسان بیگانه برای فراهم ساختن زمینه ی اخراج کارگران و بالا بردن
تولید و غارت بیشتر منابع نفتی، در ستگاههایی را که بر روی چاههای نفت
قرار داشت با وسایل پیشرفته و خودکار تجهیز کردند. لذا برخلاف
گذشته که بر روی هر چاه و در هر نوبت کاره جد اهل دوتا سه کارگر
مشغول کار بودند، با نصب ستگاههای فوق، نفت بدون دخالت کارگر

مستقیماً از چاه در خط لوله روزانه ی پالایشگاه یا بندر صادراتی آبادان میگردید .

کنترل خط لوله که تا آن موقع بوسیله ی اکیپ های کارگری بعمل میآمد به وسایل الکترونیکی سپرده شد ، بر اساس این سیاست تا- سیاست پالایشگاه آبادان مدرنیزه گردید . با این اقدامات تعداد بسیار زیادی از کارگران ، اضافی وزاید بر احتیاج تشخیص داده شدند که میبایست بتدریج و در آینده ی دور و نزدیک اخراج گردند .

۲- تعطیل کارگاهها و بعضی از تاسیسات نفتی

در زمان تسلط شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ، این شرکت برای تعمیر تجهیزات و دستگاها و ساختن لوازم یدکی ، کارگاههای بزرگ و مجهزی نظیر کارگاه تراشکاری ، آهنگری ، ریخته گری ، الکتریکی ، نجاری (که در مجموع معروف به " وک شاپ " بود) تاسیس نمود . این کارگاهها که بنا به ادعای سولین امر در آن زمان بزرگترین کارگاه در نوع خود و در خاور میانه بود چون در مجاورت یکدیگر ساخته شده بود ، خرید کانون اجتماع کارگری عظیمی را تشکیل میداد و لذا از همان آغاز کار کمرسیوم نفتی تصمیم به محدود کردن و برچیده شدن آنها گرفته شد . علاوه بر سه ساله ی اخراج کارگران ، یکی دیگر از نقطه نظر های کارشناسان امریکایی و انگلیسی در برچیدن این کارگاههای مجهز این بود که ساخت قطعه یک دستگاه از قیمت خرید همان قطعه ی یدکی از امریکا یا انگلیس گران تر و بصره ی اقتصادی شرکت نمیشد . این نقطه نظر و استدلال از لحاظ منافع اقتصادی غارتگران امریکایی و انگلیسی صحیح و منطقی بنظر میرسید اما از لحاظ منافع ملی مردم ایران خصوصاً قشر محروم کارگری ، این اقدام در حد یک فاجعه و مصیبت بود . ماهیت استدلال آنها این بود ، پولی را که بصورت مزد کارگر ایرانی برای ساختن فلان قطعه ماشین میدهم

چرا همان پول را بکارخانه دار امریکایی و انگلیسی ندهیم ؟ چرا برای جلوگیری از بیکاری کارگران امریکایی و انگلیسی این قطعات را از خارج وارد نکنیم ؟ چرا حالا که ما تصمیم گیرنده و صاحب اختیار و خریدار لوازم فنی هستیم آنها را از کشور خودمان خریداری نکنیم ؟ چرا کارگر ایرانی را برای این کارها حقوق بدیم که فردا علیه ما اعتصاب راه انداخته و با فریادهای ضد امپریالیستی مشت خود را علیه ما و تسلط ما بر نفت ایران گره نماید . این همان کارگریست که از طی کردن نفت پشتیبانی نموده و بخون ما نشسته بود و شبها از ترس دشمنان های آنسان در مسجد سلیمان و آبادان خواب راحت نداشتیم . چرا حالا که فرصت انتقام فرا رسیده است با بیکار کردن و گرسنه نگهداشتن خود و خانواده اش او را تنبیه و مجازات و مورد عبرت سایرین نسازیم ؟

بهر حال در اجرای این تصمیم تعدادی از ماشین آلات این کارگاهها به تعمیر مرکزی اهواز منتقل و بقیه ی آن تعطیل و کارگران آن اخراج گردیدند .

در دنباله ی همین سیاست کارخانه ی گچ سازی بزرگ و مجهزی که در زمان شرکت سابق ایجاد شده بود در دوران کسرسیوم تعطیل و بهره چیده شد .

کارخانه ی گوگرد سازی "بی بیان" و سایر تاسیسات شیمیایی این ناحیه از مسجد سلیمان محدود و در این اواخر تعطیل و کارگران آن اخراج گردیدند .

۳- سیاست مقاطعه داران عطیلات و خدمات فنی

بر اساس سیاست کاهش تعداد کارکنان و تقلیل مخارج عطیلات استخراج نفت و افزایش سود کمپانیهای غارتگر نفت، کارگردانان کسرسیوم کلبه ی قسمتهایی را که برای انجام بسیاری از احتیاجات شرکت توسط شرکت

سابق نفت ایجاد شده بود منحل و وظیفه‌ی آنها را به مقاطعه کاران داخلی و خارجی محول نمودند .

برای نمونه امور حفاری چاههای جدید به پیمانکاران امریکایی، بعضی از امور جاده سازی و کارهای اجرایی ساختمانی به پیمانکاران داخلی و تاکسیرانی شرکت به یک نفر سرمایه دار مسجد سلیمان واگذار گردید و کتبه‌ی تاکسی‌هایی که متعلق به شرکت بودند از رده خارج گردید، و چون تعمیرات و سرویس تاکسی‌های جدید به عهده‌ی سرمایه دار مزبور بود، لذا قسمت کاراژ و تعمیرات اتوموبیل‌های شرکت منحل گردید . البته از نظر ورود کالای خارجی در این مورد منافع سرمایه داران انگلیسی ملحوظ و محفوظ گردید، زیرا بجای ماشینهای سواری انگلیسی که قبلاً بوسیله‌ی شرکت و بحساب هزینه‌ی تولید نفت وارد میشد این بار از اتوموبیل بیگان و در واقع همان ماشین انگلیسی که در ایران سرهم شده بود، استفاده میگردد و باین ترتیب بروج بازار صنایع اتوموبیل سازی انگلیس خدمت میکند .

این سیاست تا جزیی ترین امور شرکت به مرحله‌ی اجرا در آمد، تا جائیکه لباس کارگران که قبلاً در کارگاههای خیاطی شرکت تهیه میشد بصورت مقاطعه به خیاطی‌های خصوصی واگذار گردید و خیاطخانه‌های شرکت تعطیل گردید .

البته این سیاست مقاطعه دادن علاوه بر آنکه موجب تعطیلی کارگاهها و قسمتهای مختلف شرکت و بیکاری کارگران آنها گردید، درجه‌ی استثمار کارگران را در سطح کلی افزایش داد، زیرا شرکتها و موسسات مقاطعه کاری برای انجام همان کارها نصف تعداد کارگرانی را که شرکت به خدمت میگرفت آنها را حقوقی بمراتب کمتر از حقوق شرکت نفت استخدام و بکار میگرفتند، و تا هر موقع آنها را احتیاج داشتند نگه داشته و بسه محض کم شدن کار یا اتمام کار، آنها را اخراج میکردند .

آنچه که زمینه‌ی سواستفاده‌های پیمانکاران و استثمار شدید تر کارگران را فراهم میساخت این موضوع بود که با استخراج کارگران از طرفی شرکت و زیاد شدن تعداد کارگران بیکار در بازار کار موجب پایین آمدن سطح دستمزدها گردید و این بهترین وسیله‌ی تاخیر منافع مشران مطلقه کاران خارجی و داخلی شرکت بود که با دریافت حق حساب و رشوه از طرف پیمانکاران داخلی و محلی ثروتهای هنگفتی بدست آوردند .

۴- استفاده از شرکت ملی نفت برای انجام خدمات پرهزینه و دشوار

اساساً شرکت ملی نفت ایران* بدنبال خلق پد از شرکت سابق نفت و در زمان حکومت ملی - کمره صدق برای اداره‌ی تأسیسات ملی شده‌ی نفت و بهره برداری از چاههای نفت بدست ایرانی و برای خلق ایران تشکیل گردید . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در شرایطی که تمام عطایات تولید و اکتشاف و پالایش نفت بوسیله‌ی کسرسیوم کمانیهای نفتی بگانه اداره و انجام میشد برای فریب افکار عمومی و عدم مخالفت آشکار رژیم نسبت به ملی شدن نفت شرکت ملی نفت ایران را اسما باقی گذاشتند و برای این که ظاهراً موجودی بی‌بی به آن داده باشند توزیع و فروش نفت و بنزین در داخل کشور را به آن واگذار نمودند .

علت واگذاری توزیع و فروش نفت به شرکت ملی نفت تنها بدلیل حفظ موجودیت شرکت با اصطلاح ملی نفت نبود بلکه دلیل عمده‌ی دیگرش این بود که کسرسیوم نفت حاضر به قبول این وظیفه‌ی پردرد سر و کم درآمد نبود و زیرا توزیع نفت در داخل ایران با نبودن راه آهن مجاده‌ی انتقال و حتی جاده‌ی خاکی برای بسیاری از شهرها و دهات در اندازه و نبودن وسیله‌ی نقلیه نظیر قطار و کامیون به تعداد کافی امری بسیار شاق و دشوار بود که به سرمایه‌گذاری هنگفت و استخدام و اداره‌ی کارگران و کارمندان زیادی نیاز داشت و تازه این همان چیزی بود که کسرسیوم نفت

در اداره‌ی تاسیسات نفتی به شدت با آن مخالف و از آن بیزار بود. بنا بر این بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شرکت با اصطلاح ملی نفت به صورت آلت دست کسرسیوم و ارگانی در خدمت ضافع فارتگران نفت تبدیل گردید. از این تاریخ در مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز، کلیه‌ی خدمات عمومی که متضمن درد سر و صرف مخارج هنگفتی بود به شرکت ملی نفت واگذار گردید. این امور عبارتند از: اداره‌ی امور بیمارستانها و درمانگاهها، اداره‌ی باشگاهها، سینماها، استخرها، هتل‌ها و مهمان سراهای (در اصطلاح شرکت و نواحی نفت خیز "گست هاوس وست هاوس") متعلق به شرکت، نظافت شهره، امور باغبانی و فضای سبز و بسیاری امور دیگر از این قبیل که رسیدگی و اداره‌ی آنها به شرکت به اصطلاح ملی نفت واگذار شده است.

خلاصه‌ی کلام اینکه شرکت با اصطلاح ملی نفت در حکم کماشته‌ی کسرسیوم مناطق نفت خیز درآمد.

کسیر سیوم نفت با این خط مشی ضد خلقی، هم تعداد زیادی از کارگران و کارکنان خود را اخراج نمود و باین ترتیب درد سرهای اداری خود را کاهش داد. و هم اینکه انجام این خدمات و پرداخت حقوق افراد اداری را که برای این منظور کار میکردند به بودجه‌ی شرکت با اصطلاح ملی نفت تحمیل نمود.

بعد ها با تاسیس پالایشگاه نفت تهران تنها کار فنی شرکت هرگز و طولی و با اصطلاح ملی نفت به اداره‌ی این پالایشگاه بسیار کوچک منحصر گردید.

۵- انتقال وظیفه و حفاظت به نیروهای پلیس و ژاندارمری

همانطوریکه گفتیم تفنگچی اولین عنوانی است که به نگهبانان چاهها و تاسیسات نفتی اطلاق گردید. و برای اولین بار افراد آن از عشایر بختیاری و با انتخاب خونین آن معرفی و توسط شرکت استخدام گردیدند.

بعد ها و در زمان تسلط شرکت سابق نفت این افراد بصورت کارکنان و پرسنل اداره ی حفاظت شرکت سابق نفت درآمدند . بعد از کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت دیکتاتوری نظامی محمد رضاشاهی در ایران ، کسرسیموم نفت با استفاده از شرایط حاکم و بمنظور تقلیل حقوق بگیران خود و تحمیل قسمت دیگری از هزینه ی اداری به ارتش حکومت کودتا اداره ی حفاظت را منحل و حفاظت چاهها (تاسیسات نفتی و پست های کنترل و بازرسی دروازه های شهر مسجد سلیمان که تا آنوقت از وظایف اداره ی حفاظت شرکت بود به نیروهای پلیس و ژاندارمری واگذار کردید

۶- تعطیل نیروگاه برق تلمی

با انتقال شبکه ی برق سد دز به مسجد سلیمان ، نیروگاه عظیم برق تلمی تعطیل و کارکنان آن بیکار و زاید بر احتیاج تشخیص داده شدند . انتقال برق سد دز به مسجد سلیمان از آن قبل کارهای نشت کمفای - رجش بر عهده ی طت محروم ایران و استفاده اش به جیب کمپانی غارتگر نفت میرود .

زیرا اولاً-نیروگاه برق تلمی که خود سالیان دراز احتیاجات برقی شهر را در اوج بهره برداری از چاههای نفت و مصارف صنعتی شرکت تامین میکرد قادر بود در آینده نیز با اتمام چاهها و کاهش مصارف صنعتی ، احتیاجات برقی شهر را همچنان تامین نماید .

ثانیاً - انتقال شبکه برق از سد دز به مسجد سلیمان آنها را با وضعیت کوهستانی مسیر مضمن مخارج هنگفتی بود که به هزینه ی سازمان آبرو برق خوزستان یعنی از بودجه ی مردم ایران به سود کمپانی نفت اجرا کردید .

ثالثاً- تعطیل و از کار انداختن نیروگاه برق تلمی که منجر به از بین رفتن و لا استفاده ماندن آنها شده است خود مبالغ هنگفتی به ثروت و درایی عمومی مردم زیان و خسارت وارد ساخته است .

گفته اند که اینک در هیچ کشور صنعتی با تاسیس نیروگاه جدید برقی
نیروگاه نیروگاه برقی قبلی را تعطیل نمیکنند بلکه نیروگاه جدید برای
مصارف و استفاده های جدید است. اما در کشور استعمار زده ی
ایران صد روز و کارخانه های برقی آن را نه به خاطر احتیاج بآب و برق
بلکه به خاطر ریختن پولهای نفت به جیب شرکتهای ساختمانی و
کارخانههای الکتریکی امریکایی، ایتالیایی و ژاپنی میسازند.
آنچه بر سر نیروگاه برقی مسجد سلیمان آمد بر سر کلبه ی نیروگاهها
شهر نفت خیز و غیر نفت خیز خوزستان نیز آمده است. مثلا نیروگاههای
عظیم برقی پالایشگاه آبادان را به خاطر اینکه برقی سد روز بهیصرف مانده
بود تعطیل کردند و مردم را مجبور ساختند که از برقی سد در استفاده
نمایند.

و ایها استخراج کارگران و کارکنان تاسیسات برقی تصی که بدنهال تعطیل
نیروگاه مزبور و استفاده از برقی سد در عطلی گردید. ضنا کسر سوم
نفت موفق گردید علاوه بر اخراج کارکنان و صرفه جویی در مخارج خود
از برقی سد در نیز به بهای ناچیزی استفاده نماید.
احمال و اجرای پنج مورد کلی فوق در طی مدت کوتاهی، کسر سوم نفت
را قادر ساخت که تعداد کارکنان صنعت نفت مسجد سلیمان از ۱۷۰۰۰
نفر به دو هزار نفر کاهش دهد. از میای ۱۰۰۰۰ نفر کارگران زاید بر
احتیاج هزینه ترین و پر ضررترین آنها را به مناطق جدیدی نظیر
خارک - کج ساران - اهواز - منتقل و انبوه گشتری از آنها را با باز خرید
نمود.

تصمیم شرکت به اخراج کارگران از همان ابتدا ای امر به اعتراض شدید
کارگران و کارمندان مواجه گردید بطوریکه بطور دسته جمعی بمقامات
وزارت کار اعتراض و نمایندگان آنها به مراجع مختلف نامه نگاری و تلگرافی
و ملاقات حضوری نمودند اما کلبه ی این فعالیتهای سودی نخشسید

و تنها نتیجه اش این شد که سابقه‌ی کار کارگران از طرف کسرسرموم نفت برخلاف قوانین کار بجای سالی سه ماه بر اساس سالی دو ماه حقوق باز خرید نکرده و باز خرید گردید. و باز برخلاف همان قوانین کار، که کارفرما در صورت عدم احتیاج به کارگر باید رضایت او را فراهم سازد، چون در این مورد کارفرما و دربار و اربابان آنها بوده، کلیه‌ی موازین و بندهای قانون کار در این مورد پیشگیری ارزشمند است.

از آن بعد مهر "سالی دو ماه" بر پیشانی غالب کارگران زده شد و اصطلاح "سالی دو ماه" در تمام شئون زندگی، فرهنگ و بحث‌های روزانه‌ی مردم بعنوان نشانه‌ی بد بختی و سیاه رفتی کارگران وارد گردید.

بسیاری از کارگران سالی دو ماه در عرض مدت‌تی که در جمعیتی کار بودند و قبل از آنکه شغل جدیدی پیدا نمایند بحالت عاقله‌ی زیاد و اجاره‌ی سنگین و بالا بدون سطح زندگی در مسجد سلیمان پولهایی را که به عنوان باز خرید از شرکت گرفته بودند تمام کردند. تعدادی از همین کارگران فنی از درد ناچاری و احتیاج به دوره‌گردی و دستفروشی برداشتند. بعضی از کارگران سالی دو ماه که قبلاً در شرکت دارای شغل فنی بودند با پول شرکت ناچاراً به باز کردن قهوه‌خانه و کافه در داخل شهر و یا در فاصله‌ی بین مسجد سلیمان و اهواز و سایر شهرها اقدام کردند. "کافه‌ی سالی دو ماه" "قهوه‌خانه‌ی سالی دو ماه" و نظایر آن نشان دهنده‌ی سرنوشت کارگر ایرانی تحت ستم امپریالیستهای غارت‌گر است.

چون تعدادی از کارگران در صد خرید خانه برآمدند قیمت خانه آنچنان بالا رفت که بقول کارگران با این پول شرکت، حتی قادر به خرید یک آلونک نبودند و باز بنا به گفته‌ی همین کارگران اگر دولت لااقل یک قطعه زمینی به هر کارگر اخراجی بطور رایگان واگذار میکرد آنها میتوانند

بهر وسیله بی که شده با این پول شرکت در داخل آن یک اطالکسی
 بسازند که خود و خانواده شان از ناراحتیهای اجاره نشینی و
 اجاره ی سنگین خلاصی پیدا نمایند . اما چه خیال واهی ! حکومت
 دیکتاتوری محمد رضا شاهی ! که پایه های آن بر کفین شیره ی جان
 کارگر و پر اجساد گلوه باران شده ی مردم محروم خلق ما استوار شده
 است چگونه میتواند توجهی به خواستههای کارگران پیدا نماید .
 در چند سال اخیر که شهرت ارس ابتدا این خصوصاً در بیمارستانها به
 مقدار زیاد افزایش یافت بسیاری از همین کارگران سالی دو ماه که
 دارای چند تن فرزند دبستانی و دبیرستانی بودند تمام تلاش و خواست
 آنها در بیمارستان و اداره ی آموزش و پرورش این بود که حالا که ما را
 اخراج و از کار بیکار کرده اند و دولت هم فکری به حال ما نکرده لاف
 از بچه های ما شیره نگیرد ! بهر حال آنچه در مسجد سلیمان میگردد
 بعنوان نمونه خود نشان دهنده ی این است که امروز کشور ما بهشت
 جنایتکاران و غارتگران امریکایی ، انگلیسی ، اسرائیلی ، و جهنم کارگران ،
 دهقانان و سایر اقشار محروم و آزاده ی ایرانست .
 نتیجه : مسجد سلیمان امروز، فرار خانه ی مردم

طلی مطالب گذشته تا حدودی نشان داده شد که شرکتهای غارتگر نفتی
 چگونه از گسترش و توسعه ی شهر مسجد سلیمان بحتها کوشش خود جلو
 گیری بعمل میآورند و احتجاجات زندگی و تاسیسات شهری آن را در
 سطح حد اقل ایجاد میکردند تا با اتمام جاههای نفت آثار وجودی
 این شهر را که صرفاً بخاطر غارت ثروتهای نفتی آن ایجاد شده بود به
 سهولت از میان بردارند، بهمین دلیل در چند سال اخیر بدنهال اخراج
 کارگران و کم شدن تولید نفت و افزایش میزان بیکاری و فقر بتدریج شيرازه
 اقتصادی این شهر در آستانه ی درهم پاشیدگی و نابودی فرار گرفت.

اما در حالی که شرکت‌های حامل نفت ایران (کسرسوم نفت) تا پیش از خود را بخاطر تمام شدن نفت مسجد سلیمان از این شهر جمع میکرد، حامل جدیدی بنام ارتش در سرنوشت زندگی این شهر وارد گردید. به صدق ضرب المثل عامیانه "میراث گرگ برمی گفتار" ارتش در نقش وارث تاسیسات و ساختمانهای باقیمانده از شرکت غارتگر نفت ظاهر گردید. حال بهینیم چه عواملی موجب گردید که ارتش استعماری شاهنشاهی به عنوان میراث خوار شرکت‌های غارتگر نفت در مسجد سلیمان وارد گردد؟

الف- موقعیت خاص استراتژیکی مسجد سلیمان

مطابق نقشه های استعماری و غارتگرانه ی امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی برطیقه ی سرکشی جنبش‌های آزاد بخوابانده ی کشورهای مجاور خلیج فارس و حفظ منابع و کشتیهای نفتی غارتگران امریکایی و انگلیسی به شاه ایران واگذار و بدینال آن پایگاههای متعدد نظامی در جنوب کشور و در مجاورت خلیج ایجاد و مرکز نیروهای زرهی به اهواز منتقل شد بحالت وجود ذخایر نفتی و هم مرزی استان خوزستان با کشورهای عربی و ناحیه ی خلیج تعداد سرسام آوری تانک و سلاحهای تهاجمی در اهواز و سایر نقاط مرزی و مناطق حساس متمرکز گردید. بر اساس نقشه های نظامی مستشاران و کارشناسان نظامی امریکایی خوزستان و مناطق مجاور خلیج در آینده صحنه ی جنگ و پیکار احتمالی ارتش دست نشانده ایران با یکی از کشورهای عربی ناحیه ی خلیج واقع خواهد گردید. در یک چنین جنگ احتمالی وجود یک پایگاه و منطقه ی تدارکاتی پشت جبهه ضروری و حیاتی خواهد بود. اما این منطقه ی تدارکاتی باید از یک طرف و به حد کافی از صحنه ی عملیات دور بوده تا از برد هواپیماهای تهاجمی دشمن محفوظ ماند و از طرف دیگر در مقابل دید هواپیماهای دشمن پوشش و حفاظت طبیعی لازم را دارا باشد. هر دو شرط مزبور یعنی دور بودن نسبتا کافی مسجد سلیمان از خلیج و مرزهای کشورها

پس از آنکه با توجه به اوضاع موجود در منطقه و با توجه به اهمیت موضوع و با توجه به اینکه مسجد سلیمان بنا -
 به نسبت نظامی و استراتژیکی را بعنوان یک مرکز تدارکاتی پشت
 پس از آنکه با توجه به اهمیت موضوع و با توجه به اینکه مسجد سلیمان بعنوان مرکز صنایع نظامی و زرادخانه ی تولید
 سلاح های زرهی انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت .

در مرحله ی اول اجرای این طرح ، کارگاه تعمیرات و مونتاژ تانک در
 محله ی تلخ آب و در نزدیکی کوهی کارشناسان خارجی شرکت نفت ایجاد
 گردید . این کارخانه در محلی ساخته شده که در تا دور آن بوسیله ی
 کوهها و تپه ها احاطه شده و نحوه ی ساختن کارخانه بشکلی است که
 کشتن دید هوایی را برای هواپیماهای دشمن داشته باشد .

تازه و کار کارخانه ی تانک سازی تعمیر تانک های ام ۴۰ آمریکایی و
 تانک های آلمانی به تانک های مدل ام ۶۰ آمریکایی است . باین ترتیب که
 موتور و موتور تانک ام ۴۰ را با زنجیر و موتور تانک ام ۶۰ تعویضی
 نمودند . همچنین برخی از دستگاههای نشانه گیری و سیستم مخابراتی
 تانکهای ام ۴۰ را با وسایلی که در تانکهای ام ۶۰ آمریکایی بکار رفته
 تعویض نمودند . تانکهای ام ۴۰ بوسیله ی خط آهن از پاد -
 گتیا و مراکز و پایگاههای نظامی نقاط مختلف کشور به اهواز و از آنجا
 بوسیله ی تریلی های مخصوص و غول پیکر به مسجد سلیمان حمل و در
 انبار بزرگی که در جوار کاخانه است نگهداری و بتدریج تحت تعمیر و
 تعمیرات آنها قرار میگیرد .

زنجیر و موتور و سایر قسمتهای مورد نظر تانک ام ۶۰ بوسیله ی کشتی
 تا خیرشهر و از آنجا بوسیله ی راه آهن به اهواز و از اهواز بوسیله ی
 تریلی و کامیونهای باری به کارخانه ی تانک سازی مسجد سلیمان حمل
 میگردد . برای اینکه جاده ی اهواز به مسجد سلیمان برای عبور تریلی
 های مذکور و حمل و نقل تانکها مناسب گردد ، کارهای زیادی بر روی

این جاده مخصوصاً در ناحیه‌ی کوهستانی بعمل آمده است و بهیچ و خمهای زیاد این جاده را در مناطق کوهستانی که متجاوز از ۲۰ سال موجب تصادفات و حشتناک و کشتارهای فراوان بود بخاطر سلاستفانکها اکنون از بین برده و بر عرض این جاده باریک به مقدار زیاد افزوده اند. در اینجا بعینه مشاهده میکنیم که بسیاری از اصلاحات ظاهری که در این مملکت صورت میگیرد تماماً هتکالی عملی میشود که با برنامه‌ها و منافع بیگاتگان و نقته‌های نظامی آنان مناسبت و مطابقت پیدا نماید و تنها چیزی که برای رژیم خائن ایران بی ارزش است، جان و رفاه و راحتی مردم است.

سین جاده‌ی مسجد سلیمان به اهواز هر سال خصوصاً در ایام نوروز و بخاطر تنگی و پیچ‌های تند جاده و نبودن علائم راهنمایی جان بسیاری از اهالی و مسافری را میگیرد اما کوچکترین اقدامی از طرف شرکت نفت یا وزارت راه بعمل نیامده. در سالهای اخیر همیشه بین وزارت راه و شرکتهای عامل نفت بر سر تعمیر این جاده اختلاف بود. شرکت نفت میگفت تعمیر و اصلاح جاده از وظایف وزارت راه است. وزارت راه میگفت چون این جاده مورد استفاده‌ی شرکت عامل نفت و در خدمت منافع آنست لذا تعمیر آن باید بوسیله‌ی شرکتهای خارجی نفتی (کمبرسوم نفت) صورت گیرد.

اما همینکه کارخانه‌ی تانک سازی وسیله‌ی حمل و نقل تانکها بوسیله‌ی تریلی و منافع استعمارگران امریکایی و انگلیسی و ارتش آلت دست آنها بمیان آمده دیگر هیچگونه اختلاف نظر و بهانه‌ی کمی پهل و نبودن بودجه مطرح نشد.

نوعی دیگری از این قبیل کارهای ظاهراً عمرانی و در اصل اقدام نظامی و ساختن پل شوشتر به دزفول بر روی رودخانه‌ی کارون میباشد. بستن این پل که شوشتر را به دزفول و دهات و بخشهای متعدد و

بزرگ کشاورزی نظیر "و" عقیلی " و صدها آبادی دیگر متصل
 می‌نماید، سالیان دراز آرزوی مردم بود، بطوریکه در هر دوره ی نمایندگی
 مجلس تمام وعده و وعید و فریبهای هر کاندیدا در مورد ساختن این پل
 بود. در عرض این سالیان دراز روستاییانی که با احتشام و بارهای خود
 بشهر می‌آمدند ناچار بودند بوسیله ی قایق از رودخانه عبور نمایند.
 به این لحاظ هر سال خصوصا در مواقع سیلابی شدن و طغیان رودخانه
 کارن بسیاری از روستاییان بعلت غرق شدن قایق ها در رودخانه جان
 خود را از دست می‌دادند. شدت تلفات از یکطرف و تاخیر ساختن
 این پل در بهبود وضعیت اقتصادی شهر اهالی را وادار می‌ساخت در
 هر فرصتی از مقامات و مقامی که برای بازدید از شهر می‌آمدند ساختن
 این پل را مهرانه درخواست نمایند، اما عملا کمترین اقدامی بحصل
 نیامد تا اینکه پایگاه هوایی وحدتی در نزدیکی درتول طبق نقشه های
 تجاویز کارانه ی امریالیستهای امریکایی تاسیس گردید. چون این پایگاه
 علاوه بر هدفهای تهاجمی به کشورهای عربی و جنبش های خلیج فارس
 بخاطر برقراری امنیت حوزه های نفتی در برابر شورشیها و مبارزات مردم
 محروم بوجود آمده بود و میبایست این پایگاه بمناطق نفتی مسجد سلیمان
 "لالی" "امر" و هفتنگ متصل باشد لذا پل مزبور خود بخود در مسیر
 این جاده قرار گرفت و اهمیت نظامی و استراتژیکی پیدا نمود و بنا به
 خواست و دستور مستشاران نظامی امریکایی ساختمان این پل عطفی گردید
 و مردم که دیگر از ساختمان این پل نا امید و از سالها پیش در این مورد
 سکوت کرده بودند با کمال تعجب مشاهده نمودند که ساختمان این پل
 با صرف بودجه های کلان و بدون اینکه از طرف مردم تقاضا و اضاری
 صورت گیرد خود بخود از طرف دولت آغاز گردید. غافل از آنکه این بار
 چون قصد ساختن این پل خیانت بمردم و سرکشی احتمالی آنان بوده به
 سرعت انجام گردید و در گذشته باین دلیل دولت و دربار خائن از ساختن

این پل طرفه میروند و با صرف نظر میگردند که فکر میگردند این پل تنها بسود روستایان و مردم شهر است .

بهر صورت امروز کارخانه تانک سازی مسجد سلیمان در سه شیفت بالغ بر ۱۰۰۰ نفر کارگر دارد و مستقیماً زیر نظر مستشاران و کارشناسان نظامی امریکایی اداره میشود . کوی تلخ آب که پس از رفتن کارشناسان خارجی شرکت نفت تخلیه شده بود اکنون محل سکونت کلبه‌ی کارشناسان و مستشاران نظامی امریکایی اداره‌کننده کارخانه تانک سازی است . هم اکنون علاوه بر تانک در رصد ساختن جیبهای نظامی امریکایی نیز هستند باین معنی که ابتدا جیبهای براکز نظامی و پادگانهای مختلف را جمع کرده با تعمیر اسلکت و تعمیر موتور آنها با موتورهای نو که از امریکا وارد میشود آنها را مورد استفاده قرار داده تا در مرحله‌ی بعد به مونتاژ جیب نظامی امریکایی و ساختن بعضی از قسمتهای آن در مسجد سلیمان بپردازند .

بطوریکه جسته و گریخته شنیده میشود برنامه‌ی ساختن مهمات گوناگون و سلاحهای سنگین نیز برای آینده پیشبینی و تدوین شده است .

ب- استفاده از تاسیسات باقیمانده‌ی شرکت فارتگر نفت

یکی دیگر از هدفهای تاسیسات کارخانه جات نظامی در مسجد سلیمان بهره‌گیری از کارگاه‌ها و ساختمانهای باقیمانده از شرکت نفت برای برنامه‌های نظامی است .

هم اکنون " وک شاپ " شرکتی که قبلاً صحبت آنرا نمودیم و فاصله‌ی خیلی زیادی با کارخانه‌ی تانک سازی ندارد تماماً باضافه‌ی ساختمانهای اداری و تاسیسات کمکی آن به کارخانه‌ی تانک سازی واگذار شده است . علاوه بر آن خانه‌های شرکتی ناحیه‌ی چشمه علی تماماً از ساکنین قبلی تخلیه و به کارکنان کارخانه‌ی تانک سازی واگذار شده است و قرار است

تمام منازل بکارگاهها و انبارها و پاشگاههای ناحیه ی " برك شاپ " و چشمه علی که با کارخانه ی تانك سازی بیش از ۱۰ کیلومتر فاصله ندارند تا ما منطقه ی نظامی اعلام شود و جاده ی ورود بشهر که از وسط این منطقه عبور مینماید تغییر جهت داده و از طریق دیگر به مرکز شهر مسجد سلیمان مربوط گردد .

ج - استفاده از نیروی کار و تخصص فنی کارگران اخراجی برای مقاصد نظامی

سومین هدف ایجاد کارخانجات نظامی در مسجد سلیمان در ظاهر ایجاد کار برای عده ی قلبی از انبوه کارگران اخراجی و بهکار شرکت غارتگر نفت و جلوگیری از سقوط کامل شهر مسجد سلیمان است اما در اصل این برنامه بخاطر استفاده از نیروی کار و تخصص فنی کارگران سابق شرکت نفت با کترین دستمزدها و در جهت امور نظامی و برنامه های ضد انسانی و استعماری امپریالیستهای امریکایی است . امروز عده ی قلبی از کارگران ورزیده و متخصص شرکت نفت در این کارخانه مشغول کارند و اکثریت کارکنان آن از طریق گرفتن رشوه های گلاز بین سه هزار تا پنج هزار تومان بوسیله ی دلالتان مخصوصی که با گردانندگان ارتشی کارخانه مربوط هستند استخدام میشوند . به افراد دیپلمه در پیوسته استخدام عده ی سه تا شش ماه کارآموزی در امریکا داده شده و حقوق آنها در بدو استخدام ۸۰۰ تومان است .

بطور کلی سطح دستمزدها و حقوقها از سطح دستمزدها و حقوق های کنسرسیوم نفت پایین تر است و این خود نشان میدهد که بهره کشی و ستم در مورد کارگران کارخانه ی تانك سازی زیادتر از شرکت غارتگر نفت است .

د - استفاده از امکانات طبیعی مسجد سلیمان برای مقاصد نظامی

طی حفارهای اخیر معلوم گردید که چاههای مسجد سلیمان که اکنون نفت آن ها به پایان رسیده دارای ذخایر عظیم گاز طبیعی است. علاوه بر این زود بخانه‌ی کاربن یعنی پر آب‌ترین رود ایران در فاصله‌ی ۱۰ کیلومتری این کارخانه جریان دارد و این منبع آب‌گرمی خود یکی دیگر از ماده‌های اولیه و احتیاجات صنایع مختلف بشمار میرود. برق آرزان سد دز عامل مهم امکان مساعدی برای صنعتی شدن ناحیه است. اما اکنون همه‌ی این امکانات طبیعی و ثروت‌های طی بجای تهیه‌ی لب‌ها برای برهنگان غذا برای گرسنگان و کاغذ و کتاب برای مردم بیسواد، همگی صرف ساختن سلاح‌های مرمکار نظامی میگردد تا نظامیان خونخوار امریکایی و اسرائیلی و ارتش دست‌نشانده‌ی شاه خائن آنها را علیه خلق‌های محروم ایران فلسطین ظفار و سایر مردم گرسنه و استثمار زده‌ی دنیا بکار برند.

۲ - سیاست صلیتاریزه کردن کلبه‌ی مناطق کشور

بد نهال ریخته و تسلط جهان خواران امریکایی در ارتش ایران و بر سراسر شئون حیاتی وطن ما برنامه‌ی ایجاد پادگان‌ها و پایگاه‌های نظامی در کلبه‌ی مراکز و نقاط حساس ایران بسوزت نهال گردید، تا جاییکه در هر گوشه و کنار تا دور افتاده‌ترین نقاط مراکز و پایگاه‌ها و پادگان‌های نظامی فراوانی تاسیس شده و خواهد شد و هم اکنون کشور ما بصورت یک سربازخانه و پادگان نظامی بزرگ درآمده است.

بر اساس همین سیاست میبایست در مسجد سلیمان که در ناحیه‌ی عسایر نشین بختیاری و در یک منطقه‌ی کوهستانی سوق الجیشی واقع است، به خاطر سرکوبی جنبش‌های روستایی در دهات و مبارزات مردم رنج‌دیده و استثمار شده‌ی شهرها دارای تاسیسات نظامی باشد. کما اینکه در هفتگ که چاه‌های نفت آن حتی قبل از چاه‌های نفت مسجد سلیمان به

پایان رسیده است از مدت‌ها قبل واحد‌های زرهی در حد يك پادگان در آن ایجاد شده است و تمام ساختمانهای اداری و منازلی که در گذشته بوسیله‌ی شرکت ساخته شده به نظامیان واگذار گردیده . کلیه‌ی ابزارهای ریزش شرکت بصورت انبار و محل توقف تعداد سرسام آوری از تانک و توپ و نفر برد آمده و هفتگنک کاملاً بصورت يك منطقه‌ی نظامی در آمده است .

بهر حال پروژه‌ی سد رضاشاه خائن بر روی رودخانه‌ی کارون در ۱۰ کیلومتری مسجد سلیمان و بازریدهای مکرر غلامرضا از عملیات ساختمانی این سد و زمینهای اطراف آن نشان میدهد که امپریالیستهای امریکایی و انگلیسی و دربار دست نشانده‌ی آنها نقشه‌ها و طرحهای ضد ملی و خائفانه‌ی وسیعی برای این ناحیه تدارک میبینند .

تمام این طرحها بر این اساس پایه ریزی میشود که از آب، برق، گاز، زمین و نیروی کار ارزان مردم زحمتکش این ناحیه برای فقر و بدبختی بیشتر و کشتار خلقهای ایران و سایر کشورهای منطقه حد اکثر استفاده را بنمایند و تمام این ثروت‌های ملی که باید روز بروز وسیله‌ی رفاه و سعادت خلق ما را فراهم سازد بالعکس موجب بدبختی و سیاه روزی بیشتر مردم وطن ما و ثروت اندوزی کشورهای بیگانه و دربار دست نشانده‌ی آنها گردیده است .

پایان "